

تاریخ و هویت ایرانی



گفت و گو با فرهنگ رجایی به بهانه انتشار کتاب مشکله هویت ایرانیان

هویت و بحث و بررسی درباره آن، از جمله دلمشغولی‌های اهل فکر و قلم ایرانی است و در چند سال اخیر نیز چاپ کتاب‌های متعددی در بررسی اخلاق و رفتار ایرانیان و نیز توجه به تاریخ سیاست و فکر بر دامنه این بحث افزوده است. دکتر فرهنگ رجایی نیز چنانکه خود می‌گوید، از اوایل دهه پنجاه و در نتیجه سلسله بحث‌های دکتر حمید عنایت در درس «تاریخ سیاسی در اسلام و ایران» به پژوهش در این زمینه علاقه‌مند می‌شود. در آن درس و گفتارها پرسش‌هایی چون کیستی ایرانیان و اینکه چرا آنها در حالت پویایی و تولید نیستند و نیز رابطه مستقیم میان پویایی، تولید و سامان داشتن با هویت شفاف و خودآگاهی کلان اجتماعی مطرح و بحث شد. بعدها که وی به دوره تحصیلات عالی در آمریکا پرداخت، می‌آشناختی چون «عدالت در روابط بین‌الملل» و «دغدغه‌های وی درباره معنای دقیق این مفهوم را در فرهنگ ایرانی-اسلامی فراموشی بخشید. تمامی این تلاش‌ها و نیز مواجهات مفصلی با فرهنگ رجایی با برخی رفتارهای ایرانیان دستمایه‌ای برای تألیف این کتاب شد. روش نویسنده در کتاب در آمیختن تحلیل فرهنگی با تحلیل تاریخی است، به گونه‌ای که در یک سو خواننده با یادداشتن میراث فکری فرهنگ ایرانی و در سوی دیگر نشان دادن مصادیق تاریخی آن است. وی خود این روش را «تلفیق خلاقانه» نام می‌نهد و در نتیجه چنین ناسی می‌گوید: «منظور از تلفیق خلاقانه و همچنین است میان دو قطب افراط و تریبط تقلید و بدعت» و حتی روشی که از تلفیق به دور است و از خیال‌اندیشی هم برهیز می‌کند. کتاب «مشکله هویت ایرانیان امروز» را نشر نی به بازار کتاب عرضه کرده است.

۱۰

۸۵ اثر از یک زندگی مؤثر

آثار عبدالرفیع حقیقت (رفیع): پژوهشگر

عبدالرفیع حقیقت (رفیع) در رشته تاریخ تخصص دارد و حالا در ۷۰ سالگی با انتشار بیش از ۸۵ جلد کتاب که سال‌ها پژوهش و تحقیق را در پشتوانه خود دارد، تاریخ ایران را از جنبه‌های مختلف عرفان، ادبیات، هنر، نهضت‌های ملی و فکری و جنبش‌های مذهبی بررسی و سنجی کرده همانطور که خودش تأکید دارد، تاریخ را به صورت تحلیلی ارائه کند.

۲۱

یاد یاران

شهید بهشتی و نشر ۸۲

۲

جشنواره قلم زرین

دومین جشنواره ۱۴ تیر برگزار می‌شود

۲

ISSN: 1029-3345

شماره ۶ تیر ۱۳۸۳
۷ جمادی الاول ۱۳۸۵، ۶ و ۷ تیر ۲۰۰۴
شماره ۱۸۳، پیاپی ۵۷۱
صفحه ۱۰۰، اوتومان ۳۲
www.ketabehaftab.ir

یک عمر ایران دوستی

جایزه برای ریچارد نلسون فرای

۴

کتاب جهانی

GRIMM BROTHERS

۱۴ ویژه



آینده انجمن علمی و مترجمان دینی

در گفت و گو با عبدالله امینی، پژوهشگر، مؤلف و مترجم

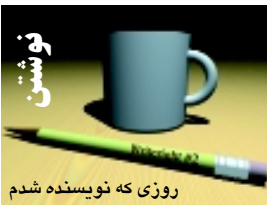
۱۳

مطالب حقوقی در قالب مسائل دینی

۱۸

ترجمه آثار کلاسیک ایرانی به زبان‌های عربی و آلمانی

۲



روزی که نویسنده شدم

نویسندگان جوان

۱۳ تا ۱۹ ساله ها بخوانند

۸

قانون معافیت مالیاتی

کاربردی نیست

رئیس اتحادیه

ناشران و کتابفروشان تهران

۱۲



تخیل

رنگین کردن واقعیت

دیدار با حسین قندی، روزنامه نگار

۳

انتشار علمی و فرهنگی

تاریخ اتوبیان
نویسنده: جمال الدین محمد بن مسلم بن اصف
عشر جلد، هر یک ۱۲۰ صفحه
قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

نمایشگاه بین‌المللی کتاب
انتشار برگزیده هدف‌محین

کتاب تاریخ اتوبیان ترجمه فارسی کتاب سوئدیسج اکثر و دیگر اعیان علی بن بابویه که در کتابخانه سلطنتی ایران در شهر اتوبیان به قلم خود از اولین مدهدین اسلام است ۱۱۰۰ ساله است. این کتاب در روز ۱۳ تیر ۱۳۸۵ در تهران به نمایش گذاشته شد. این کتاب یکی از آثار مهمی است که در تاریخ اسلام و تمدن اسلامی خود را به عنوان شاهکار و عینی در دو جلد از آن این کتاب به نمایش گذاشته و در این کتاب به نمایش گذاشته است و این کتاب به نمایش گذاشته است.

هر قلم توزیع انحصاری: شرکت باران کتابی، کتاب گستر، ناشر: ۱۳۸۵-۲۰۰۰-۳۳۳-۲۰۰۰، تهران، گروه انتشارات، گروه انتشارات، شماره ۴، قلم: ۸۷۴۲۵۷۶
گروه انتشارات دانشگاه تهران، قلم: ۰۰۷۶-۳۲، انتشارات دانش‌کتاب گستر، خیابان آصفیة، چهارراه جهان کورنگ، گروه انتشارات، شماره ۴، قلم: ۸۷۴۲۵۷۶
www.ketabgostaran.com - e-mail: info@ketabgostaran.com

خبر

درخواست اتحادیه ناشران از رئیس مجلس

ان قانون رقع معافیت مالیاتی نشانان رقع ابهام کنيد

رئيس اتحاديه ناشران و کتابفروشان تهران در نامه‌ای به دکتر غلامعلی حداد عادل رئيس هفتمين دوره مجلس شورای اسلامی از وی خواست تا مجلس را مجاب به رقع ابهام از بند ۱ ماده ۱۳۹ کند. در این نامه که نسخه‌ای از آن در اختیار کتاب هفته قرار گرفته، آمده است:

جناب آقای غلامعلی حداد عادل ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام ضمن تبریک تصدی ریاست مجلس شورای اسلامی و آرزوی توفیق برای جنابعالی و همکارانتان به اطلاع می‌رساند که لایحه معروف به معافیت مالیاتی ناشران و کتابفروشان پس از ۵ سال که از تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی گذشت، سپس با تنظیم قانون جدید مالیاتی تغییر شکل داد تاکنون به شکل درست و جانکنر خود به دلیل ابهامی که دارد به مرحله اجرا در نیامده است و مسؤولان محترم مالیاتی کشور آن را فقط در حوزه استثنای افرادی قابل اجراء دانسته و شامل کتابفروشان نمی‌دانند.

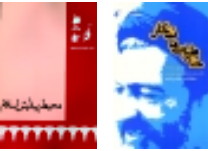
خواهشمند است پس از این همه سال دستور فرمایند هر چه زودتر نسبت به رفع ابهام بند ۱ ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌ها که معافیت مالیاتی کتابفروشان را در زمانی مجاز می‌داند که آنها مجوز فعالیت خود را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کنند اقدام مقتضی به عمل آید و سازمان مالیاتی کشور جواز کسب کتابفروشی‌ها را که توسط اتحادیه صادر می‌شود به منزله مجوز این معافیت پذیرد.

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای جنابعالی.
دادم رمضان شيرازي
رئيس اتحاديه ناشران و کتابفروشان تهران

اولويت‌های کمیسیون فرهنگی

شورۀ رسیدگی به امور فرهنگی کشور بر اساس اولویت‌هایی است که در جلسات اولیه کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین می‌شود.
عفت شریعی، مدیر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب گفت: نیازهای عمومی و منافع مردم مهمترین ملاک در تنظیم این اولویت‌هاست و پس از آن موضوعات بر اساس اهمیت مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.
شریعی در ادامه افزود کمیسیون فرهنگی تاکنون یک جلسه برای دریافت و ارائه اولویت‌های پژوهشی داشته است و تصویب اولویت‌ها بر اساس نیازهای جامعه، برنامه‌ریزی آتیۀ کمیسیون است.

وی خاطر نشان کرد بررسی طرح‌های به جا مانده از مجلس ششم و رسیدگی به آنها از کارهای اولیه کمیسیون فرهنگی مجلس و دیگر کمیته‌هاست.



شهیدبیشتی و نشر ۸۲

در سال ۸۲ چهار عنوان کتاب درباره شهید دکتر بیشتی منتشر شده است. بر اساس آمار بانک اطلاعاتی خانه کتاب کلبه این کتاب‌ها چاپ اول بوده‌اند و با شمارگان کل ۸۵۰۰ نسخه منتشر شده‌اند. نشر بقمه، نشر شاهد، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر و مرکز مطبوعات و انتشارات، قوه قضائیه ناشران این کتاب‌ها بوده‌اند. بر اساس این آمار از آغاز سال ۷۸ تاکنون، پنج کتابی درباره شهید بیشتی منتشر شده است.

نوراله چمران

سی و یکم خردادماه، سالگرد شهادت شهید دکتر چمران بود. بر اساس بانک اطلاعاتی خانه کتاب از خرداد ۷۸ تا خرداد ۸۳ چهار کتاب درباره

یاد یاران

شهید چمران منتشر شده است.

چمران به روایت همسر شهید نوشته حبیبه جعفریان، سه روایت از چمران، تألیف امیر حسین آذربایران، شهید چمران تألیف احمد دهقان و مجموعه پیش و تابیش شهید چمران خداین این کتاب‌هاست.

این کتاب‌ها با شمارگان ۱۲۵۰۰ نسخه منتشر شده‌اند و کتاب سه روایت از چمران، تنها کتاب چاپ اول درباره شهید دکتر چمران است. مجموعه پیش و تابیش که شامل یک مقاله، سه یک سخنرانی و گویه‌های از او‌ها و نیازهای شهید چمران است، توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده و در سال ۸۲ به چاپ نازدهم رسیده است.

دبیر شورای کسترش زبان فارسی:

زبان فارسی با همه عظمت نیازمند بازنگری است

دوره‌های ۱۵ روزه در کشورهای چون اسپانیا، آلمان، ایتالیا، ترکیه و روسیه برگزار می‌شود و استادان ایرانی برای تدریس به این کشورها سفر می‌کنند.

محمدخانی در ادامه به برنامه‌های شورای فرهنگ زبان فارسی در سال جاری اشاره و خاطر نشان کرد: تجلیل از استادان زبان و ادبیات فارسی در مصر، تقویت و تجهیز ۱۰ کرسی زبان و ادبیات فارسی، تدوین بانک اطلاعات کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی، تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ازبکی و ترکیب اسپانیولی، ترجمه آثار ادبی معاصر به ایتالیایی، ترکی و آلبانیایی، شناسایی نسخ خطی فارسی، ارتباط گسترده با دانش‌آموختگان زبان فارسی و بهره‌گیری از موسیقی، هنر و سینما در آموزش زبان فارسی و انتشار ۸۸ عنوان کتاب آموزش زبان فارسی در خارج از کشور از برنامه‌های دیگر این مرکز است.

وی در ادامه افزود: کتابخانه اینترنتی شورای گسترش زبان و ادب فارسی بزودی در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. همچنین ۱۰ هزار جلد کتاب برای کرسی‌های زبان فارسی خارج از کشور ارسال می‌شود.

دبیر شورای گسترش زبان فارسی از برگزاری همایش شعر فارسی خیرداد و گفت‌وگویی همایش شعر فارسی با حضور شاعران و محققان فارسی زبان از ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان با هدف پیوند میان شاعران فارسی زبان و شناخت نقاط اشتراک و تفاوت از ۲۰ تا ۲۲ ترمه‌ماه آسام برگزار خواهد شد.

اهدای ۴۲ هزار نسخه کتاب به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

گروه خیر کتاب هفته ۲۲ هزار جلد کتاب در سال گذشته به سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی اهداء شده است.

رئیس ادب و خدمات کتابداری این سازمان با اعلام این خبر افزود: در سال گذشته جمعا ۱۵۰ هزار و ۲۹۵ نسخه کتاب توسط این اداره به ثبت رسیده که از این تعداد ۲۲ هزار عنوان اهدایی و بقیه خریداری بوده است.
جعفر در باغ غیران، در ادامه گفت: کتاب‌ها به سه زبان فارسی، عربی و لاتین است و ۱۵ هزار و ۶۸۲ نسخه آن توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اساس

اهدای جایزه قلم زرین

گروه خیر کتاب هفته، دومین جشنواره قلم زرین ۱۲ ترمه‌ماه برگزار می‌شود.
دبیر جایزه قلم زرین رضیه نجار، درباره نامرده‌های جایزه قلم زرین گفت: در بخش داستان، رمان (احیاء حطوت از آرمین، بخند تلخ اثر محمدعلی گودینی و درود داری)؛ در بخش خبوری از بین ۱۰۳ داستان و رمان به مرحله نهایی راه یافتند.

نحار در ادامه افزود: «گمشده لب دریا» اثر دکتر نفی پورنامداریان، «در مسیر تندباد» از محمدرضا سرتار و «مقایسه قصص قرآن و عهدین» نوشته دکتر عباس اشرفی از بین ۱۵۲ اثر پژوهشی به مرحله نهایی راه یافتند.
در بخش شعر نیز مجموعه شعر «سرخ تر» از پرنده و پرواز امروزه سیاه‌الدین اثری، «با شب همه شب سرود متفق کائناتی و «گرگانه ادبیات معاصر» از سروده‌های فاطمه آقا برای از میان یک‌هزار و ۳۳۸ مجموعه شعر نامرود دریافت جایزه شدند.

وی درباره داوران آثار جشنواره گفت: در بخش شعر، عباس برائتی، پوریا بیرونیگی، حبیب‌آبادی، حلیل عرفانی و اولیة و نهایی آثار انجام دادند.
داری لولیه و نهایی بخش پژوهش را هم محسن پرویز، دین‌الدین رحمانی، حمید گروگان، جواد محقق و کارمان پارسا پور بر عهده داشتند.

نحار در ادامه از برگزاری جشنواره قلم زرین در هر سال خبر داد و افزود: تصمیم داریم از سال آینده جایزه قلم زرین را هر سال برگزار کنیم و علاوه بر برگزیدگان سه بخش داستان، شعر و پژوهش برگزیدگان آثار کودکان و نوجوانان اولین اثر نوقمان نیز معرفی شوند.

دبیر جایزه قلم زرین درباره برگزاری مراسم این جایزه خاطر نشان کرد: برگزیدگان جایزه قلم زرین در مراسمی درمانان با روز قلم در ۲۲ ترمه‌ماه در تلا آئینه‌شده حوزه هنری معرفی می‌شوند. در این مراسم از تندپه‌ها صرفه‌مردنی تجلیل می‌شود. همچنین قرار است در این مراسم دکتر علی لاریجانی و غلامعلی حداد عادل سخنرانی کنند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

هدف ، ارتباط دو سویه با

وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی است

ایران، با توجه به ارتباط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های تابع آن و سازمان‌های فرهنگی با کمیسیون فرهنگی مجلس با آثار و تعامل و کمک به یکدیگر گذاشته‌ام. جواد آیین منش، مدیر کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان این مطلب گفت: به نگاه کمیسیون فرهنگی، بلکه سایر کمیسیون‌های مجلس هفتم نیز با بر تعامل و قوه سبویه و همکاری مطلق، با مجموعه اجرایی کشور و قوه سبویه همکاری مطلق، با مجموعه اجرایی آیین منش درباره نظارت مجلس بر امور فرهنگی

خاطر نشان کرد مجلس هفتم بنا دارد تا مکاتیمی برای تقویت نظارت مجلس طراحی کند و کمیسیون فرهنگی نیز قصد دارد به بحث نظارتی توجه بیشتری داشته باشد تا قوانین، بویژه در بخش فرهنگ و هنر به درستی اجرا شوند.

مجموع ۳۶۷ عنوان کتاب در یک هفته

گروه خیر کتاب هفته ۳۶۷ عنوان کتاب در هفته منتهی به ۲۷ خردادماه جزو آستان قدس رضوی گردید.
جناب نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب آمار مومرعی حدود مجوز این کتاب‌ها را به شرح زیر اعلام کرد:

کتاب درسی و آموزشی ۷۸۹ درصد، ادبیات ۳۷۹ درصد، دانشگاهی ۱۷۸۸ درصد، روانشناسی ۱۷۸۸ درصد، علوم اجتماعی ۸۴۰ درصد، دین و فلسفه ۱۰۷ درصد، علوم سیاسی ۱۳۸۲ درصد، تاریخ و جغرافیا ۳۸۲ درصد.
در هفته مزبور همچنین ۳۵۰ عنوان کتاب اقم چاپ اول با چاپ‌های بعدی، ادب‌پیرجانه‌های نظارت اجرایی ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شد.

اولین همایش خاطره‌نویسی

دفاع مقدس

گروه خیر کتاب هفته اولین همایش خاطره‌نویسی علمی دفاع مقدس ۲۳ و ۲۴ ترمه‌ماه، در تهران برگزار می‌شود. این همایش که از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برگزار خواهد شد، به بررسی علمی خاطرات و جنبه‌های نظری از ادبی موضوع خاطره در دفاع مقدس می‌پردازد.

مجموعه‌های اولین همایش خاطره‌نویسی دفاع مقدس شامل مؤلفه‌های خاطره‌نویسی، تاریخچه خاطره‌نویسی، نقش رمان در خاطرات و نثر و زبان خاطرات دفاع مقدس، سوخ و نگارش در خاطرات زندگانیان، نظیر در خاطرات، سرفرازمی‌نویسی دفاع مقدس، یادداشت‌های روزانه و دست‌نویس‌ها، خاطره‌نویسی و سینه‌های دفاع مقدس، بررسی مرده‌فناپی، خاطره‌نویسان و مقایسه نظری خاطره‌نویسی جنگ در ایران با سایر کشورها است.
تاریخ شفاهی دفاع مقدس، فرهنگ‌سازی و خاطره‌نویسی دفاع مقدس، خاطره‌نویسی فرامانده‌گان، جایزتان و اسرار جنگ، حقوق ادبی و مدنی خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاری و سینه‌های مستند از تجربه‌های جنگ این همایش است.

نامی افرادی که خاطراتی از دفاع مقدس دارند و پژوهشگران و نویسندگان می‌توانند آثار مقالات خود را با پایان ترمه‌ماه به دبیرخانه این همایش در اختیار کنند.
خیابان سنبل، کوچه ۱۴، پلاک ۲۸، ارسال کنید.



تغییرات و توزیع

کتاب‌های درسی در سال جدید

گروه خیر کتاب هفته، کتاب‌های درسی جدید التالیف دوره‌های ابتدایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی در سال تحصیلی جدید ارائه می‌شود.

این کتاب ما شامل مباحث و ترمیم پایه سوم ابتدایی،هدیه‌های آسمانی پایه چهارم،نهایی،چین روزنگی پایه دوم متوسطه و ترمیم ۱ و ۲ پایه پیش‌دانشگاهی رفته‌های ریاضی و تجربی است.

کتاب بخارنیم و بویسیم پایه سوم ابتدایی در ادامه تألیف مجموعه کتاب‌های بخارنیم و بویسیم است که در سال‌های قبل ویژه پایه‌های اول و دوم ابتدایی تهیه و عرضه شد. در این مقطع هم چنین کتاب آموزش قرآن پایه دوم، سوم و پنجم به دلیل احوال نظر و پیشنهادات معلمان تجربیاتی کلی خواهد یافت.

ارائه کتاب بین روزنگی مقطع دوم متوسطه نیز ویژه تألیف کتاب بین و زندگی سال اول متوسطه است. در مقطع متوسطه کتاب شیمی ۱ و ۲ رشته‌های ریاضی و تجربی هم در ادامه تألیف کتاب‌های شیمی سه سال دبیرستان دبیر کامل یافته و تألیف جدید آن در سال تحصیلی آینده عرضه خواهد شد.کتاب زبان انگلیسی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی به منظور کاهش حجم و نوسازی متن و کتاب جغرافیای رشته انسانی تجربیاتی کلی خواهد یافت.

کتاب‌های مقطع راهنمایی هم با تجربیاتی همراه است و جغرافیای پایه اول، دوم و سوم و ریاضی،تعلیمات اجتماعی و زبان انگلیسی پایه دوم و تجربی پایه سوم با اصلاح تغییرات کلی در سال تحصیلی آینده ارائه خواهد شد. همچنین سبک احمد حبیبی مدیر کل دفتر چاپ و توزیع کتاب‌های درسی آموزش و پرورش اعلام کرده پیش‌دانشگاهی،از اول مهر،مردمان باشروع سال تحصیلی در مدارس توزیع خواهد شد. وی گفت: ما در ادامه کتاب‌های دوره راهنمایی و دبیرستان برودی اعلام خواهد شد و توزیع کننده آنها بخش خصوصی خواهد بود. وی تأکید کرد در چاپ و توزیع کتاب‌های درسی سال تحصیلی ۱۳۹۴مختگی وجود ندارد.

هرچه اندیشیده نادرتر سربازیده نخباتر

گروه خیر کتاب هفته، هرچه محاسب مزاحم‌تر /نادرتر /به همان اندازه سربازیده نخباتر آنچه خواندنی‌تر قسمتی از شعرهای امارتین هایدگر، از کتاب «مفهوم زمان» است که علی‌علیایی، مترجم زبان آلمانی برای اولین بار به فارسی ترجمه کرده است. «مفهوم زمان» دارای سه بخش پارکینه راه مزرعه، مفهوم زمان و ایماها و ذراتین (گریده شعرها) است که در واقع سه اثر مجزا از این فیلسوف اگزیستانسیالیست به شمار می‌آیند. کتاب عکس‌هایی هم دارد که با نوشته‌هایی از هایدگر درباره آنها همراه است. شرح دو دیدار هایدگر با «اورنگ‌گاست» و دیدگواستر اویسنسکی، هم در کتاب به قلم خود او آمده است.

اما شعرهای هایدگر، بیش از هر مطلب دیگری کتاب را جذاب‌تر نموده است. این کتاب توسط نشر مرکز در ۱۰۳ صفحه منتشر شده است.

تسلیمات
دوست عزیز جنتی آقای منصف حبیبی پور <p>صمیمیت و زاده را به خدا و خردانه نگرانی تا تسلیم می‌گویی.</p> <p>دوستان شما در مرکز مطالعات ادبیات داستانی</p>
جنتاب آقای حبیب پور <p>در گذشت خواهر گرامی من آن راستی می‌گوییم، ما را در غم خود شریک بدانید.</p> <p>کتاب هفته</p>

گروه خیر کتاب هفته،نخست‌گذرورسی دایرةالمعارف زن‌ایرانی روز پنج‌شنبه ۲۸ خرداد در خانه پژوهش قم برگزار شد.

در این نشست ساسانی (متقد)، سوزای (کارشناس پژوهش)، احراری (مسؤول دایرةالمعارف)، معتمدی (سروراستار)، علیرضا اقتداری (کارشناس پژوهش)، زبیبی‌زاد (متقد)، محمد سمیع (دبیر جلسه)، عطارزاده (تقد محترمی)، حکمت‌نیا(پرسی مناضل حقوقی)، محمد اسفندیاری (متقد)، پهلوی(دایرةالمعارف، حضور داشتند. به گزارش خبرنگار ما در قم در ابتدای جلسه احراری به معرفی پیشینه و انگیزه‌های تألیف دایرةالمعارف زن‌ایرانی پرداخت و از آن به عنوان اولین فعالیت تخصصی و علمی در این زمینه یاد کرد که به سفارش مرکز امور مشارکت زنان و توسط بنیاد دانشنامه فارسی انجام شده است.

در ادامه ساسانی انتقادات خود را در سه محور اعمیت دادن به ملیت در مقابل شریعت، آوردن مدخل‌های غیر ایرانی علی‌رغم موضوع و عنوان دایرةالمعارف و اشکالات محتوایی بیان کرد.

عطارزاده سخنران بعدی بود که به تقد محتوایی اثر پرداخت و گفت: یکی از مواردی که بهتر بود در مقدمه به آن اشاره می‌شد، تا مایخ گوی بسیاری از اشکالات ناگفته باشد، روش کار و علت انتخاب موضوع است. و با اشاره به عدم تعیین درجه و

زاویه‌ای که در این دایرةالمعارف به موضوع زن پرداخته، آن را مبهم خواند.

عطارزاده همچنین به برخی اشکالات محتوایی و عدم رعایت تقدم و تأخر مقالات اشاره کرد. حجة‌الاسلام زبیبی‌زاده به فعالیت خود در زمینه مطالعات زنان اشاره کرد و گفت: بنده و همکارانم بیش از دیگران ضرورت تدوین چنین دایرةالمعارفی را احساس می‌کنیم. وی با غیر علمی خواندن دایرةالمعارف زن ایرانی افزود: این کار مناسبانه فرصت تألیف یک دایةالمعارف ظریف و دقیق را از ما گرفته است.

زبیبی‌زاده موضوع دایرةالمعارف را مورد سوال قرار داد و با اشاره به برخی مدخل‌ها، یادکردن برخی مدخل‌ها را یادون توجیه دانست و گفت: ما مدخلی مانند: «آجل مشکل گشتا،چاپ قم کار،خالی نوی»-چه ربطی به دانشنامه زن دارد، زبیبی‌زاده مشکل اطباق در برخی مدخل و گزیده‌گویی در برخی دیگر از آزاردهنده خواند و با این سوال که با چه تعریفی یک مدخل زنانه و غیر زنانه است، تقد خود را بیان داد.محمد اسفندیاری گفت: به نظر من در این کار هیچ یک از اصول و ضوابط دایةالمعارف نویسی رعایت نشده است.

اسفندیاری با رد اشکالات ساسانی، داوری ایدئولوژیک را در مورد فعالیت‌های علمی مردود برشمرد و گفت: این دایرةالمعارف از دانشن ساختار و چارچوب لازم برای عنوان خود محروم است.

ناشران قم نیمی از سهم کاغذ خودرا گرفتند

وی درخصوص مشکلات این دیرکرد افزود:

وقه باعث می‌شود ما نتوانیم در بازارهای بین‌المللی با قیمت مناسب کاغذ بگیریم، زیرا ما نتوانستیم به کارخانه‌های تولید کاغذ به موقع سفارش بدهیم.

حبیبی در ادامه گفت: این مشکل بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بازرگانی و موسسه کاغذ پارس است اما ناشران ضریه آن را می‌خورند. برای مثال پارانه ماه شهروز، استفاده هم به ماده شد. مدیر تعاونی ناشران قم درخصوص مقدار کاغذی که فرار است به ناشران این شهر اختصاصی باید اظهار

گروه خیر کتاب هفته، ناشران قم هزار تن کاغذ دریافت کردند.

مدیر تعاونی ناشران قم، سید محمود حبیبی با اعلام این خبر گفت: این در حالی است که مصرف سالانه کاغذ ناشران قم ۲۰ تا ۱۵ هزار تن کاغذ است.

حبیبی درباره مشکل کاغذ در سال جاری اظهار کرده به علت عدم هماهنگی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بخشی از پارانه آرزای کاغذ تأمین نشده بخشی دیگر از آن که موجود بود به موقع تحویل ناشران داده شد.

چپان

ترجمه آثار کلاسیک ایرانی پنه بی زبان‌های عربی و آلمانی

نوشته احمد محمود اثر تمایل کرده‌اند اما هنوز مذاکراتی در این زمینه صورت نگرفته است.

مفتوی معنوی به آلمانی

شرق، شش دفتر مفتوی معنوی، مولانا جلال‌الدین رومی برای اولین بار به زبان آلمانی منتشر شد. این اثر سه جلدی توسط زیلا مهرابی و کاره دلیر آذر ترجمه و چاپ شده است. کتاب بر عنوان فارسی مفتوی نام **Bele Der prophet** (بیامر عشق) هم به چاپ اضافه شده است.

این کتاب از متن فارسی نیکسون به نثر ترجمه شده و در اکثر مجامع ادبی و دانشگاهی آلمان و اتریش و سوئیس مورد استفاده قرار گرفته است.

ید
محمد مهریار درگذشت <p>محمد مهریار، معمار و ساینسدانشن برجسته ایرانی در گذشت. مهریار، پژوهشگر برگزیده سال گذشته و خادم میراث فرهنگی، پس از قرن زندگی و بیش از سه دهه فعالیت در بخش‌های مختلف فرهنگی، سی و یکم خردادماه بر اثر عارضه قلبی درگذشت.</p> <p>وی فارغ التحصیل رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. این دانشاتش در رشته در برمت آثار باستانی بسیاری چون آرگ بم، معبد آنتانتا رنختن جسدیه، به فعالیت پرداخت.</p> <p>مقالات بسیاری در زمینه باستانشناسی از این پژوهشگر باقی مانده است و تنها کتاب اربا با عنوان «مکاشف کارش‌های کنگاور» در آمده، توسط سازمان میراث فرهنگی منتشر می‌شود.</p> <p>روحش شاد و یادش گرامی.</p>

شماره ۱۸۴، شنبه ۶ تیر ۱۳۹۳

جلسه نقد و بررسی دایرةالمعارف زن ایرانی، در خانه پژوهش قم برگزار شد

محسن پهلوی بنیان دایرةالمعارف را با توجه به موضوع آن و توجه به جنسیت آن کاری بدیع و درخبر تحسین دانست و گفت: دسته در این کار با ما مخالف بودند؛ گروهی که عقیده داشتند کار ما، نگاه می‌رسد؛ سالارانه است و تدوین دایرةالمعارف را روگرد چینی درست نیست. پهلوی هم معتقد بود که اصلاً نیازی به این کار نیست. پهلوی و دیگر بنیاد دانشنامه فارسی به این کار نیست. معارف را نه عمومی و نه تخصصی برشمرد و گفت: ما در دانشنامه به این نتیجه رسیدیم که هیچ نوع تخصصگی برای تعیین تخصصی یا عمومی بودن و همچنین نگاه آزرشی و ایدئولوژیک نمی‌توان داشت.

نرم‌حاشیه
نیم ساعت پائانی جلسه نقد و بررسی دانشنامه زن ایرانی با اظهارات کنایه‌آمیز و تند برخی از منتقدان همراه بود که به طور کلی این دایرةالمعارف را مخدوش و آن را فاقد معیارها و ضوابط اولیه چنین کاری می‌دانستند. اگرچه اینگونه مسائل از طبیعت جلدات است. اما به نظر می‌رسد به کارگیری برخی تغییرات باقی‌نفسه جلست نقد که از طرف مدیر نشست مطرح شد، مخرونی نبارد. از طرف دیگر، مؤلفان با صاحبان آثار مورد نقد نیز باید علاوه بر تسلط بر مباحث مطرح شده در جلسه، به دفاع صریحاً علمی و مستند و به دور از احساس در چارچوب موضوع نقد پرداخته و از حاشیه‌روی پرهیز نمایند.

کرد، اسماال قرار بود اعتبار آرزوی دو هزار تن کاغذ به ناشران قم تحویل داده شود که تاکنون موفق به تهیه هزار تن کاغذ نشده‌ام و زمان مشخصی را برای تحویل بقیه اعلام نکرده‌اند. حبیبی در ادامه افزود: حدود ۱۵۰۰۰ تنر، موسسه و بیت در قم و بیش از ۱۵۰۰۰ تن در شهرستان‌های اطراف، کاغذ خود را با سهمیه کاغذ این شهر می‌گیرند. وی درباره مشکلات کمبود کاغذ و چاپ کتاب‌ها گفت: کتاب‌هایی که ناشر کاغذ آن فرار داد داشته، با کاغذ آزاد چاپ شده و چاپ کتاب‌های دیگر به تعویق افتاده است.


دانشجوی
سید فرحی

گزارشی از سیزدهمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر افشار

ریچارد نلسون فرای یک عمر ایران دوستی

اینجا باغ موقوفه زنده یاد دکتر محمود افشار می‌رسد. عصر گرم دومین روز تابستان، محققان، نویسندگان و تاریخ‌نگاران آمده‌اند تا وقف دکتر افشار را به جا آورند. اینجا باغ وقف تاریخ ایران و زبان پارسی و جایزه ادبی-تاریخی است. ریچارد نلسون فرای ایرانی‌شناسی آمریکایی پیش از نیم قرن درباره تاریخ ایران پژوهش و آثاری را منتشر کرده و با بسیاری از پژوهشگران ایرانی دیدار کرده است و وقتی نزد هم‌عصران پورداوود رفت تا مصداق پورداوود را ضبط کند به این لقب «ایران دوست» دادند و حالا خود فرای این لقب را هم‌راه نامش به کار می‌برد و در امضای نامه‌هایش می‌نویسد: «فرای ایران دوست».

به پاس همین ایران دوستی که آثار و نتایج پرباری را به ارمان آورده فالچه ابریشمی بافت نابین به عنوان سیزدهمین دوره جایزه دکتر افشار با داستان دکتر اعلم که از شاگردان فرای است، به وی اهدا شد. روی فرش نوشته شده است: «جایزه تاریخی-ادبی دکتر محمود افشار به ریچارد فرای».

در ابتدای این مراسم دکتر مصطفی محقق داماد گفت: میهن ایران دارای تاریخ بزرگ و سرفراز است. علی‌رغم تاخت و تازها، دشمنی‌ها و غارت‌هایی که همواره با آن مواجه بوده به تکی با کفایت مردانی بزرگ از خود این سرزمین، این تمدن عظیم زبان و فرهنگ پارسی تاکنون زنده و جاوده‌یافتی است. یکی از این مردان بزرگ مرحوم دکتر محمود افشار پوری است که آنچه داشته در تکف اخلاصی گذاشته و باغی از خود باقی نگذاشته و به یادگار مانده است. موقوفه دکتر افشار از کم نظیرترین موقوفات است. وی حتی منزل مسکونی خود را وقف کرده که این نشان از روح بزرگ او دارد.

محقق داماد درباره مصارف وقف موقوفه دکتر افشار افزود: مصارف وقف این موقوفه تاریخ، ادبیات و زبان فارسی است و یکی از مصارف وقف، جایزه است.

وی با اشاره به اهدای جایزه دکتر افشار در دوره‌های گذشته گفت: تاکنون ۱۲ جایزه دکتر افشار به شخصیت‌های ایرانی خارجی اهدا شده است و امسال جایزه به ریچارد نلسون فرای تعلق گرفته، شخصیتی که عاشق ایران است و مرحوم دهخدا به او لقب ریچارد فرای ایران دوست داده است. فرای بیش از ۶۰ سال در کوه‌ها، بازارها، جاده‌ها و کوهستان‌های ایران گردش کرده و از بسیاری از ایرانیان به ایران آشناتر است.

در ادامه این جلسه مشهور سیزدهمین جایزه دکتر افشار توسط دکتر سید صادق سجادی، معاون پژوهشی و مدیر بخش تاریخ مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی قرائت شد.

نام هم پروردگار آقای پروفیسور ریچارد فرای استاد پیشین ایرانی‌شناسی دانشگاه هاروارد برای این بنیاد مایه سرفرازی و جسنتگی است که سیزدهمین جایزه تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار (وقف) به شما تقدیم می‌شود. مناسبت این گزینش آن است که شما شصت سال است در زمینه‌های مختلف ایرانی‌شناسی به کوشش و پژوهش پرداخته و پژوهشگران این سرزمین و ایرانی‌شناسان کشورهای مختلف از کتابها، رساله‌ها، مقاله‌ها، خطابه‌های شما

بهره‌وری یافته‌اند و به همین انگیزه در این منشور کوشش شده است با اشاراتی کوتاه جستجوهای گراقتقدیر و دامنه‌ور شما به یاد آورده شود.

شما از روزگار جوانی با سرشتی کنجکار و تازه‌یاب با ایران آشنا و بدان دلسته شده‌اید. بارها به کشور ما آمده و به قلمروهای فرهنگی و تاریخی آن سفرهای پیایی داشته و با توانایی توانسته‌اید جنبه‌های جغرافیایی، تاریخی، ادبی، زبانی و فرهنگی آن را بررسی کنید. از سوی و وارود و هند و افغانستان تا کرانه‌های اروندرود و رودیاب‌های فرات و دجله و از سوی دیگر ماوراء قفقاز و دریا پار خزر و دامنه‌های آزارات تادریای سیاه را زیر پا گذارده و سرگذشت ایرانیان را از روزگاران پادشاهی مادها و دوره‌های پس از آن به دیدموشکافانه به نگارش تاریخی علمی درآورده‌اید.



شما درباره هخامنشیان و پارتیان و بویژه ساسانیان وهمچنین ساسانیان و تیموریان کتاب و مقاله دارید و کوشیده‌اید که ادیان ایرانی (میتراپی، زروانی، زردشتی، مانوی و مزدکی) را با بررسی و نقد آثار به ریزه کاریهای بیشتر بشناسانید. ناگزیر آثار باستانی پرکنده مانند سنگهای صخره‌ای تخت جمشید و بیستون و سنگنبشته‌های کوهها و آتشفشانها و سفالینه‌ها و سکه‌های بازمانده دیرین را به سنجش پژوهشی در آورده و از ریسیدگی در سنگهای اوستا و نوشته‌های پهلوی و زبان و خط آن دوران دورنمانده و هیچ یک را از یاد نبرده‌اید.

شما همواره به مسائل مشترک مربوط به ایران و همسایگان آن نگرسته و در چندین جابه زرقایی از فرهنگ سعد و قلمرو کوشانیان سخن گفته و مناسباتی را که میان ما و یونانس و اقوام ارمن و گرجی در میان بوده است عرضه داشته‌اید. مقاله شما به نام «لا ایران یا تیرشیا، یعنی استمرار سنت» حکایت از آن دارد که ما با دقتی سراسر از آگاهی نسبت به گذشته زندگی ما در دوره‌های باستانی و اسلامی این عنوان را اختیار کرده‌اید تا بنمایانید که ایران از آغاز زادن راهی رادر پیش گرفت که توانست بر جای بماند.

شما درباره والاّیی زبان فارسی از روزگاری که رشد کتابتیی و ادبیّی آن آغاز شد همواره عنایت

مخصوصاً داشته و در مقاله‌های خواندنی خود بویژه درباره رواج آن در دوره ساسانی و در سرزمین واروود، شرق ششسان را آنگاه ساخته‌اید که این زبان آوزنده مدنیت و فرهنگ جوانی با سرشتی کنجکار و بوده و قلمروی داشته است گسترده از مرزچین تا به پهنه‌ای که به اناطولی ختم می‌شد. شما با مقاله‌ها و کتابهایی که مربوط به شهرنامه نویسی درباره شهرهایی چون نیشابور و بخارا نوشته و نگارش که به سفرنامه‌ای مانند این فضلان داشته و آن چه از سرنوشت تاریخ نخبش انتشار داده‌اید سپس تاریخ بخارای ترشخی را با تعلیقات مفید به انگلیسی درآورده و مجموعه‌ای از تواریخ عربی و فارسی مربوط به نیشابور را گردآوری کرده‌اید نشان داده‌اید که برای مطالعه درباره عخراسان و ماوراءالنهر آن کوششها ناگزیر بوده است و نباید تا گفته گذشت که نخستین مقاله شما در سال ۱۹۲۳ درباره سعد بوده است و پس از آن تا چند سال به مباحث مربوط به افغانستان دلچسپی داشته‌اید و رساله فوق لیسانس خود را درباره ارباعا در آسیای مرکزی نوشته‌اید. شما با انتشار کتاب زبده و نامور «هیرات ایران» به انگلیسی بیش از پیش به نمایانند ویژگی‌های تاریخ ایران کمک کرده‌اید و خوشبختانه به چندین زبان مهم جهان (آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی) هم ترجمه شده.

کتابی که به تلاّجی به نام هیرات آسیای مرکزی انتشار داده‌اید و در آن خواسته‌اید همه نشانه‌های مدنیت ایرانی، از دوران فوچه‌نگ زردشتی تا ریشه دودلیدان فرهنگ ایرانی اسلامی به تعبیر خودتان به تازه جویدان آگاهی یافتن درباره آن سرزمینهای دورننگ بشناسانید نمونه دیگری است از آنچه دلچسند ما مست و موجب خوشوفنی است که با اجازه شما ترجمه آن توسط این موقوفه بزودی انتشار خواهد یافت. شما یکی از پرکارترین ایرانی‌شناسان در این شصت سال بوده‌اید.

کتابهای زیادی را که در مجله‌های شرق شناسی به بررسی و سنجش کشیده‌اید، همکاری دلسوزانه در هایت تحریری چندمجله و شرکت در کنفره‌های سیار یادآور روحیه جستجوگر شصامت نمونه خوب این گونه همکاریها تدوین چهارمین جلد تاریخ ایران کمبریج است که به انتخاب و زیر نظر شما تهیه شده است. با آنچه که به طور کتلاً پژوهشی برای مجمع کتبه‌های ایرانی (کپروس ایتالوکوم) انجام داده از همین قبیل است مقاله‌هایی که به دعوت دائرالمعارفهای بریتانیکا، آمریکا، اسلام (اژ مؤسسه بریل) و ایرائیکا نوشته‌اید و نویسندگنست که شایستگی و برجستگی شما آثار را به خوانندگن مقاله در چند موضوع خاص و داشته است.

شما به مناسبت تواناییهای علمی خود در دانشگاه هاروارد سمت استادی کرسی ایرانی‌شناسی آفاخان را داشتید و در مدت چهل سال تدریس، دانشمندانی به دست شما پالیده شدند که عده‌ای از آنها اکنون خود به استادی در دانشگاههای دیگر اشتغال دارند. همچنین شما از کسانی هستید که در چندین انجمن علمی جهانی عضویت دارید و افتخارها و جایزه‌های متعددی را نصیب خود کرده‌اید.

با این همه جستجو و کوشش که بی‌گسنتگی



در راه ایرانی‌شناسی انجام داده‌اید بی‌مناسبت نبوده است که از روزگار جوانی زیر نامه‌های خود فرای ایرلندوست، رقم می‌زید.

این بنیاد به مناسبت عشق و علاقه دیرین شما به ایران است که این مغلل دوستانه را ترتیب داد تا از زبان چندتن از استادان ایرانی گوشه‌هایی از کوششهای علمی شما بازگفته شود. براین آن که باگذاری از این به مودن در خانه شما بماند. فالچه‌ای را تقدیم می‌کنم که به دست فرزندان این سرزمین در مقلفه‌نابین یافته شده است. از این روی که شما در نخستین سفر خود با آن گوشه بیشتر آشنایی پیدا کرده و در چند مقاله یاد آن سفر را به میان آورده و درباره گوشش همسایه آنجا به فارسی سه مقاله انتشار دادید.

برای شما شادکامی و خجسنتگی بیشتر خواستاریم.

بازرس و سرپرست عالی: ایرج افشار
رئیس هیات مدیره: دکتر سید مصطفی محقق داماد

رئیس شورای توبّی: دکتر سمود پزشکیان
(وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

سپس دکتر بدرالزمان قریب درباره زندگی فعالیت‌های گسترده ریچارد فرای سخن گفت.

دکتر قریب گفت: تجربه ریچارد فرای در زمینه‌های زبان شناسی، تاریخ و هنر گسترده و گوناگون است. پیشینه پژوهشی فرای نیم قرن را دربرمی‌گیرد و بر رشته‌هایی چنان بسیار و سرزمین‌های فراوان تأثیر گذاشته است که می‌توان گفت حیات علمی او فصل عمده تاریخ مطالعات خاورشناسی در نیم قرن گذشته را عم از ایرانی‌شناسی، ترک شناسی، اسلام شناسی و مطالعات مربوط به آسیای مرکزی را در برمی‌گیرد.

در ادامه دکتر عنایت‌الله رضا با اشاره به جایگاه ریچارد فرای در حوزه ایرانی‌شناسی گفت: ریچارد فرای در میان جامعه ایرانی‌شناسان جهان مقام والاّیی دارد و شهرت فراوان برخوردار است.

دکتر رضا سپس به گستره زمانی و مکانی آثار فرای پرداخت و افزود: آثار فرای را می‌توان در دو گستره مکانی و زمانی مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه مکانی وی پهنه ایران را مورد توجه قرار داده که از مرزهای سیاسی کشور ما بسی فراتر رفته است. از دیدگاه زمانی نیز آثار او در برگیرنده رویدادهای مرتبط با تاریخ ایران از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره نخست پیش از میلاد است. پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران است.

وی خاطر نشان کرد فرای در این محدوده زمانی و مکانی نه تنها به کشف نشانه‌های تاریخی بلکه به بررسی مسائل فرهنگی، باستان‌شناسی، جمعیت‌شناسی و جغرافیای تاریخی نیز پرداخته است و از دیگر فعالیت‌های او نقد و بررسی فعالیت‌های ایرانی‌شناسان جهان بویژه ایرانی‌شناسان روسیه و شوروی سابق است.

دکتر سید صادق سجادی در سخنان خود درباره تاریخ نگاری ایران ریچارد فرای گفت: فرای نه فقط به طور نظری تاریخ ایران و آنگاه تاریخ اسلام و ایران را فرابندی پیوسته می‌داند بلکه در آثار خود از



یادداشت مرتضی قدسی

دیواره قسمت کتابخانه های بزرگی را می بینم و با ذهنیتی که داری دیگر مطمئن می شوی که ارک شهر صنعتی است؛ شهری که کمتر از دو قرن پیش به دستور فتحعلی شاه قاجار و به سرپرستی یوسف خان گرجی ارتباط نزدیک و ملموس با قفسه ها و کتاب ها، هم میل و رغبت بیشتری برای مطالعه فراهم می کند و هم اعضا در انتخاب کتاب مناسب خود موفق تر خواهند بود. با آنکه کتابخانه های با مخزن باسمنگن است مشکلاتش را به همراه داشته باشد اما در طول زمان فرهنگی را با خود به وجود می آورد که آن ارتباط حسیمی با کتاب است.

اراک ؛ کتابخانه های یک شهر صنعتی

وارد شهر که می شوی از سه راه خمین تا فلكه هیک کارخانه های بزرگی را می بینی و با ذهنیتی که داری دیگر مطمئن می شوی که ارک شهر صنعتی است؛ شهری که کمتر از دو قرن پیش به دستور فتحعلی شاه قاجار و به سرپرستی یوسف خان گرجی ساخته شده است. ارک یک حیاط ۱۹۰ساله را پشت سر گذاشته است.

دیواره قسمت کتابخانه های بزرگی این شهر مرحوم ابراهیم دهگان، پدر تاریخ ارک در کتاب تاریخ ارک آورده است؛ درجای شهر فعلی ارک ده بزرگی به نام مسگره یا دستچره وجود داشت که ظاهر آن در حمله افغان خراب گردیده و مدتی بایر بوده، در اوایل دولت زندیه هفت قلعه به اسمی قلعه نو، قلعه حاج طهماسب، قلعه سلیم، قلعه خان باباخان، قلعه آزاد مرزآباد، قلعه حصار و قلعه دهکده در جای آن ساخته شده است.

شهر ارک با وجود جوان بودن یکی از کانون های اصلی تربیت و پرورش شخصیت های بزرگ دینی، ادبی و هنری بوده است و همین موضوع نشان از جایگاه علم و ادب و فرهنگ در این منطقه دارد.

وجود کتابخانه های متعددی که مرحوم دهگان در یکی از یادداشت هایش به آنها اشاره داشت نیز دل بر همین ادعاست.

کتابخانه مرحوم حاج آقا رحمان از افاضل و سادات کره در ارک که کتابخانه ای برجسته گرد آورده بود.

کتابخانه مرحوم حسین واعظاده. کتابخانه حاجی احمد قلی خان حاجیباشی که مشتمل بر سه الی چهار هزار جلد کتاب از کتب و ریزین دنیای جدید و قدیم بوده است. کتابخانه بزرگ مرحوم حاج آقا محسن عرفانی که علاقه ای فرط به گرد آوردن کتاب داشته است که اکثر آ نفیس و گر تمایه بوده اند و بنا به بر ۷۰۰۰ جلد می شده اند. کتابخانه نفیس قائم مقام که ارزش مدلی آن را مس هارده فورد جونیور برنج به دوست هزار روهی تخمین زده است؛ بر دوست هزار خوراک گندم. عدد تقریبی آن ۷۵۰ جلد از نفیس نیر و نادرترین نسخه ها در بهترین جلد ها و ریزترین سطوط باشکوه ترین نقش و تذهیب که به فکر و تصویر بینی آید و مجملده جلد عالی از طلائی آب که بخشی از آن کتب را باید در کتابخانه های اروپا جستجو نمود.

کتابخانه نفیس مرحوم جناب قندهاری که در حین مراجعت از سفر اعیان مقدس در ناحیه فرهان مسکن گردید.

کتابخانه نفیس مرحوم حاج آقا رضای جلیقی مشتمل بر چهار، پنج هزار جلد کتاب نفیس. کتابخانه بزرگ اسماعیلیه. کتابخانه های که مرحوم دهگان یاد کرده است در کتابخانه های مختلف و بنود دارد از جمله کتاب های مرحوم حسین واعظاده و کتاب های خود مرحوم دهگان که در کتابخانه عمومی ارک نگهداری می شوند. کتابخانه های که از آنها یاد شد به مرور زمان از بین



رفته و البته جای خودشان را به کتابخانه های جدیدی داده اند؛ کتابخانه های نسبتاً قابل توجه و غنی اما اینکه کتابخانه های جدید ارک تا چه حد مورد توجه مخاطبان قرار گرفته اند موضوع دیگری است. موضوعی که در این سال ها همیشه مورد بحث بوده که چرا کتابخانه ها خیلی مورد توجه نیستند و اگر هم توجهی شده از آنها به عنوان فراتر انتخاب استفاده شده است؟

یادگاری

گرچه در کتاب آثار نام های ماندگار استان مرکزی نام دکتر مهین حصیسی را نمی توان یافت اما یک سالی است که خیلی از ارکی ها او را خوب می شناسند. مهین حصیسی نه به خاطر جو و اولین پوششکان زن ارکی بودن و نه به خاطر برداشش که مجری برنامه های ورزشی است بلکه به دلیل ساخت کتابخانه ای عمومی

یک کتابخانه ارک به همت مهین حصیسی پاگر فته است



زرد مردم این شهر محبوب و معروف شده است. حصیسی که سالهاست خارج از کشور زندگی می کند هزینه ساخت کتابخانه ای را به شهر داری داد تا آنها کتابخانه ای به سطح در منطقه سینتیا بر جمعیت شهر ارک در پارک آزادی بسازند.

این کتابخانه که اول خرداد سال ۱۳۸۲ افتتاح شد، همراه همان سال مورد بازدید خود خانم دکتر واقع شد تا بدینوسیله از دیدن اعضا و سال ها و کتاب هایش آراش و لذتی را دربرگشت به آمریکا و واسطه یادگاری که از خودش در ارک به جا گذاشت همراه داشته باشد. وارد کتابخانه که می شوی سمت راست تابلوی روی دیوار نصب شده است، به نام آنکه بر قلم و آن چه بدان نویسد سوگند یاد کرد از آنجا که کتاب و کتابخوانی و رساله ترقی و توسعه هم میهنان می دلم و برای

حسیمی با کتابخانه ها

چند شماره ای است که در دو سه صفحه از صفحات کتاب هفته به کتابخانه ها، نویسندگان و کتابفروشی های شهرستان ها پرداخته می شود. این هفته نوبت به استان مرکزی رسید و البته فقط به شهر ارک، چراکه محدودیت صفحات فرصت پرداختن به همه شهر های این استان بر فرهنگ را نمی دهد. استانی که از هر شهر آن طی سالیان گذشته فریختگانی به جامعه ادبی، هنری، دینی و علمی معرفی شده اند؛ در این شماره فقط به شهر ارک پرداخته ام تا در شماره ای دیگر به دیگر شهر های استان مرکزی بپردازیم.

شهر ارک با داشتن شش کتابخانه جایگاه نسبتاً مناسبی برای علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی فراهم کرده است. شش کتابخانه در نقاط مختلف شهر، با تجهیزات قابل قبول و مخزن های نسبتاً پر از که می تواند مورد توجه باشد اما نکته ای که کتابخانه های ارک را با شهرستان ها متفاوت کرده است مخزن بازان کتابخانه هاست. تمام کتابخانه های سطح استان مرکزی به صورت مخزن باز اداره می شوند. در این کتابخانه ها اعضا فرصت دارند به راحتی قفسه ها بر بگردند و خودشان کتاب ها را بردارند و ورق بزنند و اگر خواستند به امانت ببرند. ارتباط نزدیک و ملموس با قفسه ها و کتاب ها، هم میل و رغبت بیشتری برای مطالعه فراهم می کند و هم اعضا در انتخاب کتاب مناسب خود موفق تر خواهند بود. با آنکه کتابخانه های با مخزن باسمنگن است مشکلاتش را به همراه داشته باشد اما در طول زمان فرهنگی را با خود به وجود می آورد که آن ارتباط حسیمی با کتاب است.



کشت و کنار

کتابخوانی بسیار علاقه مند شده اند. قفسه کتاب های خطی که در اتاق مسؤل کتابخانه قرار دارد، در بر گردیده مجموعه بسیار باارزشی است که موقوفه مرحوم دهگان، مرحوم عدلی و مرحوم واعظاده است. این کتاب ها که تعداد آنها به ۳۰۰ عنوان می رسد صرفاً اساسی عناوین و اهداف تکنگان دسته بندی شده اند. و از نظر نسخه خوانی و قدمت به دلیل نبود کارشناس، برایشان کاری صورت نگرفته است؛ مجموعه ای که قطعاً آبدیاری از آنها ارزش قابل توجهی دارند. البته محققان و پژوهشگرانی که به آید اداره ارک شده رسیده باشند می توانند از این کتاب ها استفاده کنند.

یادش بخیر

کتابخانه عمومی شماره یک ارک قدیمی ترین کتابخانه ارک است که هنوز هم فعال است. این کتابخانه که به قول مسؤل آن از خیز ارتفاع خارج شده است قرار است بزودی به مکان دیگری منتقل شود. ساختمان قدیمی، نداشتن سالن مطالعه مناسب و عدم شأن آن در کنار خیابان اصلی عواملی هستند که زمینه های ساختن کتابخانه ای را در یکی از شهرک های ارک فراهم کرده است تا کتابخانه عمومی شماره یک ارک به اینجاستقل شود کتابخانه عمومی شماره یک که فاصله زیادی از مرکز شهر و بازار معروف ارک ندارد، به نوعی تنها کتابخانه ای است که در داخل شهر یاد مرکز شهر ارک واقع شده است و باقی کتابخانه ها در حاشیه شهر قرار دارند. به عبارت دیگر این کتابخانه به نسبت دیگر کتابخانه ها بسیار در دسترس است که با انتقال آن به شهرک فاطمی کتابخانه دیگری که در مرکز شهر باشد وجود نخواهد داشت.

ارک کتابخانه دیگری هم به نام کتابخانه عمومی شماره ۲ دارد که چیران یک، بامزه به نظر می رسد. آقای سالمی کتابخانه شماره یک، بامزه به نظر می رسد. آقای سالمی می گوید: زمانی که این کتابخانه تأسیس شد ارک کتابخانه دیگری نداشت و همه اینجا را به نام کتابخانه عمومی ارک می شناختند و با افتتاح آن یکی قرار شد اینجا شماره یک باشد و دیگری شماره دو. کتابخانه شماره یک و دو هزار نفر عضو فعال و ۱۶ هزار جلد کتاب دارد. روزهای زوج مخصوص آقایان است و روزهای فرد هم مخصوص خانم ها.

در سالن مطالعه کتابخانه میز و صندلی ها شبیه رستوران ها به هم چسبیده اند و حداکثر ۲۰ نفر فرصت استفاده از فراتر خواهند دادند. شاید در ساختمان جدید کتابخانه فرصت بیشتری برای علاقه مندان ایجاد شود.

چشم انداز

پارک امیرکبیر شاید یکی از بهترین فرصت های تفریح جوانان ارکی باشد که هیچ جنبه ها و جمعه ها اگر فرصتی داشته باشند حتماً به آنجا می روند، پارک زیبای که در دامنه کوهی قرار دارد.

ساختمان بسیار بزرگی که بالاترین قسمت پارک جللی که دیگر به گوگردیک شده است قرار دارد و بیشتر به ساختمانی مسکونی و البته مجمل می ماند که شاید صاحب ثروتمندی هم داشته است که توانسته متژلس را

دریای کوهی بسیار و چشم انداز بسیار زیبایی هم از پارک امیرکبیر داشته باشد. آن ساختمان بسیار بزرگ و خوش نما کتابخانه کربلاپور ایکن آن ساختمان کتابخانه باشد بسیار سخت است اما از تابلو حکایت از وجود کتابخانه‌ای عمومی دارد که حتماً آیین و توحین هر بیننده‌ای را برای مونسان آن به همراه خواهد داشت. کتابخانه‌ای به دور از هر سرو صدا در قطعه‌ای بسیار مناسب همراه با چشم اندازی زیبا و البته در کنار دانشگاه اراک.

شاید بتواند حتی یکی از بهترین کتابخانه‌های عمومی سطح کشور باشد.
کتابخانه درجه ۲ شناخته شده است اما به راحتی می‌تواند لای قفسه‌ها حرکت کرده و کتابی انتخاب کنند و پشت میزهایی که در مخزن قرار دارند نشینند تا در مورد کتاب مورد نظر تصمیم بگیریم.

را تابلوی کتابخانه مرحوم میرجعفری نوشته شده است «کتابخانه تخصصی پژوهشی»

هیجان و تحسین بر کتابخانه

اینکه سخنان در چشور نلفظ کنم بر ایم سخت بود. اولش فکر کردم حتماً باید روزن فندان باشد و همان طوره هم به رانده ناکسی گفتیم. وقتی سوراشدم با لهجه اراکی اش رسید؛ سخنان می‌رویی آن وقت بود که متوجه شدم. سخنان با کسر همین و اونوا یعنی منطقه خوش آب و هواروستانی که حالا دیگر برای خودش



شهر و فاصله‌اش تا اراک تا ده دقیقه است. با آنکه آن روز قاجار را دارم اما به نظر قدمش به ۳۰۰ سال قبل هم باز می‌گردد و سنگ تیره‌ای موجود چنین حکایت می‌کنند: سنگ تیره‌ای که تاریخ بعضی از آنها به ۳۰۰ سال قبل و شاید هم بیشتر باز می‌گردد در همین شهرانگرا که نمک‌کتاب و کتابخوانی در سخنان آمده‌اند، این تصور که بالای سر ستر ۴۰ نفر نشسته‌ای و داری کتاب می‌خوانی و با اینکه روی تیر کسی ایستاده‌ای و به قفسه‌های کتابخانه نگاه می‌کنی کمی عجیب و عجب‌به‌نظر می‌رسد اما وقتی بدانی که کتابخانه آن شهر سخنان بر روی ۴۰ نفر ایستادش شده است نمی‌تجیب تیرهایی به هیجان می‌شود و اگر که بدانی خاندان بولجیستی دوستخان قرمستان خصوصی نمود را که در ۴۰ نفر از خاندان آنها در آنجا مدفون شده‌اند برای ساخت کتابخانه اهدا کرده‌اند آن هیجان به تحسین تبدیل می‌شود.

کتابخانه کوچک اما صمیمی سخنان در کنار جاده قرار دارد. همانطور که کل شهر در انداد جاده است، این کتابخانه که در سان مجزا برای خاندان‌ها و آقایان دارد. ظه‌ها به تعطیل می‌شود چرا که فقط یک کتابدار دارد. کتابخانه عمومی سخنان این از ششصد عضو دارد که سیدصدر نفر آنهاست.



وقتی به مسافرت نمی‌روی

پیرزن موقع پیاده شدن از مینی‌بوس به جای ۳۰ تومان کرایه مینی‌بوس، بیست و پنج تومان می‌دهد و به راننده می‌گوید اگر می‌خواهی دوستت تومانی بدهم. راننده می‌گوید ۵ تومان طلبم. پیرزن قبول نمی‌کند و می‌گوید برای ۵ تومان آدم که خودش رامینون نمی‌کند می‌بوسی تومانی را می‌دهد تا راننده خودش کند. کرایه می‌بوسی تومانی از اراک تا کهرود ۳۰ تومان است. این یعنی آنکه اراک تا کهرود راه زیادی نیست. آن قدر که حتی متوجه نمی‌شوی از اراک خارج شده‌ای اما وقتی از ماشین پیاده می‌شوی احساس می‌کنی آب و هوا کاملاً تغییر یافته و هوا خنک‌تر شده است. واقعاً همین طوره هم هست و هوای کهرود معمولاً بسیار خنک‌تر از خود اراک است و وجود فلات‌ها و چشمه‌های آنجا بر جلیبش می‌افزاید.

به زبیری ساختمان‌ی دو طبقه که می‌رسیم راننده می‌گوید: کتابخانه اینجاست. ساختمان تابلویی ندارد و باید از یک ساختمان‌ی دو طبقه و نوساز کتابخانه کهرود بیایند. کسی سخت است، اما همانقدر که تغییر آب و هوا می‌تواند جالب باشد، وجود چنین کتابخانه‌ای هم در کهرود جالب است. کتابخانه‌ای با سقف‌های بسیار بلند و قفسه‌هایی که دور تا دور سالن مطالعه چیده شده‌اند. کتابخانه کهرود دو سالن برای خانها و آقایان دارد که سالن خانم‌ها در طبقه دوم قرار دارد. این کتابخانه هم با داشتن بیش از ۹۰۰ عضو یک کتابدار دارد اما تنها کتابدار کهرود زمانی که کاری داشته باشد، همسرش رسیدگی به کارهای کتابخانه را قبول می‌کند.

برای کارگران

اراک شهری صنعتی است و پر از کارخانه‌های کوچک و بزرگ که حدود ۲۵ کارخانه بسیار بزرگ دارد. تعداد پرسنل بعضی از کارخانه‌های اراک به ۵۰۰۰ نفر هم می‌رسد. توجه به مسائل فرهنگی چنین جمعیتی حتماً یکی از ملاحظات اداره کار اراک می‌تواند باشد؛ اداره‌ای که ذیریل شهر صنعتی اراک قرار دارد و تقریباً همه اراکی‌ها آنجا را می‌شناسند. قبل از ساختمان‌امور فرهنگی اداره کار اراک ساختن سروپوشیده بسیار بزرگی است. کتابخانه بزرگی هم در این مجموعه یافت خواهد شد.
ساختن امور فرهنگی به راحتی می‌توان تابلوی کتابخانه را پیدا کرد اما این تابلو بر سر در اتاقی نصب شده که شاید دوازده متر هم بلند و شاید دوازده قفسه کتاب هم در آن نباشد و نیاز هم شاید توان دوازده عنوان کتاب که مناسب فشر کارگری باشد در قفسه‌ها پیدا کرد.

مسؤل امور فرهنگی اداره کار اراک می‌گوید: همه ساله تعدادی کتاب از تهران می‌فرستند و ما هم بین کارخانه‌ها تقسیم می‌کنیم. ولی می‌گوید اکثر کارخانه‌ها کتابخانه‌های کوچکی دارند اما هیچیز کتابخانه‌ها به عهده خودشان است.

از جمله فعالیت‌های دفتر امور فرهنگی اداره کار بزرگاری نماینده کتاب در چهار کارخانه اراک در ایام دهه فجر بوده است. اما چاپ جزواتی که عناوین آنها تاکنون به ۴۰ شماره رسیده و نگاه تخصصی به مسائل کار و کارگری دارد از دیگر فعالیت‌های قابل توجه دفتر امور فرهنگی اداره کار و امور اجتماعی است.

کتابفروشی‌های شهر

گشت و گذار



کهنه و نو؛ برای اهالی مطالعه

شهر اراک شش کتابخانه بسیار قابل توجه دارد و فقط دو کتابفروشی به سمای دقیق آن دارد و این کمی عجیب به نظر می‌رسد، اما همین دو کتابفروشی برای تمامی افراد اهل مطالعه اراک کاملاً شناخته شده و محبوب هستند. یکی بسیار قدیمی و دیگری جوان یکی به پرغم سال‌ها تلاش و فعالیت وقتی به پشت سر و سابقه زندگی اش نگاه می‌کند احساس لذت و شادی دارد و دیگری با نگاه به آینده و حال چنین احساسی.

کتابفروشی محفل دوستانه

نام عطارلی برای چیزی از اراکی‌ها شناخته شده است و نظر عطارلی فقط برای کتابخان اراکی، عطارلی نام کتابفروشی بسیار کوچکی است که در معروف‌ترین قطعه اراک یعنی باغ ملی واقع شده است. کتابفروشی عطارلی که در کنار همه بویک‌ها، آب‌میوه‌فروشی‌ها و رستوران‌های اراک دور میدان شهدا یا همان باغ دیگران سال‌هاست که مقاومت کرده تا همچنان کتابفروشی بماند. تا چندین سال قبل دور میدان شهدا یا همان باغ ملی چهار کتابفروشی وجود داشت که یکی آب‌میوه‌گیری، دیگری عطارفروشی و سومی پزافروشی شد اما غی عطارلی به خاطر عشقی که به کتابفروشی داشت بماند تا شغل مرود علاقه‌اش را که از ۱۵ سالگی آغاز کرده بود. همچنان در سن ۸۷ سالگی ادامه دهاند.

غنی عطارلی دیگر خیلی پیر شده ولی هر روز ساعتی به کتابفروشی می‌آید. کتابفروشی عطارلی را سه سالی است که احمدپسر بزرگتر او اداره می‌کند و احمد عطارلی می‌گوید همه چیه‌ها می‌خرایند معزازه فرخنده شود اما پدر مخالفت می‌کنند.

غنی عطارلی می‌گوید: خرداند و نوشن را در مکتب‌ها‌ها شروع کردم و از عم جواد قرآن، امیر اسلانه، حسین کرد، موش و کربه و… یاد می‌کنم که در آن زمان‌ها می‌خواندند. عطارلی در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ شاگرد کتابفروشی حسین فوت میرزا ابراهیم فغاری مدیر کتابفروشی اسلایمه و تعطیلی کتابفروشی در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ شاگرد کتابفروشی فردوسی به مدیریت سید محمد داوری می‌شود تا اینکه به

سربازی می‌رود و بعد از خدمت در سال ۱۳۲۴ قهرمان‌های او اجازه می‌کند تا کتابفروشی عطارلی را راه‌اندازی کند. عطارلی که خاطرات فراوانی از سال‌ها فعالیت خود دارد به ارتباط با کتابفروشی مرحوم حاج محمدعلی علم‌ی، علی‌اکبر علم‌ی، اسلایمه،

امیرکبیر صفی‌پاشا، حایم‌آقال، فروغی، سعیدی، آگاه و سالی یاد می‌کند و می‌گوید هیچ وقت سکه طلایی را که به خاطر نوع عملکرد او عبدالرحیم گرفتیم، فراموش نمی‌کنم. عطارلی در ادامه خاطراتش می‌گوید: در آفرماه ۱۳۳۰ با به دعوت انتشارات فرهنگین در کلاس کارآموزی کتابفروشی شرکت کردم و از بیانات آقای نذیر جلیه معاف سرد جسیب، در آن کلاسی که هر کتابخانه‌ی ملی تشکیل شد تعداد ۱۰ نفر از تهران تهران و ۱۵ نفر از کتابفروش‌های شهرستان شرکت کردند که با آنها آشنایی بیشتری پیدا کردم. عطارلی می‌گوید: همان آین است تا روزی که حیات دارم به این کار ادامه دهم یا اینکه با این شغل شریف چشم از دنیا بپوشم و بعد از این چندت سالی را می‌موتانم.

کهنه سال‌شاه‌ای دارم

گر غنی نشتم به سیم و به زر

روز و شب با کتاب و دفتر شعر

سه پنجره بعد از سه راه ارانته

از میدان شهدا تا سه راه ارانته فرشتی است برای پیاده‌روی، دیدن بویک‌ها و گشت زدن که به نوعی پاتوق جوان‌های اراکی است. کمی آنطرف‌تر سه راه ارانته شاید پاتوق اهل مطالعه و کتاب‌بازهای اراکی باشد چراکه آنجا یک کتابفروشی با نامی بسیار قدیمی و البته با کتاب‌های بسیار جدید و روز بازار تهران وجود دارد.

کتابفروشی طوطی را کارنار جمشیدی اداره می‌کند. کارنار که ۳۳ سال دارد و هفت سال می‌شود کتابفروشی طوطی را راه‌اندازی کرده است و شروع به ادامه تحصیل در رشته علوم اجتماعی در سن ۳۰ سالگی زندگی با کتاب، غیر از نوع نگارش مقالات او دارد.

کتابفروشی کارنار، ۱۳ پنجره دارد که وزیرین جدیدترین کتاب‌ها هستند. گرچه داخل فروشگاه، آخرین کتاب‌های رسیده در قفسه‌ای قرار دارند.

جمشیدی که پس از سال‌ها توانسته ارتباطات خوبی با اکثر نشران و بخش‌های کتاب تهران داشته باشد، با گذشت گذشت از دو روز جدیدترین کتاب‌های تهران را به مخاطبان و مشتریان معرفی و عرضه می‌کند. روی دیوار کتابفروشی تابلوی قرار دارد که بریده‌های انبی و فلسفی جزایر روی آن چسبانه شده‌اند.

است که کارنار نه دنبال تهیه کتاب می‌باشد است.

برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در مراکز دانشگاهی از جمله فعالیت‌های جانی جمشیدی است. به این صورت که از هر عنوان یک جلد امتداد می‌دهد تا دانشجویان نمایشگاهی را برگزار کند و اپسلی از کتاب‌های درجراتی تهیه کرده و در اسرع وقت به نشران مربوطه سفارش داده شود.

نرسیده به یازد فرشی فروش‌ها

کتابفروشی‌های سعیدی و توکل دو کتابفروشی قدیمی اراک هستند که سال‌هاست همچنان به کار خودشان ادامه می‌دهند. هر دوی این کتابفروشی‌ها در بازار اراک قرار دارند. بازار قدیمی دودینی که همه جوانبش را در آنجا می‌توان یافت، از ساون اراکی گرفته تا فرش و گیوه‌های اراکی.

کتابفروشی سعیدی که نزدیک به ۶۰ سال سابقه دارد در این سال‌ها در کنار کتاب، لوازم التحریر هم می‌فروشد. مرحوم محمدحسن قدوسی مؤسس کتابفروشی سعیدی هم چون عطارلی، کتابفروشی را با آقای داودی در کتابفروشی فردوسی شروع کرده است. کتابفروشی توکل تا قبل مرحوم اسماعیل مخدزین قلم افشان می‌کند که این کتابفروشی بازار هم ۶۰ سال سابقه دارد. توکل که فقط کتاب‌های فروخته‌شده بیشتر به کتاب‌های مذهبی و دینی می‌پردازد احمدپسر مرحوم زرین‌قلم می‌گوید پدر بزرگش، روحانی بودند و کتاب‌های باارزشی را جمع‌آوری کرده بودند و همین موضوع بهانه‌ای می‌شود تا پیرامان وارد کار کتابفروشی شود.

روزی که نویسنده شدم آن آرزوی طلایی



خود شما و بعد توسط استاد راهنمای شما با رضایت خوانده شود.

در ابتدای امر شاید این پاداش ها دست یافتنی نباشد، اما هنگامی که عمل کردن به استانداردهای علوم و استاد مربوطه را آغاز می کنید، برای آموختن گام‌های بعدی آماده خواهید شد.

چگونگی می تولید بازار کار مناسب پیدا کنید و چگونه می‌توانید سرودید و ناشرانی برای کار خود داشته باشید. دریافت نگره پذیرش کار شما از سوی ناشر آفندرسوبین و خوشایند است که هرگز نمی‌تواند با هیچ نامه دیگری که احتمالاً دریافت می‌کند.

البته چیزی برگه چک ناشر-بربرتری کند. دیگر تعداد چک‌هایی که به دنبال چک نخست به شما پرداخت خواهد شد، هیچ‌کدام مثل چک اول، چندان حائز اهمیت نخواهد بود.

آخرین و شاید بزرگترین این موفقت‌های زودرس زمانی است که نام و تألف خود را چاپ شده می‌بینید. این امر برای اکثر نویسندگان می‌تواند تحقق یک آرزوی طلایی یا تأیید باور آنها به توانایی‌هایشان باشد و این سرآغاز یک زندگی نوام با نویسندگی است.

تمرین راوی اول شخص

روایت کردن یک داستان موفق با راوی اول شخص

بسیگی به تجربه افراد وارد. باید اجازه دهید خواننده داستان را بخواند و آن را احساس کند.

آنچه باید نویسد- موضوع برای اینکه تنها بسیار است. تقریباً هر چیزی می‌تواند یک موضوع برای نوشتن داستان باشد- طبیعت، روابط افراد با هم، زندگی، مرگ، معامله ...- اما شما باید از خودتان پرسید کدام موضوع رضایت شما را جلب می‌کند یا کدام موضوع در کشورهای مختلف خواننده بیشتری دارد و شما در نوشتن کدام موضوع تجربه و تبحر بیشتری دارید.

که در مورد چه موضوعی دوست دارید بنویسد، پیش‌نویس کردن را شروع کنید.

پیش‌نویس کردن داستان اولین مرحله برای رسیدن به یک پایان قابل قبول است. مأمی در پیش‌نویستان به وجود نیاورید از آن انتقاد نکنید، تنها اجازه دهید احساسات و افکارتان بدون هیچ مانعی روی کاغذ بیایند. در هر مکانی که راحت هستید بنویسد، بعد هر وقت که احساس کردید هر چه را که باید بگویید، گفتناید پوشه یا دفترتان را بستید و بروید.

هر زمانی که آمادگی داشتید- در یک روز یا بیشتر- پیش‌نویستان را بخوانید. مطمئناً پاراگراف‌هایی پیدا خواهید کرد که برای شما تکان دهنده خواهد بود و همچنین جملات و پاراگراف‌هایی که می‌درخشند. این روش خوبی برای ویرایش داستان است اگر شما این کار را انجام ندهید، ناشرتان حتماً این کار را انجام خواهد داد.

اکثر تألیفاتی که جنبه تجاری دارند، زیاد طولانی هستند. تقریباً بین هزار تا هزار و دویست لغت با کلمتر هستند. برای نوشتن تمام چیزهایی که در نظران هست باید به سه اصل توجه کنید.

1-شروع 2-مطلب میانی 3-پایان

به اولین پیش‌نویستان توجه کنید و ببیند در کدام

قسمت‌ها تنظیم کردن جملات سخت است. قسمت‌هایی که مربوط به افراد است، مکان‌ها یا اتفاقات- و در کدام

قسمت‌ها جزئیات غیر ضروری خواننده را گیج می‌کند. به خاطر داشته باشید، همسایه‌هایمان، همسران یا بچه‌هایمان

ممکن است با شما و تجربیات شما آشنا باشند اما مخاطبان شما اینگونه نیستند. به عبارت دیگر آنها دوست ندارند جزئیات گنل کنند نوشته‌های شما را بخوانند.

2-مطالب میانی

در این قسمت اهداف و فضاهای مشخص مشخص می‌شود. قسمتی که با خطوط منحنی ترکیب می‌شود و برای ساختن یک صحنه یا خنديان با گویه کردن تلاش می‌کنید، برای اینکه بتوانید کاری کنید تا مخاطبان احساسات و افکارشان درک کنید. قسمت میانی نوشته‌تان باید زنده و جذاب باشد. در این قسمت نیز باید توجه داشته باشید که داستانتان را با توضیحات خسته‌کننده پر نکنید، روی اصل موضوع و هیجانات داستان متمرکز شوید تا بتوانید خواننده را وادار کنید که داستان را پیگیری کند.

حالا دست نگه دارید، افکارتان را دوباره متمرکز کنید. سعی کنید یک منظره کلی از پایان داستان به خواننده نشان دهید.

3-پایان

تا اینجا شما تمهیداتی که همه چیز را می‌شود منسوخ ساختن، حتی می‌توانید نظر افراد راجع به خواندن را تغییر دهید.

حالا داستان را جمع کنید. باید در اینجا به خواننده یادآوری کنید که داستان آن‌کجا شروع شد تا به حال مقدر پیشرفت کرده استن. پایان داستان با نتیجه‌گیری داستان همیشه نباید خوب باشد، اما باید نشان دهید که درک جدیدی در نویسنده به وجود آمده است و اگر خواننده بتواند این درک جدید را در زندگی خودش به کار برد، شما می‌توانید بگویید

کتاب مقله به خاطر ترجمه های خوانندگان جوان خود برای این صفحه سپاسگزار است

که داستانان به هدفش رسیده است.

ویرایش

این قسمت، سخت‌ترین قسمت کار است، برای نویس دومتان را بیاورید و آن را دوباره بخوانید. تا جایی که ممکن است تا تجربیاتان دور شود و نویسه به وضوح‌تر توجه کنید.

1-احساسات

عصبانی شدن، خوشحال شدن یا ناراحت شدن احساسات خوبی هستند. ما همین احساسات را می‌خواهیم، اما به خاطر داشته باشید که مخاطبیتان از شما خیلی دور هستند و شما را نمی‌شناسند. نتیجه از حالات شما آشنا نیستند. اگر شما خیلی احساساتی هستید، در تمام داستان احساساتتان را نشان خواهید داد که این کاری نامعقول و بی‌معاسات و شما با این کار به هدفتان نخواهید رسید. اگر شما به هدفتان نرسید، خواننده نیز نمی‌تواند به آن برسد.

2-قیضا

نویسندگان اغلب فکر می‌کنند که اگر از قیضا استفاده کنند، همچنان داستان را زیاده می‌کنند. در حقیقت خلاف این مطلب درست است!

استفاده بیش از حد از قیضا، نثر را ضعیف می‌کند. مثلاً اگر شما در داستان به خاطر اینکه عصبانی هستید، داد بزنید، خواننده از حالات و احساسات شما این را خواهد فهمید که عصبانی هستید و لازم نیست که استفاده از قیضا، عصبانیت خود را تعریف کنید.

3-چیزی نکویید فقط نشان دهید

چیز چیزی را می‌خواهید توصیف کنید، برای نشان دادن آنچه اتفاق افتاده، درباره آن صحبت نکنید. در افعال

استفاده کنید تا آن را به خواننده نشان دهید. مثلاً بگویید، فرد خیلی گرم می‌بود، در عوض می‌توانید با توصیف یک حالت این گرمی را نشان دهید. مثلاً «مخوابید و آسان به شدت می‌درخشید».

هنگامی که تمام این موارد را در داستانان رعایت کردید، زمان آن می‌رسد تا نوشته‌تان را برزتان ارسال کنید.

ریشه‌ها



نوشتن باید همیشه اولویت شما باشد. یک مورد که همه نویسندگان از آن می‌ترسند رد شدن نوشته‌شان استن. حتی با تجربه‌ترین نویسندگان هم

از این کار می‌ترسند. انتقاد گویب مضر یکی از خوشبشارندان می‌تواند غالباً به اعتماد به نفس یک نویسنده ضربه بزند. موردی که برای یاد دادن هست این است که آنها بدون قصد آسیب زدن این کار را می‌کنند. آنها برای کمک به شما تلاش می‌کنند و

شما به برابری و تحمل احتیاج دارید. غرورتان را ناپدید بگردید و صحبت‌های آنها را بپذیرید.

یک نویسنده موفق هرگز نباید ذریع بماند. تعداد زیادی از نویسندگان از آن چه که شما می‌نویسید لذت برند و تعداد زیادی هم نمی‌خواهند. اصلاً زندگی همین استن. شما به سادگی نمی‌توانید همه را راضی نگه دارید، شما به همین طور هستید. کارتان را انجام دهید، آن کاری را که شما می‌توانید انجام دهید و تعریف و تمجید هم می‌گیرید و می‌توانید. از این امر احساس غرور هم نکنید. سختی کشیدن و پذیرفتن سنگ‌های ترواب شده را با گام‌های پیوسته ادامه دهید.

نکته مهم این است که به دنبال اهداف و رویزهایمان باشید و نگذارید کار به دهنه گفتن بکشد.

اگر شخصیتی به نوشته‌هایتان علاقه مند نبود شما باز هم تلاش کنید.

تلاش کنید برای پیشرفت خواندن و شما به جایی که می‌خواهید بالاخره خواهید رسید. در نتیجه، مهم‌ترین نکته این است: به نوشتن ادامه دهید.



بیا با موضوع روبرو شویم؛ هر نوع نوشتنی سخت است. چرا که مراحل پیچیده زیادی دارد؛ الدلیشین، ویرایش، دوباره نوشتن و بهتر ساختن.

حتی فکر کردن به پذیرفتن این وظایف هم انسان را از کار باز می‌دارد. یک نویسنده معمولی قطعاً فرزندانی هم دارد و قبض

بر روی قبض برای پرداخت کردن و خانه‌ای در معرض فروش که زندگی را واقعاً دشوار می‌کند.

اما وضعیت نویسندگان جوان چگونه است؟ آنها نویسندگان ۱۳ تا ۱۹ سال هستند که تازه از

ساحل‌های فراغت فاصله گرفته‌اند و در اقیانوس دشواری‌ها و تصمیم گرفتن هاتفاده‌اند. آنها چه نوع مشکلاتی دارند؟

آنها فقط این نگران را دارند که با این مشکلات خود گرفته‌اند و نمی‌توانند تحمل کنند.

تعداد زیادی از آنها به من می‌گویند که بهتر است خیلی زود به نویسندگی روی بیاورند و به این طریق ما

بیشتر می‌آموزیم.

من خودم نویسندگی را از ده سالگی آغاز کردم

و این خورده‌پندها را دنبال می‌کردم.

من ترفی کردم تا حدی که به قول بعضی‌ها وارداز

نویسندگی خود را ساختم، من یک یا دو کلمه کلیدی

ساده دارم:

تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، سروراستار، **راسی نی دان، مزجیم، عبدالعسین آژنگ، انتشارات طرح بی ندهاد صفحات، (۲ مجلد) ۱۳۳۴ صفحه، قیمت، (۲ مجلد) ۳۰ هزار تومان، زمان احتمالی انتشار، اواخر مرداد ۸۳**

می‌خواستم برای انتشار این کتاب یادداشتی از عبدالعسین آژنگ بگیرم که ندهاد، اومی گفته، اس‌ها از زمانی که من کتاب را به ناشر سپردم گذشته است، دیگر چیزی از آن بادم نمانده، وقتی یکجوری کریم فعیمیدم حدود ۱۰سال است طرح تو که از ناشران بسیار خوب است فرار بوده این کتاب را چاپ کند که نکرده است، امیدوارم انتشار این مقدمه از نویسنده خوش‌بین باشد و طرح تو کتاب را زودتر به چاپ برساند.

خواننده گرامی

درس تاریخ جهان را در کلاس‌هایم با این پرسش آغاز می‌کنم از درس تاریخ جهان چه چیزی خواهید آموختند که در زندگی مهم باشد؟ مطالعه تاریخ جهان به دانش، مهارت‌ها و نگارش‌هایی خواهد انجامید که می‌توانید به جهان واقعی و دستخوش دگرگونی امروز، به گونه مؤثر به کار بنیدید.

دانش چندم‌الذی جهانی نخست، دوست دارم اقوام و تمدن‌هایی را کشف کنید که همواره مستقل بوده‌اند و مداللات، مهارت‌ها و اندیشه‌ها را امیالده می‌کردند. مداللات نخستین کشاورزان، چادرنشینیان و بازرگانان آغاز شد. این کارگران و بازرگانان، روستاهای کشاورزی را به شهرها و دره های

یادداشت

هللی الله سلیمی

مجموعه داستان‌های مقل صورت سمیرا دومین کتاب داستانی رویا شاپوریان

در عرصه داستان‌نویسی است. وی داستان‌نویسی را از سال ۱۳۳۱ به طرز جدی آغاز و تاکنون آثار متعددی در زمینه داستان‌نویسی خلق کرده است. چاپ داستان‌های این نویسنده در اینستا در نشریات مجنون، دن روز، «ایستگاه گردونه»، دنان، و… صورت گرفت و اولین کتاب وی با عنوان فروی خوش در سال ۱۳۷۸ توسط نشر شهاب تألیف منتشر شد که داستان بلندی است و اینکه دومین کتاب داستانی وی با عنوان مقل صورت سمیرا پیش‌روی ماست و اما نگاهی به دنیای داستانی وی در این کتاب.

دوازده‌ه‌ه‌ای ورود به دنیای داستان، شاید نوشتن داستان‌های بر اساس خاطرات زندگی روزمره دم دردیاری معاصر باشد. چرا که اغلب حوادث روزمره قابلیت تبدیل شدن به یک داستان یک موضوع واحد را دارند. در همین اساس پیش‌روی انواع نگاهها، پیرامون یک موضوع کتاب توانه دارا هستند و همچنین کنج‌های بسیاری از نویسنده‌گان داستان گونه از ساده‌ترین و پیش‌با افتاده‌ترین حوادث این طرح‌های اولیه و پیش‌با افتاده، تازگی و طراوت خاص می‌بخشد. نوع نگاه این نویسنده به آن موضوع عام از درجه نگاه ویژه و خاص خودش می‌باشد. مجموعه داستان مقل صورت سمیرا، نوشته رویا شاپوریان از این منظر قابل بحث است. این کتاب همان‌گونه نروده داستان گونه است که در یک مجموعه، در کنار هم قرار گرفته‌اند. مشترکاتی در بین کتاب‌های این نویسنده می‌شود که نوشته‌ها فرارگیری آنها در کنار هم را توجه‌پذیر کند. اتفاقی که در مورد سایر کتاب‌های از این دست کمتر دیده می‌شود. رویکرد نویسنده در تمامی داستان‌های کتاب مقل صورت، بناشایی به وقایع و اتفاقات پیرامونی است. به عبارتی نویسنده هر آنچه در اطراف خود دیده است، در صورت شکل‌پذیری آن در قالب داستان گونه، اقدامات لازم را انجام داده است.

هر داستانی را که رویا شاپوریان نوشته، می‌تواند در بیرون از متن داستانی و در عالم واقع امکان‌پذیر باشد و این از یک منظر وجهه امتیاز داستان‌های این نویسنده محسوب می‌شود چرا که نزدیکی آنها به عالم واقع، درصدها، باورپذیری آنها از طرف قلمب مخاطبان را افزایش می‌دهد و از طرفی می‌تواند اهتمام تریبیتیکی به قالب درامی، خاطره‌ها و به این داستان‌ها وارد سازد. در هر دو صورت قلمبه یک اشکال و انهم اساسی بر این نوع داستان‌ها وارد است و آن کم‌رنگ شدن عنصر تخیل در این گونه داستان‌ها است. نزدیکی بیش از حد به حوزه‌های واقع‌گرا، باعث دوری متن از احسان‌های سیال و فراواقعی می‌شود و در این زمان‌ها است که قدرت تخیل مخاطب عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد. متن

جاسناخیز رودها مرتبط ساختند. این منطقه فعال اندک اندک رشد کرده فرهنگ‌های تمدن و برپوری وارد آسیا، آفریقا و اروپا در شبکه سادله گسترده‌ای وارد کرد. بعداً منطقه فعال گسترش یافت و اقوام نیمکره غربی را نیز در بر گرفت.

شما در جهانی زندگی می‌کنید که در مرز کشور همسایه‌تان پان نامی بلد، شما در جامعه جهانی فعال، گسترده و وابسته به سر می‌برید. شناختن چنین جامعه‌ای ابزار نیرومندی برای بی بردن به علت‌ها و

راس نی دان: مطالعه تاریخ جهان به دانش، مهارت‌ها و نگارش‌هایی خواهد انجامید که می‌توانید در جهان واقعی و دستخوش دگرگونی امروز، به گونه مؤثر به کار بنیدید

یادماندهای رویدادها در جهان شاست.

مهارت‌ها، اندیشه انتقادی و اخلاق. دوم، امیدوارم تاریخ جهان، راهی را برای تفکر درباره مردم و دگرگونی‌ها یکشکاید و شما توانید در سراسر زندگی‌تان از آن استفاده کنید. ماجراهای تاریخ به ما می‌آموزد مردمی را شناختیم که تجربیاتشان متفاوت از تجربه‌های ما است. ماجراهای تاریخ را می‌توان تحلیل کرد و اکنون به کار بست. این ماجراها به ما می‌آموزد به انتظار دگرگونی‌های شتاب‌ناخیم. مطالعه تاریخ جهان، با توجه به راه‌حل‌های جایگزین و

مهارت های تفکر انتقادی و خلاق

از متن اتفاق

مقایسه آنها، مهارت های تفکر انتقادی و خلاق را شنوب می‌کنند. نگارش‌ها ارزش نوع سوم، امیدوارم تاریخ جهان به شما بیاموزد به همه مردم جهان احترام بگذارد. نه تنها مداراگری نسبت به شیوه‌های زندگی مردم، بلکه کنجکار بودن نسبت به آنها هدف مهمی برای شما در مطالعه تاریخ جهان است. در متن تاریخ جهان خواهید دید که رشد حکومت مردم بر مردم رویداد بااهمیتی است. اینگونه حکومت و احترام به حقوق بشر، در مسیر طولانی تاریخ جهان رویدادی کمیاب بوده است.

از اینها گذشته، امیدوارم به این نکته می‌پرد که شما در نمایش تاریخ جهان نقش مهمی دارید. سهم شما در ماجراهای بشری ارزشمند است.

راس نی‌دان

تا مرداد ۸۳

۱- کسانی که به مطالعه مقالات کوتاه و بلند یا به ادب عربی خصوصاً طریف و نکته‌سنجی‌ها در آن علاقه‌مندند منظر کتاب نکته‌چینی‌ها از ادب عربی (۳۱ مقاله کوتاه و بلند) اثر آقای علیرضا کافزانی فرارگزلو بیامانند.

۲- بالاخره فقهیدیم جریان روشنفکری در ایران بیمار است، سر حال است مرحوم شده، اما جانب عاقل کتابی در کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای خود شاید مسأله را بر اینمان روشن کند. «جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران» ۱۷۰۰ تومان قیمت خواهد داشت.

۳- دست راه‌آهن و ترسیده به میدان قرمزین



عبدالعسین آژنگ کتاب تاریخ تمدن و فرهنگ جهان را ترجمه کرده است

مدیانی هست که وسط آن آقای متن و موقر استیاده است و دورتا دور او هم مردان دیگری در وضیعت‌های متفکر بهینه‌تر زده و نوشته‌اند. آن آقای متن را همه دنیا می‌شناسند. ایشان یکم زگی‌های رازی کاشف‌الغفل است. این احتمال وجود دارد که فریگی‌ها ایشان را به خاطر کنششان و بابت تاجوری دوست داشته باشند، پس اگر می‌خواهید دربارهٔ این حکیم، حرف درست و حسابی بزناید باید به دکتر پرویز آذگانی در ۹۳۶ صفحه کتاب حکیم رازی (فکار و آراء)، را نگاه‌اند، که به دردتان خواهد خورد.

۴- جامع‌های عصبی هستیم! بسیاری از مورخان معتقدند علت شکنج این است که ما پیش از تقدس‌سته، مدزنته را با بعلیدام و این سوهان‌سته تاریخی، نتایج مشخصه، غریب و هولناکی به همراه وارد کتاب علی میرسیاسی بر این عارضه انگشت گذاشته و کتاب تأملی در مدزنته ایرانی را نگاشته‌اند از آنجایی که متن کتاب به زبان فرنگی است، آقای جلال توگیان آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند.
۵- از عنوان کتاب، بررسی نظریه شوخی حقوقی در غرب، پیداست که اصل کتاب خود این شوخی کرده عوری، بررسی نظریه… این کتاب جدی را جانب‌جان کلی نوشته و دکتر محمدراسخ ترجمه کرده‌اند.

در حاشیه مجموعه داستان «مقل صورت سمیرا» نوشته رویا شاپوریان

روایت در کمال خونسردی

تراش‌های حسبی و تحلیلی است که می‌تواند بهای ارتباطی آن شخصیت داستانی و مخاطب را یکی پس از دیگری برقرار سازد. این عنصر ارتباطی (تخیل) در داستان‌های رویا شاپوریان نقش فعالی ندارد. تمام سعی و تلاش نویسنده بر آنکافی است که به خواننده‌گان آتش بیوفالده که چنین حوادث و اتفاقاتی در جامعه کنونی به وقوع می‌پیوندد، نقش کل و مطلق یک نویسنده آن هم در حوزه داستان محسوب نمی‌شود.

گاه عملکرد نویسنده در بعضی از داستان‌های کتاب حاضر، صورت تعلیمی به خود می‌گیرد و در آن تصاحبی برای مخاطب ارسال می‌شود. نقش تعلیمی داستان آن هم در حوزه برزگ‌سالان ساهلست که از اولویت افتاده است، اما شاپوریان این ترند را در این رشته به کار می‌گیرد. در داستان‌گونه‌های کوتاه این نکته معمولی‌تری دارد. برای مثال شرایط اجتماعی و اقتصادی آموزش را در آسایشگاه سالندان گذاشته است. در یکی از روزها که در میان عبادت مادر، رفته است و دیدن رفتار مادرانه یک بیرون با پیش‌رو گزارنده چرا که اواری تصمیم می‌گیرد به هر نحوی شده، آموزش را به جانه بازگردد. چرا که اواری متوجه می‌شود مادر به هر حال مادر است چون در همه حال حرکات مادرانه‌ای را از خود بیرون می‌دهد. کتابی از این دست اغلب در حکایت‌های کوتاه و نخل‌ها، کارگردهای مؤثرتری دارند تا در حوزه داستان که بیشتر به مسائل عینی‌تری در آنها پرداخته می‌شود.

در مجموع کتاب مقل صورت سمیرا را می‌توان به عنوان بارقه‌های از دور نویسنده‌گی رویا شاپوریان به حساب آورد که در آن‌ها بیش از هر چیزی نویسنده تحت تأثیر طرح‌های داستانی خود فراموش می‌گردد، در حالی که در مساحت داستان قرار بیست خود نویسنده تحت تأثیر قرار می‌گیرد.



منتشر شد

شماره ۱۸۳، شنبه ۶ تیر ۱۳۸۳



آقای رجایی در پیشانی کتابهای از کنت دو گوئیو نقل کرده‌اند که «هرآن خواهد ماند و خواهد بود و در مقدمه کتاب آورده‌ام که «این سنگ خارا گردش را آغاز کرد» **آغاز کرد است»**، شما برای این گفته‌تان (آغاز گردش سنگ خارا) چه نشانه‌ها و ادله‌ای دارید؟» ادعا من من این است که ایران با شرایط خاصی مواجه است و این شرایط خاص از دو جهت موجب می‌شود که ایران بتواند وضعیت بالقوه خود را به وضعیت بالفعل تبدیل کند. در همین جا لازم می‌بینم بپردازم این مسألهٔ توجیح مختصری بدهم. به نظر بنده جمیع به دو دسته تقسیم می‌شوند: «جمیع در حال کنند» و جمیع خارج از خط توسعه. جمیع در حال توسعه کشورهای چون آلمان، چین، آمریکا و به تعبیر دقیق‌تر کشورهای شمالی هستند. جمیع در حال توسعه پویا و مولد هستند و شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطلوب و بالایی دارند. از طرف دیگر جمعی هستند که در خط توسعه نیستند، این جمیع دچار پریشانی خاطر هستند، یعنی وضعیتی دارند که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دید رفتاری دارند و همدیگر را دید دشمنانی می‌بینند که یکی باید دیگری را حذف کند. در حالی که در جمیع در حال توسعه شور و نشاط اهل سیاست و فرهنگ و اقتصاد کشیدگر با یادگانه سرمایه‌گذار کشور می‌گریند. اما در جمیع خارج از خط توسعه هم جوهری یافت می‌شود که از قابلیت توسعه‌یافتگی برخوردارند. که خوشبختانه ایران در زمره این جمیع قرار دارد. ادعا من این است که وضعیت زمانی حاضر به دو جهت این امکان را برای ما فراهم کرده است که یکی از آنها به جهانی مرتبط است که ما در آن زندگی می‌کنیم، اما در پاسخ به سؤال شما باید بگویم یکی از نشانه‌هایی که دارم این است که احساس می‌کنم تسل جدیدی که در حال به میدان آمدن است، نسلی است که به نظر می‌رسد تصمیم گرفته تا پیش از گذشته توانایی ما و قابلیت‌های خود را نشان دهد و حاشیه‌نشینی نسبت داشته به من و مرکز میدان آمده و ایفای نقش کند.

اما شما در همین کتابهای نقل قولی از فردوسی آورده‌اید که «من خا به کردار بازی بوده که به گمان من مصداق جوانان امروزی است که بسیاری اعتقاد دارند، نسلی هستند که برای خود کمتر هویتی قابل هستند اگرچه ما معیارپوشند میانی تعاریف ما همه جوانان را به یک جوریم برانند، اما برخی نمونه‌ها در همین دور و بر خودمان چنین گفته‌های را تأیید می‌کند:
«نظرم من از آن بیست ارباب امروز بود که سخن‌هایش به کردار نیست، برای اینکه معلوم نیست چه می‌خواهد و چه می‌گوید! اما نمی‌دانم که نسلی جدید بعدا چه خواهد کرد. آیا نسلی جدید، همچون نسلی من یا نسلی قبل از من، سخن‌هایش به کردار بازی خواهد بود یا نه؟»

پژوهش‌های میدانی که طی چند سال گذشته از سوی برخی نهادها و ارگان‌ها انجام شده نشان می‌دهد که نسلی جوان چندان یگیر مسائل هویتی که شما مطرح می‌کنید نیستند. می‌خواستم بدانم که نشانه‌هایی که شما مطرح کرده‌اید از کجا نشأت گرفته است. آیا بر اساس استدلال ذهنی خودتان است و به نوعی استقرایی است یا بر مطالعات میدانی و پژوهشی خاصی مبتنی است؟ نشانه‌های نسلی جوان جدیدی است که با نسلی جوان دورهٔ مشروطیت قابل قیاس است. ما می‌بینیم دوران کودکی در ایران در بین سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۱۵ به مدت ۱۰ سال‌گانه‌ای صورت گرفته است. این دوران با کدام پتانسیل و در کجا صورت گرفته است. به نظر من نسلی مشروطیت این دوران را ایجاد کرده است.

نسلی مشروطیت آنقدر پخته بود که احساس می‌کرد باید کاری بکنند. نسلی مشروطیت، انقلاب مشروطیت، جریان فعلی و گریسگی مملکت و تقسیم شدن ایران را تجربه کرده بود، جنگ جهانی اول را دیده بود. به مجرد اینکه دولت پهلوی بر روی کار آمد- که اتفاقاً دولت خویش هم نبود- اما یک امتیاز داشت و آن هم برقراری نظم بود. بعد از اینکه نظم برقرار شد، نسلی قدیم و بسیار استوار به این نتیجه رسید که باید از این امتیاز استفاده کند و بسازد و ساخت، پس شاخص‌هایی وجود دارد که نسلی جدید مشابه نسلی مشروطیت باشد، چون این نسلی هم انقلاب، جنگ، فروپاشی نظام شاهی و انقلاب اصلاحاتی را دیده و خود نیز در انقلاب

این نسل وقتی از دواج کندو به ایفای نقش اجتماعی مجبور شود به این مرحله خواهد رسید که از خود منزلت و هویت خویش بپرسد و کیستی و چیمستی اش را در این جهان طرح و بحث کند

اعلامی ایفای نقش کرده و می‌کند. این نسلی جدیدی که شما از آن یاد می‌کنید در چه محدوده سنی است؟
بین ۸۸ تا ۶۲ سال. این نسلی، نسلی است که به تدریج بزرگ می‌شود و در مسائل تجربه پیدامی‌کند. نسلی که بسیار با نسل من تفاوت دارد، چرا که ما جدی‌ترین واقعه‌ای که پدیدام واقعه ۱۵ خرداد بود. **آقای رجایی اما شما هم واقعه جنگ را تجربه کرده‌اید**، ولی با این تفاوت که شخصیت من در آن زمان شکل گرفته بود. در دوره ما حضور اجتماعی زنان اینهمه ملموس نبود. در حالی که در حال حاضر زنان و دختران جوان ایرانی خردده‌ها و پیشه‌های بی‌بندگی چون کسبکاری، روزنامه‌نگاری، مدیریت، نمایندگی و… را تجربه می‌کنند.

شما فکر می‌کنید این نسل نگران هویت خودشان هستند؟

به نظر من این نسل هنوز آن نسلی آبدیده‌ای که من اشاره کردم، نیست. این نسل، تجربه‌ها را کسب کرده اما در ذهن خود، به مفهوم خود و هویت دست نیافته است. البته این نسل وقتی ازدواج کند و به ایفای نقش اجتماعی مجبور شود به این مرحله خواهد رسید

در حاشیه یک گفت و گو

گفت و گو با دکتر رجایی پیش از حجم فعلی بود اما با کثیف بسیار بد و کج و معوجی ضبط شد که به هیچ عنوان قابل پاده کردن نبود. این نکته را در همان ساعت گفت و گو دریافتیم، اما انگیزت دوباره و آغاز کردن بحث ممکن نبود. در میانه همین بحث سید علیرضا میرعلینقی، محقق و مورخ موسیقی، نیز وارد میدان شد و دنباله بحث را گرفت و نکاتی را دربارهٔ ماضی فرهنگی ایشان مطرح کرد و سپس شد تا بحث بسیاری تازه پیدا کند. خلاصه بحث این بود که ایرانیان در حوزه فکر و اندیشه ماضیهای متفاوت دارند، به نحوی که وقتی فکری را از غرب وارد می‌کنند، بدون توجه به پایه‌های فکری، خواستگاهها و نیز نظریات، صورت و محتوایی دیگر به آن می‌دهند و به نوعی اما خود می‌کنند. نمونه‌های مصداقی این ایزیزه کردن را می‌توان در برخورد با فکر هایدگر از سوی ایرانیان جست‌وجو کرد که سبب شده است حتی با هایدگر و دیدگاههای وی از منظر هوادارانش در ایران برخورد کنیم و درباره‌اش به فضوات بنشینیم.

که از خود منزلت و هویت خویش بپرسد و کیستی و چیمستی اش را در این جهان طرح و بحث کند. در آن زمان مسألهٔ هویت برایش جدی خواهد شد. وقتی که از خود بپرسد «من چه کسی هستم و چه کسی می‌خواهم باشم؟» در واقع به پرسش‌های اساسی زندگی و زمانه‌اش نزدیک می‌شود! آنها را به چالش می‌گیرد. **آیا کتاب شما مبتنی بر مطالعات میدانی جامعه‌شناختی است؟**

خیر، بنده علاقه ای به مطالعات جامعه‌شناختی میدانی ندارم و همچون استاد طباطبائی امید وجود به

تجربه‌های تاریخی و تمدنی جامعه، نظر دارم. بنابراین مطالعات نظری خود را از مشاهدهٔ تجربه‌ها و تحولات تاریخی جامعه اخذ می‌کنم. پرداخت من در جمع اوری اسناد و ادعاها، نگارش انتقادی به تحولات تاریخی-تمدنی است.

از جمله دیدگاههایی که دربارهٔ تحولات سده اخیر جامعه ایران مطرح شد، نظریهٔ دکتر کاتوزیان (مابون) است. ایشان معتقدند که دوره‌های تاریخی ایران به دو دسته استبداد و هرج و مرج قابل تقسیم است و این دوره‌ها تمام نگرار شده‌اند. برای مثال هرج و مرج مشروطه به استبداد رضائیان و سپس بی‌نظمی دهه ۲۰ به بعد و پس از آن استبداد شاهی و نظریات دربارهٔ این نظریه چیست؟

من با آقای دکتر کاتوزیان لیل او نوشتن کتابش، بحث حضوری داشتم و نگارش من با دیدگاه ایشان کاملاً تفاوت دارد. نگارش ایشان ناشی از روش تحلیلی یک اقتصاددان است و از طرفی واحد مطالعه ایشان، واحد دولت است و خیلی این مدفعه را دارد که آیا دولت خود سری می‌کند یا نه؟ و می‌گوید که تحولات تاریخی ناشی از خودسری و استبداد دولتی است تا هرج و مرج عمومی و بین این دو در زمان است.

استدلالی که آقای کاتوزیان ارائه در پروسه‌های تاریخی جواب داده است یعنی ما هرج و مرج مشروطه را با یک استقرار دائمیت و ممداد هرج و مرج س از مشروطیت را با استقرار دیگری داشتیم.



درست است. اما این اتفاقات و سپس نظریات تحولات تاریخی ایران این چنین نیست. حرف مهم من در این مورد این است که اگر کلمه شما را ببینید، حق ندارید ادعاش به ارزش برسد. بنده می‌گویم اگر واحد مطالعه را گفتنمان تمدنی و سپس سپهر تمدنی بگیریم، می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ بگیریم که آیا یک جامعه در حال پویایی است یا نه؟ اگر شما در حال پویایی هستید، در مقابل نمی‌توانید خودسری باشید. اگر در یک خانواده‌ای صرفاً خودسری حاکم باشد، خانواده خانواده‌ای در حال زوال خواهد بود. چون قاعده همه با هم حکم است و هر چه من می‌گویم همه باید باهاقت کنند. بنابراین در این صورت نتواندی خواهیم داشت. اگر فرمایش دکتر کاتوزیان را اوردست فرض کنیم، بنابراین این قضیه در مورد دولت هم صدق می‌کند. بنابراین قاعده علم دولت تولید است. من چند سال پیش، مقاله‌ای تا کردی ۱۳۹۹ را مورد بحث و بررسی کردی تولید کرد. در آنجا آوردم که در هر دو حالت مردم از تولید تکرمیم، بلکه معرکه جهان‌بینی‌ها را تولید کردیم. روش دقیق تر و صحیح تر این است که بگویم آیا ایرانیان مولد هستند یا نه؟ آیا همچون دوران نظام و شاهزاده گذشته هستند یا مثل دوران پهلوی شاهزاده روی غریب، دوره و شاهزاد و پهلوی آنچه که تولید کردیم معدا بود. ادعا من برعکس گفته‌های دکتر کاتوزیان این است که بگویم ما چه کاری داریم انجام می‌دهیم؟ وضع ما چیست؟ علت نقل قول کنت دو گوینیو در ابتدای کتاب هم این است که آیا این سنگ خارا در حال پویایی و تولید است؟ یا در حال زوال و هرج و مرج و بحران.

این مفهوم را دکتر طباطبائی در آرا و افکارش آورده است به نظر می‌رسد شما در نوشتن کتاب تحت تأثیر دیدگاههای دکتر طباطبائی قرار گرفته بودید.

خیر، چون آقای طباطبائی دیدگاهش را برای خود حفظ کرده است و من هم دیدگاه خودم را دارم. من تحت تأثیر نظریه عدالت هشتم، نظرات دکتر طباطبائی با من در این است که ایشان با دید بدبینانه‌ای به این زمانه می‌اندیشد. در حالی که بنده با این دیدگاه که در گذشته الگوهای جالبی داشتم و می‌توان آنها را اوجیا و بازشناسی کرد، نگاه خوشبینانه‌ای به تاریخ و تمدن ایران و اسلام دارم. دکتر طباطبائی نگران بازشناسی ارزش‌ها بود. در حالی که من این کتاب را به عنوان بررسی برای تاریخی و بدبینی ارزش‌ها داندم. قاعدهٔ من در ابتدا و پیش از شروع به نگارش کتاب بگسری بحث‌های شغاف می‌کردم که بحث مابیم بازایی ارزش‌ها می‌باشد. جایگاه عقل در بازشناسی ارزش چیست؟ قانون عقل جهاندار، اگر می‌خواهی جهان داری و ایفای نقش کنی باید از عقابتی بهم بگریزی. بدون

هویت و بحث و بررسی دوباره آن، از جمله دانشمندی‌های فکر و علم ایرانی است و در چند سال اخیر نیز جاب کتاب‌های متعددی در بررسی اخلاق و رفتار ایرانیان و نیز توجه به تاریخ سیاست و فکر بر دانه این بحث افزوده است. دکتر فرهنگ رجایی نیز چنانکه خود می‌گوید: از اوایل دهه پنجاه و در نتیجه سلسله بحث‌های دکتر حمید عنایت در درس «اندیشه سیاسی در اسلام و ایران» به پژوهش در این زمینه علاقه‌مند می‌شود. در آن درس و گفتارها پرسش‌هایی چون کیستی ایرانیان و اینکه چرا آنها در حالت پویایی و تولید نیستند و نیز رابطه مستقیم میان پویایی، تولید و سامان داشتن با هویت شفاف و خودکامی کلان اجتماعی طرح و بحث شد. بعدها که وی به دوره تحصیلات عالی در آمریکا پرداخت، با بحث چون «عدالت در روابط بین‌الملل» و مدفقه‌های وی دربارهٔ معنای دقیق این مفهوم را در فرهنگ ایرانی-اسلامی فرزونی بخشید. تمامی این تلاش‌ها و نیز مواجهات مصداقی دکتر رجایی با برخی رفتارهای ایرانیان دستمایه‌ای برای تألیف این کتاب شد. روش نویسنده در کتاب درآیینن تحلیل فرهنگی یا تحلیل تاریخی است. به گونه‌ای که در یک سو خواهران نمایندگان میراث دکتر فرهنگ ایرانی و در سوی دیگر نشان دهندهٔ تضاد تاریخی آن است. وی خود این روش را «تلفیق خلاقانه» نام می‌نهد و در توجه چنین نامی می‌گوید: «منظور از تلفیق خلاقانه وضعیت استبان در قلب افراط و تفریط «تقلید و بدعت»، یعنی روی که از تقلیب به دور است و از خیال‌اندیشی هم بریزد می‌کند.» کتاب «مشکله هویت ایرانیان امروز» را نشر نی به وزارت کتاب عرضه کرده است.

گفت و گو با فرهنگ رجایی به بهانه انتشار کتاب مشکله هویت ایرانیان

تاریخ و هویت ایرانی

تاریخ و فرهنگ

عقلانیت نمی توان ایمان درستی داشت. از طرفی بدون آزادی میان تحمل و حتی جرأت نخواهیم داشت.
آقای رحمایی پرسه تولید پستی شکل **گیرِی و نهادینه** شدن مفهوم **تولید تمدنی** که شما به آن اشاره می کنید، **چطور می تواند نهادینه شود؟**

به نظر من در سواژل شما نوعی دیدگاه مبتنی بر مهندسی اجتماعی نهفته است که من سعی می کنم از آن دوری و اجتناب کنم. کسانی که به تحولات اجتماعی یا تکرش فلسفی میگردند، سعی می کنند از این مسألهٔ بزرگ بگریزند. چون مهندسی اجتماعی فقط تا جایی کاربرد دارد که یک معمار در ذهن خود به طرح فکر می‌کند. مهندسی اجتماعی ناجایی می تواند کاربرد داشته باشد که شما خودمیدانستحمان را اسکلت بندی کنید. در حالی که یک جامعه و تحولات آن راسمی ایران با چنین دیدگاهی پیش‌بینی کرده‌مورد ارزیابی قرار داد. ایراد واژه‌هایی چون «نهادینه کردن» و «مهندسی اجتماعی» در این است که عمودی و از بالا به پایین است. در حالی که تحولات جامعه و افراد حاضر در آن، در آن واحد هم می توانند نشانگان باشند و هم مولد و بازیگر به تغییر دقیق تکر کل اندامواره در این تحولات دلیل مستند و برگشتایی می‌کنند، در حالی که در مهندسی اجتماعی به دلیل عقلی بودن و نگاه خطی، بسیاری از موارد را باید حذف کرده‌ان آن تعریف رسیده. مهندسی اجتماعی خطی است. می‌گوید طرح آن را بریزیم و سپس نهادینه‌اش کنیم و در مرحله بعدی وارد قضیه شویم و در مرحله بعدی‌اش پایان کار بگیریم. **شما درصحت‌هایمان اشاره کرده‌اید که در تاریخ و فرهنگ ایران نخستین چهری ایرانی صورت داده‌اید و نمونه‌های فراوانی از تحولات مثبت انجمنی، مدنی، افراد را مشاهده کرده‌اید. با توجه به بزرگ‌دست‌ت‌ها شما به برخی تحولات تاریخی می‌خواست نمونه‌هایی مفصلی را که خوبتان یا بر پرورد داشته‌اید ذکر کنید؟**

تجربه دوران صفوی به نظر من تجربه موفق بود.

در جایی صفویان گفته‌اند که من می توان ایرانی بود و مسلمان و شیعه و امامانی هم بود و در همین دوران است که شما چهره‌های همانند ملاصدرا را می‌بینید که بروز و ظهور پیدا می‌کنند و اندیشه‌های فلسفی-کلامی باطنی را خارج می‌کنند یا پروژه موفق تری که در پس پشت حرکت مسلمانان معاصر وجود دارد که آقای مطهری هم در این باره و نیز دربارهٔ گذشتهٔ فرهنگی تمدنی ما در کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام، تک‌فراوانی را مصداق آورده‌اند.

به نظر من این نکته که ایرانی و مسلمان در یک جامعه یا فردی جمع شود، به همان دیدگاه‌های بنده باز می‌گردد. در حالی که در مهندسی اجتماعی شما یا باید ایرانی باشید یا مسلمان! این دیدگاه مرحوم مطهری به تدریج پیش رفت و هنوز هم کتبیی در زمره کتبی‌های پرورش است. چون سر تیغ کلان می‌دهد. نمی‌گوید که اینکه به ایرانی یا مسلمان باشید، می‌گوید که توان در آن واحد، ایرانی و مسلمان بود و این دو با هم ارتباط هم دارند.

چنایمالی، پروژه تجدد را در این زمینه چطور می‌بینید؟

من پروژه را در مقابل این دو کلمه به کار نمی‌برم چون وقتی بگویم پروژه مجدداً طرح خاصی از بالا به پایین به ذهن مناسبر می‌شود، زندگی دسوتوری موفق نیست. اینکه زندگی کردن یک پروژه تعصمی است که چه‌تاچار روشنگری خواهد شد.

پروژهٔ دستوری، پروژه‌ای است که به ناچار به بی‌سستی می‌رسد. حال می‌خواهد هرگونه پروژه دستوری در هر زمینه‌ای از جمله کتاب نویسی، چاپ مجله باشد. ماداگر میدان عمل را از بالا بگیریم و اگر اجازه ندیم که شورفانی از پایین صورت بگیرد، به ناچار به بی‌سستی می‌رسیم. می‌توان از حوزه مدیریت در این زمینه مثال زد. پروژه دستوری مدیریت علمی، از تئوری، به ناچار به بی‌سستی رسیده تا جایی که حتی چارچی چنین در قلم چندپیش آن را نقد کرد. ولی ندیم که به جای آن پروژه روزنهٔ رفتار انسانی، یعنی مکتب و رفتار انسانی آمد که بسیار موفق‌تر و پررنگتر چیز بود. نمونه چنین مدیونین را می‌توان در مدیریت ژاپنی دید که مدیریت از طریق گفت‌وگو از پایین است که توانسته به خوبی خود را باز کند. در نتیجه من با آن کلمه پرسه یا روند تجدد استفاده می‌کنم.

روند تجدد را چگونه می‌بینید؟

روند تجدد پاسخی است که بشریت برای بحران زمان معاصر به آن رسیده و می‌خواهد مشخص کند که در این بازی خردی خودی در جهان واقع شده است. در علم روز آنگه برخی از ما ها در علوم سیاسی و اجتماعی جایگاه و مسأله‌ایش را پیدا کرده است، اما

شما اصراز دارید که واژه‌های دیگری را جعل کرده و به جای آنها قرار دهید. برای مثال، در حالی که تقسیم کشورها، به نوسمه قرار دهبد. در حال نوسمه و عقب مانده جا افتاده است، شما به جای «نوسمه‌یافته»، «در حال نوسمه»، را به کار می‌برید. چرا؟

چون کلمهٔ نوسمه یافته مجدداً به بحث پروژه برمی‌گردد. پروژه‌ای به اسم نوسمه یافتگی وجود دارد که این پروژه را فقط زاپیانی‌ها می‌دانند و اگر نخواهیم پیشرفتهٔ نوسمه‌یافته مثل ژاپنی نامشیم.

چرا شما این مفاهیم را به چالش می‌کشید؟

چون مفاهیم تکلیف شماراوشن می‌کند. به نسبت که من در اینجا پروژه دیگری را به چالش بکشم، مثلاً ما چیزی تحت عنوان جنگ خلیج فارس نداریم، از زمان پرتغالی‌ها به این طرف جنگ خلیج فارس وجود ندارد. کسی که می‌گوید جنگ خلیج فارس اول و دوم، دلیل دارد که می‌گوید. برای اینکه با تعریفی از یک مفهوم، شما دستور کار را هم تعریف می‌کنید. من از تاریخ بشری درس می‌گیرم، یک گویم، یک روندی به نام روند ریسیدن به دنبال عبایده‌بود. این روند در ایران، آمریکا، آلمان و فرانسه هر یک به شکل خاصی خوششان شکل گرفته است و چندان شبیه هم نیستند. هر چهار کشور بازرگان تمدن جدید هستند، داستان شبیه که واقعاً تعجب نکردن ششمی که در این دنیا دکترا گرفته است تعریف کرد، خانم برجنسه ای استاد راهنمای من بود و من در دانشگاه همیشه به ایشان احترام می‌گذاشتم و حتی از رساله‌ام دفاع کردم. ایشان من را به خانه‌اش دعوت کرد و به احترام من می‌خواستند مهمانی بدهند. وقتی که به منزل ایشان رفتم بسیار شرمجند شدم، چون در آن کار کردم ایشان دو زن همجون یک زن سنی نشسته بود و به من که دانشجوی ای بودم خوش آمد گفت. مانده بودم که در برابر استاد چه کنم و در این مورد با آقای همسر دانشگاه استاد هشتم، اما در اینجا در جایگاه یک همسر و میزان شتمن، می‌خواهم بگویم که در یک این ساله

من را به خانه‌اش دعوت کرد و به احترام من می‌خواستند مهمانی بدهند. وقتی که به منزل ایشان رفتم بسیار شرمجند شدم، چون در آن کار کردم ایشان دو زن همجون یک زن سنی نشسته بود و به من که دانشجوی ای بودم خوش آمد گفت. مانده بودم که در برابر استاد چه کنم و در این مورد با آقای همسر دانشگاه استاد هشتم، اما در اینجا در جایگاه یک همسر و میزان شتمن، می‌خواهم بگویم که در یک این ساله



برداشت من در جمع آوری اسنادو ادعاها نگرش انتقادی به تحولات تاریخی- تمدنی است

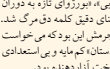
که کجا، چه هویتی داشته باشیم، مهم است. مثلاً در ایران در دانشگاه بدون هیچگونه تحقیقی تدریس می‌کنم ولی در خانه استادانگه هشتم هر جایی یک نقش داره و ما این مسأله را فراموش کرده‌یم. در جامعه‌ی که در حال توسعه نیستند، تعدد نقش وجود دارد. پس حق دارم این مسائل را به چالش بکشم، چون می‌خواهم درست این مسائل را تعیین کنم، ما باید حوزه تعریفیات را مشخص کنیم.

پس برقرایید روند تعدد چیست؟

مجموعهٔ عقایدی حائزوی حرف خوبی زد که تجدد یک روند دو رویه است. رویهٔ آزادی خواهی و رویهٔ استعمار، حالتی است که این روند یا رویه محیط را نمی‌شناسد. یعنی در آمریکا شهروند آمریکایی را هم آزاد می‌کنند، هم استعمار. یعنی در عرب این که آزادی‌اش تأمین است، ۱۴۰۰هفته زیرمباران آگهی‌های متناثری است، برای اینکه مصرف کننده شود. اکثر متفکران، فریادشان از کالاسازی آدمی به هواسند. در این طرف دنیا، بخصوص در قرن ۲۰، آنچه که ما از تجدد می‌بینیم فقط جنبه استشارتی است. به همین دلیل برخی از افراد تجدد را سرزشتی می‌کنند. اگر ما این طرف دنیا بیشتر خوب استشارتی را می‌خواهیم وظیفه و نقش و شکرش را متفکر، این است که هر دو جنبه را نشان دهد. روند تجدد آزادکننده است، روند تجدد کرامت‌بخشی به انسان است، روند تجدد تا بیگدنده فرهنگ مبتنی بر عقل است، اما در آن واحد روند تجدد می‌تواند به ابزار قدرت و کالا شدن هم تبدیل شود. بنابراین من روند تجدد را مثل همه روندهای بشری در دورهٔ میوم، چنانکه بازاری وقتی با سنت برتری برخورد کرده، در دورهٔ ما هم به این روند پیچیده فلسفی و روانی یا پروژه نوسازی.



سگ‌ها و آدم‌ها



«...موجود کلامی امروزی‌ای برای این دور پارانگشت زد(....). در اتاق کار خنبد، لبخندش ناخوشایند و مضطرب‌ است. بعضی کتاب‌های را بخواند، نگاهش به دوربیرش انداخته و یک کلمه دیگر را به‌بوضوح ادا کرده می‌روزه، نامبرآنگش مرتب می‌دهی و رقیقه و یکسره می‌صعادت. کاری است بی اختیار.»

نگار که این موجود در تمام عمر پیشش این بازیگری‌ها را شنیده و خوبه‌ خود آن را در تصور ناگاهش ضبط کرده و حالا یکجا تاحویاش می‌دهد (...). اینکه هنگام گردش در خیابان به هر سگی که برمی‌خورد با وحشت‌ پنهانی نگاهش می‌کنم.

حدامی داند چه چیز در ذهنتان لانه کرده است؟

•

بولگاکف از سوی منتقدان دوران حیایش به عنوان پیش چون لاشخورایی، «میروزی تازه به دوران رسیده» و سگ فرودت ملقب گردید و از قلمی نویسنگان است که به معنای دقیق کلمه دلق برنگ شد. اعضای حزب ویرسیدگان کجکوم هیچ وقت دل خوشی از این‌ها نشندند. جرمن این بود که می‌خواست در جهان خاکشتری کمونیستی، شروری بی‌مقدم حضورش در جمع قلم به دستا که نمایه ویی استعدادی که از سر خوشی خدجی، نماینده‌ها را ایشاز کمونیستی صادر می‌کردند، سخت آزاردهنده بود.

ملز بولگاکف واکنشی است طبیعی به زمانهٔ ترولژیکش مزدوران دیوانه‌وار عرصه حیات را بر او تنگ می‌ساختند و بولگاکف به آنان دهن‌کشی می‌کرد.

او به قامت دهن‌کچی‌هاش سابقه چهل‌دولگی می‌دوخت، و امید داشت با نوشته‌هایش در ایلاتوش ادبیات روزی خارج از دوران طغ حاکمان خودکرات جهان قرار گیرد.

او کس را سگ تروژت نامید. اما دل خوش داشت به نشان‌قضا که از پس اسل‌ها همچنان می‌توان

باخوالدانش به حال و روز سگ‌های فرودت زمانهٔ خندید. با گریست.

دل سگ، قبه پرورفرد قلیبیل لیون است. او که با نصب نرم آرمی بر

جمجمه یک سگ ایدر اوست، حیوان فضیلت‌های انسانی نیاموزد. این موجود

الته روی دورا را هم رود سر می‌غلامی خود را مارحرف‌های سنگانه می‌زند و

در سینه‌اش همچنان دل‌سگ می‌تپد.

چنانچه لب‌های یولتازا، به‌تلاش‌ها باقی‌تاربا کثیر مترقی نشاندند. کند روزگاری

مخوف برای روسیه رقم زدند.

هر چند تا یک سؤ دل‌سگ حبه‌ای است بر مایستک‌تقلایون کمونیست، اما بولگاکف چون هر نویسنده خوب دیگری می‌داند کسی ایرودن قضاها در چهارچوب‌های ایدلژیژیک و سردان‌دین‌هایی سیاسی به‌واسطهٔ ادبیات، داستان را چقدر سخیف و خاخر خواهد ساخت.

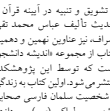
پس چنان نوشت که فراموش کردن نویسنده بازن تران قضا‌اش را خواهد داشت. برده‌چون دل‌سگ

دربارهٔ تمام دکتر فلیوریچ‌های عالم است که خویشانی‌ها می‌کشند. سگ‌ها را به آدمی لمل‌خائل ازین

نکته که تبدیل انسان‌ها به سگ، عملی است. پس موفقیت آمیزترین تاریخ این اثبات کرده است.

کتاب

کتابهای پژوهشکده فرهنگ و معارف



حکومت نامه امام علی علیه‌السلام، سیّدی سلمان فارسی، شتیق و تنبیه در آینهٔ قرآن و

حکومت تألیف‌های محمد باقر عابدی، سرانده نیز عابین و همین

کتاب مجموعه اندیشهٔ دانشجو

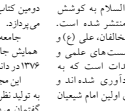
است که بر سواد این زندگی است

منشتر می‌شود. اولین کتاب به زندگی

و شخصیت سلمان فارسی صحابی

مشهور رسول اکرم (ص) می‌پردازد

دومین کتاب به مصافیق تنبیه و شتیق در قرآن و حدیث



حکومت نامه امام علی علیه‌السلام به کوشش

کاظم قاضی زاده در پنج مجلد منتشر شده است.

علی (ع) و اصحاب:اعت، علی (ع) و خاندان:اعت، علی (ع) و

بیاضته‌های دولت: صلح‌ها و شمشیرهای قلمی و

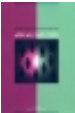
مثنوی انگلیسی عناوین این مجلدات است. که به

مناسبت سال امام علی (ع) گردآوری شده‌اند و

می‌گوشند جلوه‌های از حکومنداری اولین امام شیعیان

ارائه دهند.

سیمای سلمان فارسی کاری از محمدرضا مامرعوی



تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

به بیانته چاپ دوم

دل سگ اثر میخائیل بولگاکف

پادداشت

فرورش رو سخیف



«...موجود کلامی امروزی‌ای برای این دور پارانگشت زد(....). در اتاق

کار خنبد، لبخندش ناخوشایند و مضطرب‌ است. بعضی کتاب‌های را بخواند، نگاهش به دوربیرش انداخته و یک کلمه دیگر را به‌بوضوح ادا کرده می‌روزه، نامبرآنگش مرتب می‌دهی و رقیقه و یکسره می‌صعادت. کاری است بی اختیار.»

نگار که این موجود در تمام عمر پیشش این بازیگری‌ها را شنیده و خوبه‌ خود آن را در تصور ناگاهش ضبط کرده و حالا یکجا تاحویاش می‌دهد (...). اینکه هنگام گردش در خیابان به هر سگی که برمی‌خورد با وحشت‌ پنهانی نگاهش می‌کنم.

حدامی داند چه چیز در ذهنتان لانه کرده است؟

•

بولگاکف از سوی منتقدان دوران حیایش به عنوان پیش چون لاشخورایی، «میروزی تازه به دوران

رسیده» و سگ فرودت ملقب گردید و از قلمی نویسنگان است که به معنای دقیق کلمه دلق برنگ شد.

اعضای حزب ویرسیدگان کجکوم هیچ وقت دل خوشی از این‌ها نشندند. جرمن این بود که می‌خواست

در جهان خاکشتری کمونیستی، شروری بی‌مقدم حضورش در جمع قلم به دستا که نمایه ویی استعدادی

که از سر خوشی خدجی، نماینده‌ها را ایشاز کمونیستی صادر می‌کردند، سخت آزاردهنده بود.

ملز بولگاکف واکنشی است طبیعی به زمانهٔ ترولژیکش مزدوران دیوانه‌وار عرصه حیات را بر او تنگ

می‌ساختند و بولگاکف به آنان دهن‌کشی می‌کرد.

او به قامت دهن‌کچی‌هاش سابقه چهل‌دولگی می‌دوخت، و امید داشت با نوشته‌هایش در ایلاتوش

ادبیات روزی خارج از دوران طغ حاکمان خودکرات جهان قرار گیرد.

او کس را سگ تروژت نامید. اما دل خوش داشت به نشان‌قضا که از پس اسل‌ها همچنان می‌توان

باخوالدانش به حال و روز سگ‌های فرودت زمانهٔ خندید. با گریست.

دل سگ، قبه پرورفرد قلیبیل لیون است. او که با نصب نرم آرمی بر

جمجمه یک سگ ایدر اوست، حیوان فضیلت‌های انسانی نیاموزد. این موجود

الته روی دورا را هم رود سر می‌غلامی خود را مارحرف‌های سنگانه می‌زند و

در سینه‌اش همچنان دل‌سگ می‌تپد.

چنانچه لب‌های یولتازا، به‌تلاش‌ها باقی‌تاربا کثیر مترقی نشاندند. کند روزگاری

مخوف برای روسیه رقم زدند.

هر چند تا یک سؤ دل‌سگ حبه‌ای است بر مایستک‌تقلایون کمونیست،

اما بولگاکف های ایلولژیژیک و سردان‌دین‌هایی سیاسی به‌واسطهٔ ادبیات، داستان

را چقدر سخیف و خاخر خواهد ساخت.

پس چنان نوشت که فراموش کردن نویسنده بازن تران قضا‌اش را خواهد داشت. برده‌چون دل‌سگ

دربارهٔ تمام دکتر فلیوریچ‌های عالم است که خویشانی‌ها می‌کشند. سگ‌ها را به آدمی لمل‌خائل ازین

نکته که تبدیل انسان‌ها به سگ، عملی است. پس موفقیت آمیزترین تاریخ این اثبات کرده است.

ارزش‌ها و نگرش‌ها

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،

محسن گوردزی، سیداحمد موسی‌زاده و کانییز نبوری اعضای این کارگاه پژوهشی بودند.

تشریحات طرح‌های ملی روزات فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجموعه کتاب‌های کارگاه

تحلیل تفکله‌های پیامیش ازوش‌ها و نگرش‌های ایران، اثبات کتب منتشر کرده است.

جست‌جوش اجتماعی، انگست و قدام نسل:اه، اهریت قومی و ابوره‌های رفتاری‌ها،

فریاضت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، «باورهای دینی و نگرش اجتماعی» و «باورها و رفتاری‌ها»

مدعی در ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۷) خاطون این کتاب‌های منتشر شده، است

بمصطفی‌علی‌نقاری، سید ابوالحسن امین، سید حسین علی‌زاده، محمدحاجو و قاضی‌خان‌کاشی،



رعایت قواعد دولتی همواره با یک سؤال مهم و جدی مواجه بوده است بازوهای اجرایی قوانین دولت چگونه تعیین می‌شوند و چه اندازه تضمین شده به پیش می‌روند؟

اولین پرسشی که در هفته پیش از طراحی و مدافعتان قاعده معافیت مالیاتی ناشران، کتابفروشان، نویسندگان و مترجمان نیز دانشمین این منار را برپا داشت: «فراگیری این قانون دقیقاً چه دسته از کنتشرگان این حوزه را در بر می‌گیرد و شیوه رعایت آن در جامعه نشر کشور چگونه است؟» برای طرح این پرسش کافی بود به پیش‌فرض‌های که قواعد دولتی در حوزه نشر تاکنون تعریف کرده بودند، مراجعه کنیم تا متوجه شویم که اجرای عملی این قواعد (آینجا که نفع طرف مقابل دولت را مدنظر قرار داده است) چندان جدی نبوده و آغاز زمانی آن نیز خیلی روشن نبوده است.

با گذشت تنها چند روز از اعلان عمومی این قانون و لایحه اصلاحی آن، هنوز سازمان سازمان مالیاتی کشور اقدام به دریافت مالیات از کتابفروشان می‌کنند. موضوع اصلاح میزان مالیاتی و پاسخ نامه انحصاری در واکنش به گفت و گوی آقای ایرجی پنهان‌های شد تا سرخ رنسی انحصاری ناشران و کتابفروشان تهران (داود رمضان شیرازی) برپوم. اولین نکته‌ای که رئیس انحصاری ناشران طرح می‌کند این است که: «با نزدیک شدن دوره مالیاتی و زمان ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی، مرتباً از سوی حکمرانان، در ارگان‌های نشر تماس‌هایی با انحصاری گرفته می‌شود تا اجرایی وضع خود باشند. آنها اغلب نسبت به همکاری برخی میزان معترضه».

داود رمضان شیرازی رئیس انحصاری ناشران و کتابفروشان تهران :

قانون معافیت مالیاتی ناشران و کتابفروشان کاربردی نیست



به گمان من تصور همکاران مادر سازمان مالیاتی کشور این است که ناشران ما وضعیت بسیار خوبی دارند

عرضه لوازم تحریر نیز مشغول هستند تا دست کم گذران زندگی خود را ممکن کنند، اما نقضای سازمان مالیاتی کشور سخکایت از حقیقت دیگری دارد.

در بحث کتابفروشان، باید نکته‌ای را توضیح دم و آن اینکه از این پس، اجرای مصوبه مالیاتی منوط به اخذ مجوز کتابفروشی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه انحصاری کتابفروشان است و حتی مجوز‌هایی که تاکنون صادر شده، تا توافقی سازمان مالیاتی کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیز برسد و حکم دولتی آن معرّض شود.

فراموش نکنید که اغلب کتابفروشان، همان ناشران کتابفروش هستند. در این تعریف کتابفروش، ناشری است که کتاب‌های خود را می‌فروشد و بخشی از کتاب‌های خود را یا دیگر همکاران خود معاوضه می‌کند. از این جهت تفکیک کتابفروشان از ناشران کارسختی است و در نهایت این دو تفاوتی با هم ندارند اما سخت‌گیری بی‌مورد میزان مالیاتی و طرح این مسئله که شما کتاب‌های دیگران را می‌فروشید، پاس به باید مالیات بدهید، کاملاً بی‌مورد است.

از طرفی روشن نیست که چرا وزارت

براساس قانون معافیت مالیاتی و مصوبه الحاقی آن، از این پس کلیه میزان مالیاتی مکلف به اجرای قانون اخیر هستند، لذا اخذ هرگونه مالیات از ناشران، کتابفروشان و مشاغل وابسته به آنها ممنوع است.

تا سقانه این مسأله‌ای است که خود ما نیز تاکنون نترسانستیم آن را برای خود توجه کنیم. اینکه چرا برخی میزان نمی‌خواهند بپذیرند چنین قانونی در هیأت دولت و پس از آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مالیاتی کشور، تصویب و تأیید شده است. درست در چند روز گذشته پس از مراجعه یکی از همکاران ما به سازمان مالیاتی کشور، آنها پرداخت وجه اظهارنامه را درخواست کرده بودند. این در حالی است که لایحه معافیت مؤسسات انتشاراتی و کتابفروشان از پرداخت مالیات برای اولین بار در تاریخ ۷۸۳۷۱۲ به شماره ۱۹۵۷۸۱۲۲ توسط دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. این لایحه یک بار با حضور نمایندگان انحصاری ناشران و کتابفروشان در کمیسیون فرهنگی مجلس پنجم بررسی و تصویب شد.

به دنبال مکاتبات با عمل آمده توسط کمیته بازرسی مجلس پنجم شورای اسلامی، کلیات لایحه در آخرین جلسه مجلس پنجم در سال ۱۳۷۹ در صحن مجلس مطرح و تصویب شد. پس از آن شورای نگهبان نیز آن را تصویب و به دولت ابلاغ کرد. همان موقع بود که اصل نامه رئیس مجلس به رئیس جمهور به این شرح آماده شد و ارسال شد، ماده واحده، از تاریخ ابلاغ این قانون ناشران و فروشندهگان کتاب و مطبوعات امض از اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند، همچنین نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، گرافیک‌سازان و سایر پدیدآورندگان آثار فرهنگی از پرداخت مالیات بر درآمد موضوع فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی معاف می‌باشند.»

در دیهشت ۱۳۸۰ و در جریان بازتوزمین دوره نامشکاک کتاب تهران نیز وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قول تفویض اختیار به انحصاری در خصوص اعطای جواز کسب به فروشندهگان کتاب را صادر کرده و این وجود پس از گذشت این سال‌ها روشن شدن تکلیف قانون مالیاتی این بخش، هنوز روشن نیست چرا هر چند وقت یک بار یک گرفتاری برای ناشران و کتابفروشان پیش می‌آید و قانونی که قبلاً تصویب شده بازر اجرا با مشکل جدیدی مواجه می‌شود.

در نتیجه آخرین جلسه آقای مسجدجامعی با رئیس سازمان امور مالیاتی کشور آقای خجسته نیز کتابفروشان از پرداخت مالیات معاف شدند. این نامه هنوز موجود است. با این وجود هنوز شاهد آن هستیم که قانون اخیر مورد قبول میزان مالیاتی نیست. شما می‌دانید که کتابفروشی شغل درآمدزایی نیست. در تمامی شهرستان‌ها، کتابفروشان جز عرضه کتاب به

طوره که این طرح را دنبال کرده، آن را به پایان ببرد و تکلیف مالیات کتابفروشان را روشن کند. آقای ایرجی یک چیز می‌گوید، میزب دیگر، باید تکلیف ناشران و کتابفروشان را روشن کند. اگر قرار است تفویض اختیار از انحصاری به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شود این موضوع نیز باید زودتر روشن شود گرچه از نظر انحصاری این کار صحیح نیست.

سه ماه از سال تازه کاری انحصاری می‌گذرد. در این سه ماه و در وسط جلساتی که با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته‌اند، چه تصمیماتی گرفته شده و چه صورت‌ها، مساله کاغذ و بررسی و ممیزی کتاب گرفته شده است؟ آیا فراتر از این پس انحصاری در نحوه صدور مجوز نشر، حضور بلاواسطی داشته باشد؟ اگرچه این طرح در شرایط فعلی و با توجه به قانون مالیاتی کشور، غیرممکن به نظر می‌رسد.

یک باز انحصاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین نقضایی کرده بود که پاسخی نگرفت. با این وجود ما معتقدیم در صورتی که مجوز نشر از سوی انحصاری صادر شود، با دقت عمل بیشتری همراه خواهد بود. مطمئناً انحصاری به ناشرانی مجوز می‌دهد که یکبار مصرف نباشند، کاغذها را به جای تولید کتاب، در بخش دیگری عرضه و هزینه کنند و وضعیت اداری روشن‌تر و چارت سازمانی مشخص‌تری داشته باشند. امروز بهترین معضل ما نبود ویرتین‌های کتابفروشی است که جز از طریق برنامه‌ریزی در حوزه تولید نمی‌توان به سامانی در این حوزه رسید. امروز انحصاری به ناشرانی که نقضاتی مجوز دفتر نشر داشته باشند، مجوز می‌دهد. البته این مجوز پس از دریافت پروانه نشر از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود. دفتر نشر به ناشر امکان کار در حوزه فروش کتاب می‌دهد بدون آنکه اداره امکان معترض فروش کتاب در دفتر نشر شود. پیشنهاد ما، مشخصات کاغذ با آواز شدن قیمت کاغذ طرف ۲ یا ۵ سال آینده از پیشنهادت جدی انحصاری است. دولتی می‌تواند مابه‌ارای تفاوت قیمت کاغذ از آرایه‌ها و ویرتین‌های تهیه‌کننده‌ها، خرید کتاب از آرایه‌ها بدون کتاب به وسیله اعطای وام‌های درازمدت بدون بهره یا کم بهره سرمایه‌گذاری کند.

اوذیایی می‌کند. برداشت شما از این اطلاعیه چیست؟

بر اساس قوانین مالیاتی در حوزه نشر، چاپخانه‌ها علاوه بر دادن مالیات هستند، صحافان و لیتوگرافان نیز می‌بایست مالیات بپردازند. سازمان مالیاتی کشور علاوه بر اخذ مالیات مستقل از این ارگان از ناشر نیز تحت همین عنوان مالیات دریافت می‌کند. این موضوع با بی‌توجهی همکاران در سازمان مالیاتی کشور را می‌رساند و بی‌توجهی نفع بودن آنها را در این مالیات‌ها، به گمان من تصور همکاران ما در سازمان مالیاتی کشور این است که ناشران ما وضعیت بسیار خوبی دارند. غافل از اینکه در حالی که ۷ هزار ناشر در کشور مجوز نشر دارند، از این میان تنها ۲۰۰ ناشر در شمار ناشران فعال کشور قرار دارند و باز از این میان تنها ۱۰ نفر از ناشران کشور وضعیت اقتصادی خوبی نسبت به دیگر ناشران دارند. یعنی این سازمان به راجتر ۶۵۰۰ تا ۶۶۰۰ ناشر غیرفعال را به کلی فراموش کرده است.

این همه در حالی است که ما داریم کتاب تنها کتابی است که فاقد ارزش افزوده است. اگر شما کاغذ، هرنوع لوازم منزه، مواد خوراکی، پوشاکی و هرنوع کتابی دیگری را تهیه یا تولید کنید پس از چند سال ارزش افزوده آن چشمگیر خواهد بود. این در حالی است که اگر بهای یک کتاب ۵ سال پیش، ۵۰۰ تومان بوده، امروز نیز بهای آن ۵۰۰ تومان خواهد بود یعنی ارزش افزوده نمی‌توان برای آن تصور شد.

شما تصور کنید که تولید کتاب در کشور با چنین تفویضی راه انحصاری داده بود. اما گویا سازمان مالیاتی کشور پیشنهاد این تفویض اختیار جهت صدور مجوز کتابفروشی توسط انحصاری را نپذیرفته و آن را منطقی می‌داند! این موضوع با قانون صنفی مغایرت دارد. با این وجود حتی اگر موضوع این تفویض زیر سؤال برود، معلوم نیست چرا سازمان مالیاتی هنوز به قانون اخیر معافیت بی‌توجه مانده، آن را نقض می‌کند.

آقای صحابی، موضوع معافیت مالیاتی را با توجه به اطلاعیه اخیر سازمان مالیاتی کشور، کاملاً منطقی می‌دانم و آن را خلاف جهت قانون اخیر



فراموش نکنید که اغلب کتابفروشان، همان ناشران کتابفروش هستند

فرهنگ و ارشاد اسلامی به چنین تصمیمی تن داده که با افزایش دوباره تصدی‌گری، مجوز کتابفروشی را نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر کند. تاکنون این مجوزها توسط انحصاری صادر شده‌اند اما اینکه وزیر نیز پس از این قول چنین تفویضی راه انحصاری داده بود. این موضوع با قانون صنفی مغایرت دارد. با این وجود حتی اگر موضوع این تفویض زیر سؤال برود، معلوم نیست چرا سازمان مالیاتی هنوز به قانون اخیر معافیت بی‌توجه مانده، آن را نقض می‌کند.

آقای صحابی، موضوع معافیت مالیاتی را با توجه به اطلاعیه اخیر سازمان مالیاتی کشور، کاملاً منطقی می‌دانم و آن را خلاف جهت قانون اخیر



زنگ و نوا

دانش روزبه

نخستین گام ها و آینده انجمن علمی و مترجمان دینی

در گفت وگو با عبدالله امینی؛ پژوهشگر، مؤلف و مترجم

عبدالله امینی متولد ۱۳۳۲ ذوقل مست. دوران طفولگی را در قم از ۱۳۴۰ آغاز کرد که تاکنون و در دوره خارج نطقه اصول ادامه دارد. نگارش و ترجمه بیش از سیزده عنوان کتاب (چاپ شده یا در دست انتشار) و افزون بر صد عنوان مقاله از شمار فعالیت‌های علمی فرهنگ‌های اوست. مسؤولیت‌های که در مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور، نیز مسؤولی نشریه شهاب و اکنون همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی و دفترالمدافع نطقه اسلامی، از دیگر فعالیت‌های وی است.

عبدالله امینی در موضوعاتی نگارش یافته یا ترجمه کرده است از جمله: ۱. مهدویت (چاپ در مجله انتظار) ۲. زبان (چاپ در پایوند) ۳. حوزه و پاسی ۴. قرآن پوهی (چاپ کتاب‌ها و مقالات، همچون مصحف فاطمه (س)، منتشر توسط دلیل ماه و مصحف امام علی (ع) ۵. شتره سوسط دفاکنگه فردوسی (مستفهد) ۶. کتاب‌نمایش (چاپ مقالاتی در نشریات، کتاب مین، آینه پژوهش و...) ۷. ۶ و ۵ حل حاشه نگاری و اندیشه سیاسی (منتشرد در مجله حکومت اسلامی و بینات و...) ۸. ترجمه پیشه‌ها و انگاره‌های او «تاسیس انجمن علمی مترجمان دینی» است. به منظور آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان عزیزان با این انجمن و در آستانه هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، با وی به گفتگو نشستیم.



چطور شد که با فکر تاسیس انجمن علمی مترجمان دینی اقدامید؟

اصلاح گراه، پروژه از زبان عربی به فارسی در حوزه اندیشه دینی، پس از انقلاب اسلامی بسیار رایج و مرسوم شده است. این امر پروژه در چند سال اخیر، آغاز نهفت اصلاح طلبی در جهان اسلام در آموزه‌های دینی، بسیار به چشم می‌آید. ترجمه در ایران و پیش از انقلاب از جهان اسلام و دنیای عرب، با برگردان آثاری از اسید قطب^۱ و پیشترها اسید جمال اسدآبادی^۲ و دیگران شروع شد. پس از انقلاب و بر اثر بازتاب نهفت اسلامی، آثاری درباره انقلاب و شیخ و اهل بیت (ع) و اخیراً آثاری در اندیشه‌های دینی، ترجمه و چاپ گردید. ترجمه این آفرینش‌های گاه شتاب‌زده بوده، همراه با مطالب نادرست و لغزش‌های است. پروژه که هر کس به خود جرات ورود در این حوزه را داده و گاه مترجمان تازه وارد، دست به ترجمه‌های ضعیف، انفرادی و ناموفق زده‌اند.

الته خود ناشرانی که به بازدهی اقتصادی و سوددهی امیدوارند، البته، مزید بر علت بوده است. اگر پیش از این، باور آن بود که ترجمه، مانند دیگر مقالات علمی نیازمند آگاهی و تجربه است، اما شهرت طلبی و گاه کتب و تجارت، وضع را به

چطور شد که با فکر تاسیس انجمن علمی مترجمان دینی اقدامید؟

اصلاح گراه، پروژه از زبان عربی به فارسی در حوزه اندیشه دینی، پس از انقلاب اسلامی بسیار رایج و مرسوم شده است. این امر پروژه در چند سال اخیر، آغاز نهفت اصلاح طلبی در جهان اسلام در آموزه‌های دینی، بسیار به چشم می‌آید. ترجمه در ایران و پیش از انقلاب از جهان اسلام و دنیای عرب، با برگردان آثاری از اسید قطب^۱ و پیشترها اسید جمال اسدآبادی^۲ و دیگران شروع شد. پس از انقلاب و بر اثر بازتاب نهفت اسلامی، آثاری درباره انقلاب و شیخ و اهل بیت (ع) و اخیراً آثاری در اندیشه‌های دینی، ترجمه و چاپ گردید. ترجمه این آفرینش‌های گاه شتاب‌زده بوده، همراه با مطالب نادرست و لغزش‌های است. پروژه که هر کس به خود جرات ورود در این حوزه را داده و گاه مترجمان تازه وارد، دست به ترجمه‌های ضعیف، انفرادی و ناموفق زده‌اند.

الته خود ناشرانی که به بازدهی اقتصادی و سوددهی امیدوارند، البته، مزید بر علت بوده است. اگر پیش از این، باور آن بود که ترجمه، مانند دیگر مقالات علمی نیازمند آگاهی و تجربه است، اما شهرت طلبی و گاه کتب و تجارت، وضع را به

تابی‌سامانی کنونی که شاهد آنیم، رسانده است. در ترجمه این آثار، گاه خوانندگان عام، برگردان‌ها را نمی‌فهمند، چنان‌که خیلی از خواص، آن را نمی‌پسندند و بر آن خرده می‌گیرند. آیا در حوزه علمیه، ناظر یا مسؤولی برای ارزیابی این آثار، مستوفوم آثاری است، وجود ندارد؟

در حوزه‌های علمیه، متولی مستقیمی که در این باره پاسخگو باشد، وجود ندارد. متلاً اگر کسی بخواهد متنی دینی را به زبان فارسی از دیگر زبان‌ها در اختیار داشته باشد و دغدغه صحت و درستی ترجمه را عهده‌دار این امر در حوزه‌انداز به رغم آن که بسیاری از دیدناران هستند که به گسترش و رواج اندیشه دینی

تاسیس‌مانی کنونی که شاهد آنیم، رسانده است. در ترجمه این آثار، گاه خوانندگان عام، برگردان‌ها را نمی‌فهمند، چنان‌که خیلی از خواص، آن را نمی‌پسندند و بر آن خرده می‌گیرند. آیا در حوزه علمیه، ناظر یا مسؤولی برای ارزیابی این آثار، مستوفوم آثاری است، وجود ندارد؟

در حوزه‌های علمیه، متولی مستقیمی که در این باره پاسخگو باشد، وجود ندارد. متلاً اگر کسی بخواهد متنی دینی را به زبان فارسی از دیگر زبان‌ها در اختیار داشته باشد و دغدغه صحت و درستی ترجمه را عهده‌دار این امر در حوزه‌انداز به رغم آن که بسیاری از دیدناران هستند که به گسترش و رواج اندیشه دینی

تاسیس‌مانی کنونی که شاهد آنیم، رسانده است. در ترجمه این آثار، گاه خوانندگان عام، برگردان‌ها را نمی‌فهمند، چنان‌که خیلی از خواص، آن را نمی‌پسندند و بر آن خرده می‌گیرند. آیا در حوزه علمیه، ناظر یا مسؤولی برای ارزیابی این آثار، مستوفوم آثاری است، وجود ندارد؟



یادداشت

امیر حسین شرافت

اول تیرماه، روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی

زمانی که پیامبر(ص) تنی چند از یاران خود را به محلی به نام جرش می‌فرستد تا شیوه ساختن بعضی أدوات و آلات جنگی را برای مقابله با مشرکان از مشرکان آموزد و به روایتی اسیران باسیران‌ها مشرک جنگ بروراز آن دانشم تباران فدیه آزادی خود، به نوجوان مسلمان جوانان و نوزدهن یاددهند، درحقیقت به تبلیغ مسلمان‌نوی‌های عملی اداره جامعه اسلامی را، به دور از تکت‌نظری‌ها و کونه‌بینی‌ها، آموزش می‌داد. پیام حقیقی و راستین چنین رفتارها و تدابیر حکیمانه‌ها برای مسلمانان آن بود که علم و دانش را از هر کجا و بزه هر کس که باشد فراگیرند، سستی نوزند و خود را بی‌نیاز از تجارب و دستاوردهای علمی دیگران، هر چند که مشرک و کافر باشند، نپندارند. بی‌تردید مسلمانان در طول سست و سه سال رسالت پیامبر(ص)، و به ویژه در دوره ده ساله و هجرت، که آن حضرت زمام اداره جامعه نوپای اسلامی را در مدینه بر عهده داشت، نکته‌ها و درس‌های بسیاری از سنت سبیه پیامبر(ص) فرا گرفتند. درس‌هایی که آنان را آرزویومت می‌ساخت تا برای ابقای رسالت و مسزولیت بزگی که خداوند برودششان نهاده بود، یعنی تبلیغ و ترویج و تعلیم اسلام به همه آستانه‌ها، پس از رحلت پیامبر(ص) بماند.

سرمنظر از مولودیکه از مابین قرآنی و سنت پیامبر(ص) مطابقت نداشت، مسلمانان به خوبی شیوه برخورد و مواجهه با علم غیر مسلمانان را، که از بی فتوحات در قلمرو و حوزه دارالاسلام زندگی سنت پیامبر(ص) آموخته بودند. آنان هم جایگاه حقوق مدنی مسلمانان چون بلال حبشی و حبیب رومی و سلمان فارسی، در جامعه عرب مسلمانان مطبق بودند و هر آنکه از شان و منزلت گرامی(ص) به لحاظ علمی و عملی به آنان آموخته بود که اسلامیت در طلب تنگ قومیت و تباریکه که به اسلام بگردد، با دیگر مسلمانان از هر قوم و تبار، و از هر قشر یکسانی برخوردار است. بنابراین، اسلام اندیشه جهان‌گیری و جهان‌شمولی را برای مسلمانان به ارمان آورد. اندیشه‌ای که موانع رشد را دست‌کم از سبب فکری، فرهنگی و اجتماعی از پیش پای آنان برمی‌داشت، مولتی چون اصالت و تعصب قومی، تقلید از سنت‌های غلط نیکان، تنگ‌نظری، و زلفات‌های قومی‌مللی...

چنین اندیشه‌ای که اصالتاً از هر نفسانی میرا بود، ضمن برخورداری از جذابیت لازم برای اندیشمندان غیر اسلامی چون مسیحی، یهودی، زرتشتی و... خمیرمایه اصلی و اساسی شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلام بود. به نظر می‌رسد در عصر حاضر نیز با توجه به کثرت و تنوع و نحوه گسترش به وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و پارتولیده برخی اندیشه‌های خاص و موضوعاتی از قبیل برخورد تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها از دیگر سو، پیش از هر زمان دیگری و تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی منبش بر اندیشه و خرد و به دور از سطحی‌نگری، قشری‌نگری نیاز داریم.



شماره ۱۸۲، شماره ۶، تیرماه ۱۳۸۳

۱۳

شماره ۱۸۲، شماره ۶، تیرماه ۱۳۸۳

۱۳

۱۳

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کردکاک و نوجوانان، هم شعر در دست کار دارد و هم کتاب مرجم. او همچنین می‌خواهد با نگرشی نو به منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجوی، نوجوانان را با دنیای سرشار ادبیات کهن ما آشنی دهد.

شعبانی در مورد کارهایش می‌گوید: کتاب لیلی و مجنون را اکنون برورش نگری کردکاک و نوجوانان منتشر خواهد کرد. مجموعه شعر کردکاک و یک گزیدهٔ عاشقانه‌ها برای نوجوانان هم دارم که هر دو را به انتشارات توکا می‌برده‌ام. اما کتاب او کتاب‌های مرجم برای گروه سنی پیش از دبستان تدوین شده است. کتاب شعر و قصهٔ این مجموعه در آستانهٔ چاپ است و شعبانی وعده داد که انتشارات توکا تا آخر سال آن را عرضه خواهد کرد. جلدهای دیگر کتاب مرجم یعنی: باری‌ها، آموزش مفاهیم، تقاضی و کار دوستی، هنوز تدوین نشده است.

برو بجه ها

اسدالله شعبانی

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کردکاک و نوجوانان، هم شعر در دست کار دارد و هم کتاب مرجم. او همچنین می‌خواهد با نگرشی نو به منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجوی، نوجوانان را با دنیای سرشار ادبیات کهن ما آشنی دهد.

شعبانی در مورد کارهایش می‌گوید: کتاب لیلی و مجنون را اکنون برورش نگری کردکاک و نوجوانان منتشر خواهد کرد. مجموعه شعر کردکاک و یک گزیدهٔ عاشقانه‌ها برای نوجوانان هم دارم که هر دو را به انتشارات توکا می‌برده‌ام. اما کتاب‌های مرجم برای گروه سنی پیش از دبستان تدوین شده است. کتاب شعر و قصهٔ این مجموعه در آستانهٔ چاپ است و شعبانی وعده داد که انتشارات توکا تا آخر سال آن را عرضه خواهد کرد. جلدهای دیگر کتاب مرجم یعنی: باری‌ها، آموزش مفاهیم، تقاضی و کار دوستی، هنوز تدوین نشده است.



سه‌گانه کاشفی خوشنویاری

حضور او را در کنار خود احساس می‌کنیم

در انتخابات اخیر انجمن نویسندگان کردک و نوجوان، مهدی جحرانی رئیس هیأت مدیره به طور قاطعانه از نامزد شدن در انتخابات خودداری کرد و به این ترتیب در چهارمین دوره هیأت مدیره انجمن حضور نیافت. جحرانی از اعضای مؤسس انجمن و دبیر انجمن در هیأت مدیره‌های دوره اول و دوم و رئیس هیأت مدیره دوره سوم بود و او به این ترتیب شاخص‌ترین چهره مدیریت این انجمن به شمار می‌آمد. دکتر مهدی جحرانی متولد سال ۱۳۳۹ در تهران است. کویچه تعداد کتاب‌های او به ده عنوان نمی‌رسد اما در میان این آثار معدود، آثاری به یادماندنی همچون مجموعه داستان طنز «بوتین‌های گشاده»، رمان «لقط تال میوه» و کتاب‌های تئوریک، قصه چیست و «امایه داستان»؛ به چشم می‌خورند. رمان‌نازی بهترین مشلات دربار ادبیات کردک به نامهای «پژوهشنامه ادبیات کردک و نوجوان» و «کتاب مله کورک و نوجوان»، «سرمدیوی امامانه قلمرو ادبیات کردکاک»، «قامت‌مقام سرمدیو آغایگرکان»، «تدوین جزوه‌های آموزشی داستان‌نویسی و تدریس داستان‌نویسی در سالهای ابتدای در حوزه هنری، مدیریت فرهنگی بخش کوردک انتشارات امیرکبیر در دهه شصت و دو نافر بزرگ خصوصی در سالهای بعد و… از جمله فعالیتها و خدمات او در حوزه ادبیات کردک و نوجوان بوده است.

من به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انجمن جای خالی او را در جلمستان احساس می‌کنم. اما باور دارم او همچنان در کنار ما و اعضای انجمن حضور دارد و حضور خواهد داشت. امیدوارم با فراغتی که برای جحرانی حاصل شده است شاهد آثار قلمی بیشتری از او باشیم و او همچنان به حضور پرزور خود در این عرصه ادامه دهد.

امیدوارم با فراغتی که برای جحرانی حاصل شده است شاهد آثار قلمی بیشتری از او باشیم و او همچنان به حضور پرزور خود در این عرصه ادامه دهد.

برو بجه ها

اسدالله شعبانی

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کردکاک و نوجوانان، هم شعر در دست کار دارد و هم کتاب مرجم. او همچنین می‌خواهد با نگرشی نو به منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجوی، نوجوانان را با دنیای سرشار ادبیات کهن ما آشنی دهد.

شعبانی در مورد کارهایش می‌گوید: کتاب لیلی و مجنون را اکنون برورش نگری کردکاک و نوجوانان منتشر خواهد کرد. مجموعه شعر کردکاک و یک گزیدهٔ عاشقانه‌ها برای نوجوانان هم دارم که هر دو را به انتشارات توکا می‌برده‌ام. اما کتاب‌های مرجم برای گروه سنی پیش از دبستان تدوین شده است. کتاب شعر و قصهٔ این مجموعه در آستانهٔ چاپ است و شعبانی وعده داد که انتشارات توکا تا آخر سال آن را عرضه خواهد کرد. جلدهای دیگر کتاب مرجم یعنی: باری‌ها، آموزش مفاهیم، تقاضی و کار دوستی، هنوز تدوین نشده است.



GRIMM BROTHERS

کتاب جهانی

میراث فرهنگی همه جهان

لیلا تیر انداز

در خرباره آمده بود، دولت آلمان قصه‌های برداران گرم را همراه با دو جلد از گزارش‌های آنان، نامزد ثبت در یادواره جهانی سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی ملل متحد (یونسکو) کرده است. اگر یونسکو در پاییز ۲۰۰۵ با این پیشنهاد موافقت کند، زیبایی قصه، ستودنی‌تری، کلاز می‌زی، پندگششی و میراث فرهنگی همه جهان به شمار خواهد آمد.

قصه‌های برداران گرم، با تصور که خود آنها نامیدند، «قصه‌های کردکانه و خانگی» چه ویژگی‌هایی دارند که می‌توان آنها را برای ثبت در میراث جهانی جهان نامزد کرد؟
کتاب هفته سمی کرده است با روایت اختصار به رشته‌های تبدیل شدن این آثار مکتوب به میراث فرهنگی جهان پیردازه؛

کلید طلایی

فصل زمستان که بر فراز سنگینی باریده بود پسر بنوایی مجبور شد که با سوزنمه پرورد و هیزم بیازرد، هیزمها را کنار هم گذاشت و رسته کرد. اما چون از سرما یخ کرده بود بهتر دید قوری به خانه نرود بلکه آفتاب را به پندازه و خود را آکنی گرم کند پس شروع کرد به کنار زدن و هر جا کلید طلایی کوچک پیدا کرد، با خود فکرت کرد. هر جا کلید طلایی قفل می‌خواست، پس زمین را کند و صندوقچه‌ای آهنی پیدا کرد. دگر کرد، اما اگر کلید به قفل نخورد، شکست می‌خورد. کلیدهای گرانبهای نوری این صندوقچه هست؛ نگاه کرد و اما سوزناخ کلیدی ندید. سر آخر سوزناخی پیدا کرد که از پس ریز بود به سختی دیده می‌شد. اشخان کرد و دید خودش است. کلید را در قفل چرخانید… «برادران گرم، ص ۹۳۳»

این قصه کوتاه و تشبیل‌گرفته، آخرین داستان مجموعه قصه‌های برداران گرم است و تنها قصهٔ این مجموعه است که پایان را از آلود دارد. پایانی که آغاز سفر شگفت‌انگیز ما به دنیای بریان، پهلوانان، جانداران، قو لها، کور توله ها، پانز ها، شویله‌ها، دختران تنها و شاهزاده رویاهاست. برداران گرم، کلید طلایی صندوقچه اسرار را به مهابله کرده‌اند، به همه ما، در سراسر جهان، فارغ از زمان و مکان، بی توجه به رنگ پوست و ملیت یا زبان. او ۱۸۱۲ که مجموعه قصه‌های آنها برای نخستین بار در آلمان منتشر شد تاکنون، این کتاب به بیش از ۴۰ زبان ترجمه شده و تنها در آمریکا به چاپ صد و بیستم رسیده است و از این نظر با کتاب مقدس رقابت می‌کند.

کودکی

یاکوب لودویگ کارل گرم در ۱۷۸۵ و بردارش ویلهلم کارل گرم یک سال بعد، در شهر کوچک هاناو (Hanas) به دنیا آمدند. پدرشان، فیلیپ، پسر یک روحانی، محقق خوانده بود و به عنوان دفتردار درآمد متوسط، اما ثانی داشت. مادر آنها در تهره Dorothea زن مهربانی بود که پسرها را آزاد می‌گذاشت تا دور و بر روستاها پرسه زنند، روستاهایی که پاهای قزم‌خانه‌هایشان، آرمیده در پیچ و خم دره‌های سبز، در کناره رودخانه‌های خیال‌انگیز چشم‌نوازش می‌کرد. بعدها ویلهلم در مورد این دوران نوشت: روح جستجوگر همان دوران در ما متولد شد. همان دوران کودکی که

بی‌خیال دنبال پروانه‌ها و حشره‌های گوناگون می‌دویدیم و آنها را جمع می‌کردیم.

یاکوب شش ساله بود که خانواده به دهکده کوچک دیگری به نام ششای نای Steinau نقل مکان کردند، آنجا هم به مانند هاناو مرکز داد و ستد بود. پدر رئیس دادگاه بود و خانواده گرم در یک ساختمان سنگی بزرگ دولتی، ساکن شدند. سالهای آسودگی کوتاه بود. پدر که مرید پرکار، با ایمان و وفادار به خانواده بود، در ۱۷۹۶، در حالیکه فقط ۲۴ سال داشت، ناگهان مرد و مادر که حالا شش فرزند داشت، مجبور شد خانه دولتی را خالی کند. بی‌پولی و دشواریها گریبان خانواده را گرفت، بااین همه خاله بچه‌ها، یاکوب و ویلهلم را برای تحصیل به دیزرستان در شهر کاسل Kassel به نزد خود



خواند، دو برادر در یک اتاق و بر سر یک میز کار و زندگی می‌کردند و در یک بستری خوابیدند.

گنجینه گرانبها

برادر کوچکتر (ویلهلم) مریض احوال بود اما هر دو برادر سخت می‌کوشیدند و با روزی ده ساعت کار بر تنهایی و تنگدستی و تحقیرهای ناشی

سبک برداران گرم جهانی است



«**بروان قصه‌های برداران گرم بیش از چهل تنر و بیشتر آنان زنان خانه‌دار بودند، در این میان بردان گرم برای بیوه‌زی به نام کاترینا فیسان ارزش ویژه قابل بودند، پدر کاترینا بر سر راه فرانکفورت مهمانخانه‌های داشت و کاترینای دبیق و خوش حافظه داستان‌های بسیاری را از مسافران می‌شنید و به خاطر می‌سرود. هر بار که او برای فروش حاصل باغ کوچکش به شهر می‌آمد، به خانواده گرم سر می‌دهد، قصه می‌گفت و برداران گرم یادداشت می‌کردند.»**

از آن ظله کردند و به عنوان دانش‌آموزان برجسته راه خود را گشودند. در همین دوره بود که شور پاپان‌نایدی یاکوب به خواندن استاد محویش فردیش کارل فون ساوینی Friedrich Carl von Savigny را یافت آن دانش تانکاخانه شخصی بود و او را انگشده، یک گنجینه راسمین، یاکوب باسلفها این مجموعه کتاب، سیر کرد و زیاترین اسفانه و حسامه‌های قهرمانان سده‌های میانی را خواند. این مجموعه شور کشف و حفظ اسفانه‌های مرجم آلمان را در یاکوب پیدار کرد، برادر جوانتر نویسن از چندنی به او پیوست.

در تمام این دوران، یاکوب چنان غرق در خواندن و خواندن و خواندن بود که محکمی‌های هایش او را «بیرمزه صدا می‌زدند. ویلهلم، اما با وجودیکه همچون برادر دانش‌آموزی برجسته و بااراده بود، گرته‌چشمی هم به دخترها داشت، در یک دوره قوه‌گویی به بانوی ژرمنندی به نام Droste-Hulshoff Drotea دل بست. اما هر چند که نامه‌های عاشقانه پرشوروی بین آنها رد و بدل شد، اختلاف طبقاتی، ناشی از ادواج را از آنها گرفت. بعدها ویلهلم در ۲۹ سالگی با دوست دوران کودکی‌اش درشتن ویلت Donchen Wild که خود سینه‌ای سرشار از افسانه‌های پریان داشت ادواج کرد.

این ادواج، هم رابطه دو برادر را تغییر نداد و همو یاکوب، در همان خانه، با آنها زندگی کرد.

جرقه اولیه

کلمندس برنادو Clemens Brentano و لودویگ آخیم فون آرنیم Ludwig Achim von Arnim در سال ۱۸۰۵ نخستین مجموعه تریه‌های میانه را با نام «شپور سحرآمیز پسر بچه‌ها» منتشر کرده بودند. برداران گرم را به جمع آوری فایلکورد شوقین کردند. برداران البته پژوهش در نسخه‌های خطی سده‌های میانی را هم ادامه دادند که همین کار در دوران دشوار اشغال کاسل از سوی ارتش ناپلئون به آنها آرامش و دلداری داد. ویلهلم در این باره نوشت: آن روزهای فردایش همه نتایج موجود را تا نزد ام جلور چشم می‌بینم. اشتیاقی که با آن، ما را یازدی داد تا بر این دلمردگی ظله کنیم… بی تردید اوضاع جهانی و ضرورت تزگی خود و یا آرامش گرایی تحقیقات، به دواره احیا کردن ادبیات از یکرهفته ما کمک کرده اما جدا از آن که بی‌تردید می‌خواستیم در گذشته و نسل پیام، به طور طبیعی ایمان داشتیم این مطالعات ما را به در حالیکه «شخصی بیگانه و زبان بیگانه‌ای که گوش را می‌آزرد» در خیابانهای اصلی پروسه می‌روند او مرجم بچاره، کچ و منگ در کوی و بزوان روانه جوجه‌های مرگ می‌شدند. «برادران گرم نیز کارشان را لجه‌های را نمی‌کردند تا از گذشته، حالا رازنده کنند.» (همان، ۹۶۷)

قصه‌ها چاپ می‌شوند

جلد اول قصه‌های کردکانه و خانگی، در ۱۸۱۲ و جلد دوم در ۱۸۱۵ منتشر شد. از این زمان به بعد یاکوب به پژوهش در زبان‌شناسی پرداخت و ویلهلم جمع آوری، ویرایش و چاپ قصه‌ها و برعهده گرفت، او با دقت شونونی به بازنویسی و

«شاید برادران گریم برای نگارش و ویرایش قصه‌ها «سبک جهانی» را برگزیده‌اند. در قصه‌ها سرزمین یا کشور خاصی توصیف نمی‌شود، نوع پوشش قهرمانان قصه‌ها و معماری قصه‌ها ویژه نیست، جنگل و رود و دریاچه اسم و نشان ندارد پس قصه‌ها فراتر از زمان و مکان هستند. تنوع موضوع (سختی و شادی، خطر و ماجرا) سرفرای جهان گسترده است که بر سر آن برای هر ژانفه‌ای فضای لذیذی هست اما معصرین وجه اشتراک و درودنمایه این قصه‌ها، آرمانهای مشترک است.»

صیقل دادن افسانه‌ها پرداخت و کوشید آنها را برای بچه‌ها پدر مادرهاشان، که از طبقه متوسط بودند، قابل قبول کند. او اشاره‌های جنسی را زدود، نگاره‌های مسیحی را افزود، برالگوهای جنسیتی مهر تأیید زد و درس‌های مربوط به تربیت کودکان را پررنگ کرد، با این همه و پس از ویرایش‌های چند باره، جوهر افسانه‌ها را دست نخورده نگاه داشت، ویلهم به راستی یک ویراستار برجسته بود.

دشواری های زندگی

زندگی دشوار برادران گریم از سال ۱۸۰۸ با مرگ مادر دشوارتر شد، خوشبختانه یاکوب کاری با خاتون کاتیلار در کتابخانه کاسل به دست آورد و توانست از چهار برادر و تنها خواهرش سرپرستی کند.

در ۱۸۱۲ که نخستین جلد قصه‌های کودکانه و شگای برای اولین بار چاپ شد، خانواده گریم با یک وجهه غلظ در روز زندگی می‌گذند، شاید به همین خاطر است که قهرمانان بسیاری از داستان‌های آنها از گرسنگی زنج می‌برند. زندگی دشوار، آسم ویلهم جوان را تشدید کرد، بی‌بازی‌های قلمی وی روی در سراسر زندگی، او را زنج داد و آخرین، موجب مرگش شد.

بعد از جنگ

جنگ به پایان رسید، فرانسه کتابخانه شهر را که به غنیمت رده بود باز پس داد و وظیفه دلیپزیر بازگرداندن کتابها به یاکوب واگذار شد، آرام آرام وضع مالی خانواده گریم هم بهتر شد، بالاخره یاکوب و ویلهم از شغل کتابداری در کاسل به تدیس در دانشگاه‌های گوتینگن Göttingen برلین فراخوانده شدند.اما در سالهای آخر عمر، تدیس را کنار گذاشتند و به تدوین فرهنگنامه عظیم ۳۳جلدی آلمانی پرداختند، که متأسفانه آنگذر زنده نماندند تا به باز نشستن درخت و به پایان رسیدن فرهنگنامه آییند و ویلهم - بود، او و خواهرانش قصه‌ها را از ماری، دایه پرشان شنیده بودند که فرانسوی بود و بعد از نگارش مقدمه بخش‌بوهای فرهنگنامه به دنبال برادر شتافت.
پایانی مناسب برای یک زندگی پربرآ «توماس اوبنل Thomas Obel».

ریشه‌ها

«ما اکنون در حالی برای سرگرمی یا آسودن به سراغ نویسندگان حیوانیمانی می‌رویم که امور روزمره همهچیزان به خود سرگرممان می‌کنند، اما مشتیهای قصه گو برای رهایی به سراغ او می‌روند و دل مشغولیهایی روزمره شان را پشت درخانه جامی گذاشتند. آنها برخلاف ما، آهنگی را که در پی آهنگ روز، ساز می‌شود، حس می‌کردند، اجبار جایش را به تسلیم و رضا می‌داد بیرون کلبه، غار،ها،بها، گوسفندها، گاوها در آغل بودند. در کلبه، گریه عخر می می‌کرد، سنگ کناری لمبه بود و مرغفای روی تیر چوبی در روزن سقف خوابیده بودند. بزرگ و کوچک گرد آتش یا کنار اجاق می‌نیشنند، شمع یا چراغ نفتی کم سویی سایه‌هایی بر دیوارها می‌ساخت؛ زنی زنج می‌ریسید، گفته‌های آشنای قصه گو از روایهای که در ایشیایی چنین ثابت و آشناهفته بود، نشأت می‌گرفت و مست‌هایی را مثل میز، نیمکت و صندلی مادر بزرگ از آن مردم بودند، تکرار



می‌کرد. آنچه روایت می‌شد، خیره‌های درباره کسانی بود که می‌شناختند؛ دختر ملکه که غلزچران بود، شاهزاده‌ای که در جستجوی آب حیات بود، پسر کهنتر آسیابان که ثابت می‌کرد از برادران مهتر و تیزهوش خود، خردمندتر است.» (یادزک کالو، همان، ص ۷)

راویان قصه‌های برادران گریم پیش از چهل نفر و بیشتر آنان زنان خانه‌دار بودند، در این میان بردران گریم برای بیودژی به نام کاترینا فیمان viefmann katherina ازوشی ویژه قابل بودند، پدر کاترینا بر سر راه فرانکفورت مهمانخانه‌ای داشت و کاترینای دقیق و خوش حافظه داستان‌های بسیاری را از مسافران می‌شنید و به خاطر می‌سپرد. هر بار کوچولو، می‌شناختند و وینداکنشکی، آنها، با باز تفاوت‌های غیر اساسی، می‌تواند انخوری، ما باشد.



که او برای فروش حاصل باغ کوچکش به شهر می‌آمد، به خانواده گریم سر می‌زد، قصه می‌گفت و برادران گریم یادداشت می‌کردند.

یکی دیگر از قصه‌گوها درشتن اُریخت - همسر آیینده ویلهم - بود، او و خواهرانش قصه‌ها را از ماری، دایه پرشان شنیده بودند که فرانسوی بود و همان قصه‌های را می‌گفت که صد سال پیش اشتارل پروه آنها را با نام «قصه‌های ننه غلظه جمع



آزوی و منتشر کرده بود. معروفترین این قصه‌ها، «اسپنلار» و «روپای خفته» بودند. در اینجا به یک نکته باید توجه کرد: قصه‌های فرمی فرانسه، به جای کلبه‌های ساده روستایی، قصرهای باشکوه را تصویر می‌کند، شاید به این خاطر که جمع آوری‌کننده آنها اشتارل پروی عضو فرهنگستان فرانسه بودند برادران گریم نتگندست! از این نکته بگذریم و به خوانندگان توجه بدهیم «قصه‌های ننه غلظه» خود ریشه در افسانه‌های قدیمی پریان ایتالیا دارند، برادران گریم هم در دومین چاپ «قصه‌ها» به ریشه‌های بین‌المللی آنها اشاره کرده‌اند. ریشه برخی از این قصه‌ها حتی به شرق می‌رسد و مشابه بسیاری از آنان در قصه‌های فرمی ما ایرانیان هم هست، «اسپنلار» را با تفاوت‌های جزئی در کرمان به نام «فاتیگکو» یعنی فاطمی کوچولو، می‌شناختند و وینداکنشکی، ما باشد. تفاوت‌های غیر اساسی، می‌تواند انخوری، ما باشد.

سبک جهانی، آرزوهای جهانی

اگر چه بنایه شرایط زندگی هر قوم، نقش برخی عناصر در قصه‌ها پررنگ‌تر از کمرنگ‌تر است، شباهت درونمایه قصه‌های فرمی در سراسر جهان نشان می‌دهد که این قصه‌ها جهانی هستند.

شاید برادران گریم با توجه به همین نکته برای نگارش و ویرایش قصه‌ها «سبک جهانی» را برگزیده‌اند. در قصه‌ها سرزمین یا کشور خاصی توصیف نمی‌شود، نوع پوشش قهرمانان قصه‌ها و معماری قصه‌ها ویژه نیست، جنگل و رود و دریاچه اسم و نشان ندارد، پس قصه‌ها فراتر از زمان و مکان هستند. تنوع موضوع (سختی و شادی، خطر و ماجرا) سرفرای جهان گسترده است که بر سر آن برای هر ژانفه‌ای فضای لذیذی هست. اما مهم‌ترین وجه اشتراک و درونمایه این قصه‌ها، آرمانهای مشترک است، به قول تگ زپس Jack Zipes مترجم آمریکایی مجموعه قصه‌های برادران گریم و استاد دانشگاه مینه سوتا: «این قصه‌ها می‌گذارند ما آرزوهای آرزماگرآینه خود را بنیان کنیم، آزوی برابری، چیزی شدن بر طبقه محو بی عدالتی، باطل شدن سحر و جادو، زندگی بهتر، پیروزی خوبی بر بدی، رسیدن نداده به دلدار، پایان زنج‌ها، عمر دراز زندگی با خوشی و خرمی پایان سال…»

در دنیای سرد و بی‌رحم، قصه‌های برادران گریم، بر آتش آرزوها همه می‌نهد، به زندگی ما روشنی و رنگ و به روح ما، گرمی می‌بخشد، باشد که این قصه‌ها میراث فرهنگی جهان به شمار آیند و باشند که این میراث فرخنده به جهانیان صلح و دوستی بخشد.

بچی توشه.

در این نوشته از منابع زیر استفاده شده است:

- http://www.nationalgeographic.com/grimm/index2.html
- http://www.pitt.edu/dash/grimmtales.html
- http://www.who2.com/thebrothersgrimm.html
- http://www.smart.co.uk/dreams/grimftale.html

شدمجموعه کامل قصه‌ها افسانه‌های برادران گریم، ترجمه هرمز ریاحی، نشرین طباطبائی، بهزاد برکت، نشر پیکان، چاپ اول، ۱۳۸۲.



یادداشت

شهره کاندلی

فروش باد

به مناسبت روز جهانی کودک در سال ۱۳۸۲۱۳۲۱۳۲۱ به نام فروش باد به قلم و تصویرگری تاکا کومورا و با ترجمه شهره گلپریان برای گروه سنی ۳ تا ۱۰ توسط کتابت وپوشش فکری کودکان و نوجوانان انتشار یافت.

کیتوتو مادر ساکورا نقاش است و طرحی برای فروش ایرانی کشیده است. ماکان پدر ساکورا شیشه فروش را برای دوست خود در ایران می‌فرستد تا آن را بفزند و در این در جشن شکوفه‌های گیلان نمایش دهند. سه ماه قبل از جشن کیتوتو در تصادفی گشته می‌شود، او دیگر فروش را نخواهد دید. پس از مرگ مادر، ساکوراد، نه حرف می‌زند و نه بخندد، برای همین پدر او را به بهانه برگرداندن فرش یا خود به اصفهان می‌برد تا شاید آرزوهایش را آفرموش کند، اما برای آن آنها می‌فهمند که بافت فرش هنوز شروع نشده است. پدر که با جشن شکوفه‌ها فرصت را برای بافت فرش کافی نمی‌بیند، عصبانی شده، شیشه پارکشت می‌کند، اما دوستان او، ماهرئین یانگدان را جمع می‌کنند و با کمک آنها و با کار مدینه جمعی، فرش به موقع حاضر می‌شود.

در پایان، در جشن شکوفه‌های گیلان در زاین فرش را به ارابه‌ای می‌آورند، فرشی که طرح آن را مادر ساکورا کشیده و یانگدان اصفهانی آن را بافته‌اند، در باغی می‌ریزند. این کتاب، اثر اثر قبله فرش باد، ساخته گلان تیریزی است. کتاب، در این تیریزی، اولین خواله که تعامل و گفتگویی بین دو تمدن ایرانی و ژاپنی است نیز بین اشکال مختلف هنری (هنر سینما، هنر داستان‌نویسی) حرکت می‌کند. همچون فرشی در باد.

مخاطب ایرانی با عناصر فرهنگی ژاپن چون جشن شکوفه‌های گیلان - و آشنا می‌شود و بیاس‌های عجیب، فرهنگ سازی و امکان دیدنی اصفهان - - - - - اصالت، فرمت و موفقیت اثری هنری چون قلم فرش باد می‌تواند داستان به در فارسی، برآمده یکانش، و توسط نمودا دوباره به درود مرزهای کشور بازگرداند و از این جایی…

خبر

برگزاری جشنواره ادبیات

روپای در ایران

جشنواره ادبیات اروپایی یا فرکت ۲ کشور اروپایی و به هست یک سازمان فرودنی اروپایی، با همکاری کانو وپوشش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک، این جشنواره که هدف آن برابری ارتباط بین

پدیدآورندگان و مخاطبان و نیز گفت‌وگوی فرهنگ‌هاست، با هست سازمان فرودنی Exchange برگزار می‌شود.

بیانگذاران این سازمان یک هیئتس ایرانی دارای همسر ایرانی و یک هیئتس اروپایی دارای همسر ایرانی هستند. هیئتس فرودنی و هیئتس شورای داستان‌ها، دانشگاه وین، مینگر برگزاروی اولین جشنواره ادبیات اروپایی در ایران هستند.

در این جشنواره داستان‌های نویسندگان اروپایی پس از ترجمه همه رها با اثر برگزیده، توسطگان ایرانی به نوجوانان ایران ارائه خواهد شد و چه با و ساسی این داستان‌ها به تصویرگری خواهند پرداخت.

دولطیایان می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱۸۰۷۲ با غلام فرش آفرین انصاری در شورای کتاب کودک تماس بگیرند.



پادداشت

امیر فاردی

نگاهی به کتاب سینمای فراگیرهند ارزش هنرعامه پسند

کتاب سینمای فراگیر هند بخصوص به این دلیل قابل بحث است که در فرهنگ روشنگری ما بررسی پدیده‌های عامه پسند، اهمیت چندانی ندارد. سینمای هند هم یکی از همین پدیده‌هاست. صنعتی که البته هم‌راه روشنگر هم دارد. مدل ساتیاجیت رای و شیم بنگال-کنشور نیز یادداشت‌ها و مقاله‌های فراوانی در توضیح آن‌کشان چاپ شده است. اما این فقط بخشی از ماجراست. سینمای عامه پسند هند به عنوان یک پدیده فرهنگی، به هیچ وجه برخلاف آن چه که بازنمایش داده‌اند، چیزی کم و کوفتی نیست. مردم هند

سالمات که با رنگ و نور فیلم‌های روی پرده خندیده‌اند و اثرسته‌اند.ستارگان روی پرده بخشی از زندگی مردم هند هستند و آن‌هایی که تجربه نمایشی فیلم در سالن‌های سینمای هند را داشته‌اند، از آن به عنوان تجربه‌ای وجدانگیر یاد کرده‌اند. در حدعنا نشانگر مشتاق که با هم شاد و پس از آذنی، به همراه هم خنکین می‌شوند.

سینما در حد بخشی از تجربه زندگی و دیدگاه اسطوره‌ای در مشرق زمین است. این جایگزین یک تصاویر روی پرده و آن چه نمایشگران در زندگی واقعی تجربه می‌کنند، فاصله‌ای نیست.

به لحاظ زیبایی شناسی نیز این سینما قواعد و بنیان‌های خاص خودش را داشته است. سینت‌گان فیلم هنری، قرا‌هایی با سینماگر نشان گذاشته‌اند که معمولاً رعایتش می‌کنند. آن چه به عنوان بازسازی واقعیت در این سینما خوانده می‌شود، خود واقعیت که نیست، اما نشانگرش آن را از یک زاویه خاص می‌پذیرد. این قرا‌ده‌های زیبایی شناسانه، به نشانه‌هایی برای شناخت سینمای نازل درجه سه تبدیل شده‌اند. مثلاً حرکت سریع به سمت چپ‌رو هر تیتله‌ها با استفاده از علمی زوم و دوشی که اتفاق ناچیزی روی پرده می‌افتد، یا رقص و آواز قرا‌هایی قابل و طولانی شخصیت‌های داستان و همچنین نشانی‌های احساسات شخصیت‌ها آن که به عنوان یک پدیده تأثیرگذار پذیرفته شوند. قبل از آن که مورد تحلی و توصیف قرار گیرد، در وکتار گذاشته شده‌اند.

کتاب سینمای فراگیر هند، روایت یک تغییر فرهنگی، نوشته کی مونی گوگولینگ و ریمال دیسانایاک، از دید دیگری به ماجرا نگاه می‌کند. در فصل اول کلیاتی درباره سینمای هند و سرچشمه‌های الهامش آورده شده، در فصل دوم نویسنده‌ها کوفیه‌اند که با زانری‌های این سینما، روش‌های برای توضیح و تبیین این فیلم‌ها پیشنهاد می‌دهند. به زهم نویسنده‌ها عبارت‌اند از زانر فیلم‌های اسطوره‌ای، زانر فیلم‌های ایمان گرانه، زانر درام اجتماعی، زانر روشنگری، لاریک و بالاخره دسته موسوم به فیلم‌های هنری و یک بخش کامل به ساتیاجیت رای و فیلم‌هایی به عنوان نمونه به شخصیتی از سینمای هند اختصاص یافته است. در بخش سوم با رابطه متقابل سینما و جامعه در هند آشنا می‌شویم و در بخش بعدی با عوامل مذکور، قویت و کاست در سینمای هند این بحث ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب کتاب مورد بحث، آن قدری برای شناخت سینمای هند به جامعه‌ای که از آن برخوردار است، می‌دهد که از این طریق می‌شود به چیرهای درباره خود این جامعه و روابط اجتماعی مردمانش رسید. طبق معمول این قبیل کتاب‌ها، یک بخش چشم هم بحث از آن در سینمای هند، اختصاص پیدا کرده و در بخش چشم هم به چندتا زانر شخصیتی از سینمای آن‌ها زانرهای شده است.

فصل‌های بعدی هم به پیشرفت‌های اخیر سینمای هند، سینمای منطقه‌ای این کشور و بالاخره به نتیجه‌گیری استنتاجی همی هم مترجم کتاب یکناوس زبیری است و برگردان استنتاجی همی هم دارد و اضافات مترجم، به حق کتاب و خوانندانش تمام شده است. هر چند که لزوم یک ویرایش مجدد برای از بین بردن غلط‌های ویرایشی آن احساس می‌شود.

در این چندسال سینمای عامه پسند پیشرفت‌های فراوانی داشته و فیلم‌هایی مثل دوسای و لاگان و چشم‌ها، چه به لحاظ داستانی و چه به لحاظ فنی، این سینما را به چشم‌اندازهای تازه‌ای هدایت کرده‌اند. توجه به این نکته ذوق مخاطب را برای ادامه بحث، برمی‌انگیزد. ضمن این که چاپ چنین کتابی به بعضی از دانشمندان ما یادآوری می‌کند که در حیطه مربوط به هنر عامه پسند هم چیرهای فراوانی برای بررسی وتحلیل و حتی آموختن وجود دارد.



گزارش

زیلا اشنگ

چاپ فیلمنامه‌های خارجی در ایران



زمینه نادر و ترجیح می‌دهم به کار خود بپردازم.

میون فرشیجی فیلمنامه نویس فیلمهایی چون شوکران، در این زمینه می‌گوید: «سینما هنری است که از غرب به ما رسیده و خواندن فیلمنامه‌های خارجی کمک بسیار زیادی به علاقه‌مندان در این زمینه می‌کند. آرزو می‌کنم که ترجمه این فیلمنامه‌ها از کیفیت بالاتری برخوردار باشد و با متن اصلی فیلمنامه بیشتر مطابقت کند و پیشنهاد می‌کنم به ترجمه فیلمنامه‌هایی پرداخته شود که فیلش را بتوانان چه از طریق سینما و تلویزیون پاینده‌تر دید.»

مهرداد اسکوئی فیلمساز و مستندساز در این باره می‌گوید: یکی از ضعف‌هایی که در سینمای ایران وجود دارد، ضعف در فیلمنامه نویسی است. اگر فیلمنامه نویس جوان با آثار برگزیده فیلمنامه‌های تاریخ سینما آشنا شود می‌تواند با فیلمنامه نوشتن آشنایی بیشتری برقرار کند. مجموعه صدسال سینما، صد فیلمنامه گامی مثبت در عرصه فیلمنامه



و منتشر می‌شود، به سه

جنبه استفاده از فیلمنامه‌ها اهمیت می‌دهد. او در این باره می‌گوید: «یک فیلمنامه به شکل معمول دارای جنبه‌های آموزشی گوناگون است که می‌تواند مورد استفاده دانشجوینان و علاقه‌مندان به فیلمنامه و فیلمنامه نویسی قرار گیرد. دیگر جنبه ترجمه این گونه فیلمنامه‌ها

برای درک بهتر فیلم، دیالوگ و متن‌های سنگین در فیلمهایی چون آبی‌هال ساخته وودی آلن است. اما هدف ما از انتشار چنین مجموعه‌ای پرداختن به فیلمنامه‌هایی است که نه تنها از نظر تاریخ سینما فیلمنامه‌های ارزشمندی هستند بلکه جز آثار ادبی نیز هستند و به تنهایی جذابیت دوباره خواندن را دارند.»

از شماره ۲۸ این مجموعه که مدیریتش به دست اسلامی افتاده تغییر می‌کند که در این مجموعه اتفاق افتاده است. ترجمه فیلمنامه‌هایی بوده که از نظر تاریخ سینما فیلمنامه‌های ارزشمند و جذابی بوده‌اند ولی خود فیلمنامه نیز دارای متنی ادبی بوده است. به گفته او: بیشتر نا‌کید ما بر روی متن‌هایی مستقل و جدا از سینما است.

مترجم‌های بسیاری در این مجموعه به همکاری پرداخته‌اند از جمله: کامییز کاها، محمد اژن، نوشین قاضی اعظمی و فریدین صاحب الزمانی. با توجه به رکود شدید خرید کتاب در ایران این مجموعه نزدیک به ۵۰ شماره فیلمنامه را به چاپ رسانده است. ولی اکنون از لحاظ اقتصادی در رکود کامل است. عوامل و خوانندگان این مجموعه تنها امیدوارند که بتوانند تا پایان، ۱۰۰ فیلمنامه به چاپ برسد.

بهرام یضایی کارگردان، نماینده‌نامه نویس و فیلمنامه نویس درباره فیلمنامه‌های بد به چاپ رسیده می‌گوید: «نظر خاصی در این

فضای سینمای ایران کمک خواهد کرد.»

اسلامی در زمینه بازتاب چاپ این فیلمنامه‌ها از سوی اهالی سینما می‌گوید: «اهالی سینما از این عقیده مستقیم نگردند و به چاپ اینگونه فیلمنامه‌ها توجه چندانی ندارند. چاپ این گونه مجموعه‌ها در طولانی مدت اثرگذار خواهد بود و ما توانسته‌ایم اثر مثبتی بر روی سینماگران جوان نگذاریم.»

او ادامه می‌دهد: «متأسفانه هیچ کمک چندانی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه از بنیاد سینمایی فارابی به این مجموعه فیلمنامه‌هاچه از نظر مادی و معنوی نشده است. در صورتی که در زمینه کارهای فرهنگی این دو سازمان باید پشتیبانی خوبی باشند.

به عقیده فیلمساز اسلامی چاپ این گونه فیلمنامه‌ها هنوز هم بازتاب چندانی در دانشگاه‌های هنر و سینمای ایران نداشته است و مورد استقبال این سازمان‌ها قرار نگرفته است. ولی توانسته است اثر مطلوبی در بین دانشجوینان و علاقه‌مندان به فیلمنامه نویسی بگذارد.

در حال حاضر حدود ۲۰ فیلمنامه از مجموعه ۱۰۰ فیلمنامه، ۱۰۰ سال سینما در مرحله چاپ است که می‌توان به فیلمنامه برخورد کوته اشاره کرد.

در آخر می‌توان به فروش این مجموعه در انتشارات مختلف اشاره کرد. ۵۰ فیلمنامه آندره تارگفسکی، پرفروش‌ترین فیلمنامه این مجموعه در نشر چشمه بوده است. همچنین «آپارتمان، زندگی دوگانه وریژنکا» و «بیشخست» نیز فروش خوبی داشته‌اند.

افزادی که برای خرید این مجموعه به کتاب‌فروشی‌ها سر می‌زنند، اکثرآ جوانانی هستند که برای خریداری فیلمنامه‌هایی با موضوعات سوررئال و دارای عوامل مشهور و معتبر، لحظه شماری می‌کنند. هر چند، اقبال هنوز هم جوانان زیادی نیست. اما فیلمنامه‌های جدید هستند.



گفت و گو با سعید زاشکانی، طراح و گرافیسیت

کتاب، ماندگاری بیشتری دارد

سعید زاشکانی، کار گرافیک را از سن ۱۲ سالگی نزد استاد میشا گراگوساریان شروع کرد. میشا گراگوساریان از اولین طراحان پوستر ایران بود و پوستر فیلم «ختر لر» را هم او طراحی کرده است. زاشکانی به علت علاقه به نقاشی پرتره، ابتدا به کارهای سینمایی گرایش پیدا کرد. وی پس از تکاملدن دوره دیپلومان در هنرستان مالک اشتر، وارد دانشگاه آزاد شد و اکنون در حال انجام پروژه پایان‌نامه در رشته گرافیک است. از او تاکنون حدود ۵۰۰ طراحی مجلد کتاب منتشر شده که می‌توان به طراحی جلد کتاب «چای تلخ»، «جسد‌های شبیه‌ای»، «زخم عقل» و « اشاره کرد.

اولین کار حرفه‌ای اان چه زمانی چاپ شد؟

۱۲سالم بود و کتابی بود با عنوان «آب، باد، سنگ» نوشته اکتادیو پاز. این اولین طرح جلدی بود که رسماً به اسم من چاپ شد. و بافتش دستمزد گرفتن. **اولین کارتان چه پاره‌ای داشت؟**
چون در این سن کمتر دیدم کسی کار حرفه‌ای انجام دهد. ماجزایی به عنوان طرح جلد، نداشتیم و هنوز هم افراد کمی هستند که به صورت تخصصی این کار را انجام دهند. در ایران به ندرت اتفاق می‌افتد که نویسنده به دلیل طرح جلد کتابش، باشد. آنها به آن اندازه‌ای که به نقطه، ویوگرگ و خلاصه ویراستاری کارشان اهمیت نمی‌دهند. در آن دوره هم که ما نوزی اولیه کار می‌کردیم، اما شاید کمتر روی طرح جلد کتاب، وقت صرف می‌کردند. من با توجه به علاقه‌ای که به کتاب داشتم، این پیشنهادها را کند. اما میل می‌پذیرتم و الان هم آن را ادامه دادم.

شما فقط طرح جلد کتاب، کار می‌کنید؟

بیشتر در زمینه طرح جلد کتاب و نواز کار می‌کنم. کمتر پیش می‌آید کار تجاری انجام بدهم.

منظورم کار گرافیکی است. فعالیت‌های گرافیکی، دیگر هم دارید؟
بله، طراحی تمبر، پوستر و… را هم انجام می‌دهم. **بازتاب بازتاب اولین کارتان چگونه بود؟**
تکفیدی بازتابی‌ها تا کنیم را نمیتیم اما فقط یکی دو بار موفق می‌باشم. اما شاید دوست داشتم همه نسخه‌های آن کتاب را بخرم تا این کتاب پرفروش شود و دیگری روی کار حرفه‌ای من باشد.

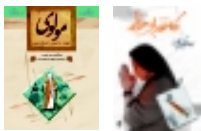
حتی گرافیسیت‌ها و اهالی کتاب و هنر هم اظهارنظری نکردند؟

این انتقادی است که خود من هم دارم. هنوز که هنوز است طرح جلد کتاب در هیچ جا مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرد. حتی بعضی‌ها حاضر نیستند که اسم طرح جلد، در کتاب آورده شود. در صورتی که طرح جلدی یکی از شاخه‌های مهم گرافیک است و می‌تواند تأثیر بسیار زیادی روی فروش کتاب و دیده شدن آن داشته باشد. رسانه‌ها شاید ساعت‌ها یک بازی



طرح جلد کتاب

در هیچ جامورد نقد و بررسی حتی بعضی‌ها حاضر نیستند که اسم طراح جلد در کتاب آورده شود



کامپیوتر یک وسیله است. شما یک روز، مدارنگی داری، یک روز باسل داری و… یک روز هم کامپیوتر. از نظر من هیچ غوغایی بهم ندادند. چقدر نوع ارائه کار برای شما مهم است؟ برای مثال تفاوت جلدهای ورنی و مات و… چه تأثیری بر کار شما دارند؟

در کشورهای خارجی، برای کودکان انواع و اقسام مختلفی کتاب طراحی می‌شود. به طور مثال کتاب‌هایی که بتوانند آنها را به استخر و حمام هم ببرند. این مسأله بسیار مهم است. چون در حالی که من نزدیک حسن کندی، به این وسیله نقطه کتبخوانی در بچه شکل می‌گیرم. اما ما سعی می‌کنیم در مورد بزرگسال‌ها این کار انجام بدهیم. در صورتی که خود طرح باید نوآوری و جدایت داشته باشد. **طرح جلد، مثل شناسنامه کتاب می‌باشد. مخاطب را جذب کند. اما گاهی کسی کار تجاری هم فاضلی قضیه می‌شود. درست است؟**

شما اگر نگاه می‌کنید کتاب‌های پرفروش داشته باشید، متوجه می‌شوید که عاملی ثابت شده که شما



جذب آن کتاب شوید. طرح جلد، مخصوصاً در این آفته بازار نشر، تأثیر بسیار زیادی دارد. چون متأسفانه ما هیچ فضای برای تبلیغ کتاب نداریم. یک طرح خوب خیلی می‌تواند در فروش کتاب تأثیر بگذارد. به نظر می‌رسد وقتی رابطه نویسنده و طراح به خوبی برقرار نشود سرمایه‌گذار هم به نوعی احمقانه سلیقه کند. بازگشت سرمایه هم دارای اهمیت می‌شود. گاهی اتفاق‌های این چنینی سبب می‌شود، بیازداع قضیه بیشتر شود. البته همه سرمایه‌گذارها، این طور نیستند.

ممکن است یک تیم، کار طراحی جلد یک کتاب را انجام دهد؟

در ایران، این قضیه اتفاق نمی‌افتد. ولی در اصل باید این طور باشد. ما در دنیا چیزی به عنوان طراح گرافیک نداریم. طراح آر.دی. پوستر و… داریم ولی در ایران یک فوق‌لیسانس گرافیک داریم که او واد هم قسمتی می‌شود. شناسنامه جلد، که فقط یک کتاب، لوگو و تیزر داریم. بهترین طراحان جهان را می‌بیند که کار می‌کنند. این که عسکر از کدام ژانیه گرفته شود، چه ژورنالی به کاربرده شود و اصلاً چه باید، توسط گرافیسیت تعیین می‌شود. حالا طبق فرم عسکر، قیمت مناسب هم برای کار انتخاب می‌شود.

شما عجله متوجه می‌شوید یک کتاب می‌تیند کتابی به چاپ آوری فروش کتاب و تیزر می‌تیند کتابی به چاپ چندی می‌رسد، حسن خوبی پیدای نمی‌کنم.

کار مطبوعاتی هم انجام می‌دهد؟

خیلی کم. طرح در عالم مطبوعات خیلی محدود است. کتاب ماندگار بیشتر دارد و من به همین دلیل کتاب را بیشتر دوست دارم. در مطبوعات کار کمی شناخته شده است.

اما شما تا به راتال زهد، آنجا هم کار شناخته‌ای؟
آنها شناخته‌ده عمل عمل نمی‌کنند. البته بعضی از روزنامه‌های ما هم در این زمینه حرفه‌ای عمل می‌کنند. حتی من گاهی آن‌وقت، بعضی از روزنامه‌ها را فقط به خاطر عکس‌هایشان می‌خرم. این فقط یک حرفه است. بعد از دوم خرداد، به گرافیک مطبوعات اهمیت بیشتری دادم می‌شود. امیدوارم این قضیه تداوم داشته باشد.

خبر

ترجمه زوررو

به ۲۶ زبان

شرق، زوررو تا هنگام مرگ خالقش به ۲۶ زبان دنیا ترجمه شد.

زوررو توسط جاستین مک‌کالی در دانستان به نام

تقرین کایتراو در سال ۱۹۱۹میلادی شد.

این داستان که درباره حکومت اسپانیایی هادر کالیفرنیا پیش از غصب این سرزمین به دست آمریکایی‌هاست بر اساس افسانه انگلیسی رابین هود نوشته شده است و بعداً به پایه نگارش افسانه‌های محبوبی مانند بنمن، لاله سیاه و نقاب زوررو شد.

زوررو تا زمانی که خالقش در ۷۵ سالگی

درگذشت، به ۲۶ زبان دنیا ترجمه شد و ۵۰ میلیون خواننده را در بیش از ۶۵ کتاب سرگرم کرد.

این روزها

بازیگری که قصه می نویسد



هرصه حرفه‌ای سینما شود و همان فیلم اول پرایش کافی بود تا خودش را ثابت کند. این ترانه، ۱۵سال دارم اولین حضور او در هرصه سینماست. حضوری موفق و پربرنگ. اما ترانه برای این که، باز دوم هم در سینما ظاهر شود، چند سالی را پشت سر گذاشت. «بهره‌زیبا» دومین تجربه اوست، تجربه‌ای که این بار هم حضوری موفق بود. «بهره‌زیبا» این روزها پر پرده سینماست. ترانه برخلاف بسیاری از بازیگران سینمای ایران، علاوه‌زیادی به خواندن دارد. او می‌گوید که بیشتر کتاب‌های ممان و داستان کوتاه موجود در بازار می‌خوانم،



واسټه کتابفروش‌ها

نسرالله خدادی

در جست وجوی صبح، خاطرات عبدالرحیم جعفری، بیاتکدار مؤسسه انتشارات امیرکبیر، دو جلد، ۱۳۳۴ صفحه، انتشارات روزبهان، ۱۳۳۳ تهران

نمی‌دانم وقتی این نوشته چاپ می‌شود، کتاب آقای جعفری به بازار کتاب آمده است یا نه؟ اما من این سعادت را دارم جزو اولین نفرانی باشم که بدون آذن ناشر محترم س.دوست عیوب جلال فهیم‌هاشمی و به کمک و مساعدات آقای امیر هوشنگ نوروزی، معاونت محترم تولید سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آذن تلقنی جناب جعفری، کتاب را مطالعه کنم.

از مدت‌ها پیش می‌دانستم آقای جعفری در صدد چاپ خاطرات خود هستند و هر وقت این سعادت را پیدا می‌کردم جناب جعفری را ملاقات کنم، سراغ خاطرات رami گرفت.

بعد از ربع ریح خانه نشینی ایشان، به همت مرکز داده‌المعارف بزرگ اسلامی مراسم بزرگداشتی برای این خادمِ صنعت نشر کشور برپا شد و آنچه که در این روزگداشت از سوی بزرگان نشر و علم و ادب ایران بیان شد، فقط بیانگر گوشه‌ای از زحمات مردی است که با پایداری و مقاومت، نام انتشارات امیرکبیر را بلندآوازه کرد و در عظمت و بزرگی این مؤسسه خودنمایی همین بس که بسیاری از ناشران فعال و نام‌آشنا، مستقیم یا غیرمستقیم شاگرد او بوده‌اند و امروز به این لحظه افتخار می‌کنند و چه خوب که یکی از همین دانش‌آموختگان مکتب امیرکبیر و جعفری این کتاب ارزنده را به چاپ رسانده است.

افتخاری که بسیاری از ناشران دور بی آن بودند و در کنار خیل ناشران داخواطلب و مشتاق، به یقین محدوداً جعفری نیز با فرهنگ نشر نو به عمارت بهتر نشر نو این شایستگی داشته و دارند، اما همای سعادت بر دوش روزبهان و هاشمی نشست و چه خوش‌سعداتی!

من هرگز افتخار کارگردی آقای جعفری را به صورت مستقیم ندانستم و از آن وقت که به یاد دارم، همکاران قدیمی او در خویaban ناصرصحر، همواره با نام و یاد خوش او یاد گرفته و می‌کنند و اگر کله‌ای و شکایتی بود، امروز من درمی‌یابم تا چه پایه و حدی اساس درستی داشته است. امری که در جای جای کتاب او، به روشنی بیان شده و وقتی از ایشان سؤال کردم، فکر می‌کنید واکنش‌هایی را برانگیزید؟ آقای جعفری فرمودند: سر سوزنی عدم صداقت در نوشته‌هایم نیست چه هر کس به دیده انصاف آن را بخواند، درمی‌یابد چه گفته‌ام.

خاطرات جعفری، صمیمی، صریح، روان، یکدست و دلنشین است و تغییرات صنعت نشر کشور، به روشنی، همواره با تحولات ابتدای قرن بیان شده است. او ما می‌گوید ما همین‌های چاپ در ابتدای این قرن چگونه کتاب را چاپ می‌کردند، صحنایی چگونه بود، چه کتاب‌هایی به چاپ می‌رسیدند و این تحول را پیش روی ما می‌نهد تا دریابیم کتاب چه مسیری را تا به امروز «در قرن حاضر» طی کرده است و چگونگی تأثیر امیرکبیر را در کیفیت تولید کتاب، ابراز می‌دارد.

خاطرات جعفری به گونه‌ای شرح حال رحمان ایران نیز به حساب می‌آید. او با حلقه شگرف خود در نهمین دهه سزاندگی، دقیقاً بهروز مظاهری ریاضتی افراد را ترسیم می‌کند و به جزده‌های معدود و انگشت‌شمار، همه از یک‌نواختن خویان هستند و این صفت مردان بزرگ است که به همه خوش بیانند، بخصوص به اهالی کتاب.

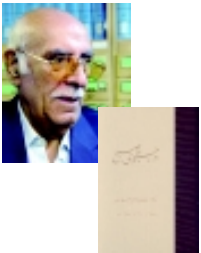
جعفری، نمایی ناشران و کتابفروش‌های تهران را به‌مامی‌شناساند و با ذکر نام و نشانی آنها کتاب‌هایشان را نیز معرفی کند و امروز اگر کسی بخواهد بداند کتابفروشی مروج کجا بود و باید به چه کتاب‌هایی را چاپ می‌کرد، جعفری به روشنی آن را بیان داشته است.

جعفری ادل شیوه داشت و کتاب‌هایی را که از بدو تألیف نام‌آمان اختیار از کف نهانند، به چاپ رساند، مؤید این نکته است. کتاب‌هایی که به‌رغم وجود سه چهار هزار ناشر اسمی و غیر اسمی و دولتی و خصوصی، در روزگار ما، کمتر کسی را بازاری چاپ آنان است.

خاطرات جعفری سرشار از استعاره‌ها، شیرین‌زبانی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها و مثل‌ها است و برخی از گفته‌ها و تکیه‌کلام‌های او، در کمتر کتابی یافت می‌شود، با رنگ‌الله دم دراز، ه‌سلام دادن ترازو، خواجه نشین، و…

در این کتاب، شما با گوشه‌ای از روابط اجتماعی مردم در تهران دیروز آشنا می‌شوید و به زبان بهتر گوشه‌هایی یافته و یا کمتر گفته شده از تهران قدیم با تمام زیبایی‌ها و زشتی‌هایش پیش روی شماست.

آنچه که جعفری در گفت‌وگو با دهایی و آذرنک در بخارا گفت و بعدها در تاریخ شفاهی نشر ایران به چاپ رسید، در این کتاب به‌صورت مفصل و کامل بیان شده است. از نخستین روزشکل‌گیری امیرکبیر در سال ۱۳۳۸ شمسی، تا واپسین روزها؛ خلقِ ید و مصافحه و عجیب واکتش متصدیان‌امور در مراسم بزرگداشت و



تولید اثر او، از سوی مرتضی کاخی، نماینده امیرکبیر فعلی و عییب تر واکتش مدیر مصداق‌الامور امروزین امیرکبیر جعفری دربراه او می‌گوید: «معلم‌فعلی امیرکبیر که دوسالی‌است به امیرکبیر آمده، آنقدر شرف و وجدان مذهبی داشت که به من تلفظ کرد و گفت که اگر راضی نشاید در امیرکبیر بماند، بالاخره از سمت خود استعفا خواهد داد.» (صص ۳۸۰ تا اول‌جلد)

امری که به کرات من شاهد و ناظر آن بودم. در سال‌های نخستین مصافحه امیرکبیر، یکی از خوشامان امر کتاب و کتابت، نیاز به یک دوره، فرهنگ معین داشت و شرط خریدار از ضایات جعفری بیان داشت و از آنجا که به جعفری دسترس نمی‌یافت، به چندین برابر قیمت، یک دوره چاپ اول آن را از بازار سیاه اتباعی کرد تا دچار شک و شبهه نباشد.

خاطرات جعفری، دایرةالمعارفی است از کتاب‌هایی چاپ شده از سوی ناشرانی که طی هفت، هشت دهه گذشته در کشور فعال بوده‌اند و از ارتباط خانوادگی آنان می‌گوید. از خانواده‌های علمی، ترقی‌فره‌مند و دهها فرد و خانواده دیگر که هر یک در چگونگی تکمیل و تکوین صنعت نشر امروزین کشور، نقش داشته‌اند.

جعفری به ما می‌گوید، پایداری و استقامت و خویابوری یعنی چه و چگونگی غلبه بر نامیدی و یأس و همچنین توکل به خدا را به ما می‌نماید و به عمارت بهتر مصداق باره در ریح کجغ مسیر نمی‌شود است و پایان هر شب سه بار روشناسی می‌داند و می‌بیند و راز موفقیت او نیز همین است.

جعفری زاده ریح است و کجغ آشکار او، چاپ هرازان کتابی قریب به چهار دهه است. امری که در روزگار ما هم دست نیافتنی جلوه می‌کند.

بزرگ اهل خرد

او غربت و بیگانگی با کتاب در نزد مردم مارا در آن سال‌ها به رشته تحریر می‌کشد و امروز ما درمی‌یابیم به‌رغم این همه حمایت آشکار و پنهان از نشر و کتابت در روزگار ما، او چه کارگر سرگری را در آن سال‌ها، با آن جمعیت و مردم اهل کتاب و سواد، به منصه ظهور رساند و امیرکبیر جعفری چه غشی در کتابخوانی مردم داشت و داد.

خواندن خاطرات جعفری، برای تمامی «اهالی کتاب و کتابت» به یقین ممتنع خواهد بود و هر که در این وادی است، چنانچه آن را به غفلت نهد، به یقین از عمری تجره و استقامت بی بهره خواهد ماند.

و در پایان تذکرو نکته:

اول: به‌رغم تمامی دقت‌ها و اعمال سلیقه‌ها، چرا برخی اغلاط مطبعی و ویرایشی در آن راه یافته است؟ پرزوسر، پرزوسر صص ۳۷۲ و ۳۷۵ و ویرگاری و پرگزار، صص ۳۳۲ تا ۳۳۵. شماها صص ۸۳۵ و ۸۳۵ تصحیف حساب صص ۸۱۵ گوشالو و گوشالو و گوشت آلود صص ۶۶۲ تا ۶۶۴ و سرانجام ثبت نام جعفر جعفری بنام عباس شهری در صفحه ۸۹۲.

دوم: شایهت زندگی یک نسل و قریبه بسیاری بر عبدالرحیم جعفری و جعفر طبعی نام‌مفرد هر دو کردی است. هر دو فرزند طلاق هستند. مادر هر دو در مشهد منطلق می‌شوند و هر دو جوانمرد و ناگام از دنیا می‌روند. هر دو زندگی را در عین فقر و فلاکت - و در عین معانت طبع و سرنویدی- شروع می‌کنند. هر دو سخت‌کوش و لایه‌دواند و فر‌اعز قرن حاضر، در سنین طفولیت به کار و تلاش می‌پردازند. تحصیلات را در همان سال‌های اولیه تحصیل رها می‌سازند و نیمه‌کاره می‌گذارند.

شهری شکر طبع او را به روان مادرش قدیم می‌نارد و جعفری نیز بقام‌مفرد را با تقدیم کتاب گرمی می‌نارد. هر دوی آنان زندگی را از زیر صفر آغاز می‌کنند و با کاذبین و عرف جبین آن را می‌سازند. مادر هر دو، مصداق عین بی‌ثباتی و بی‌وفایی است؛ ظواهری که همه چیز را در طبق اعلاص می‌نهد تا فرزند سر سامان یابد. شهری در شکر طبع از او سینه‌چگیری جواب؛ توسط مادرش می‌گوید جعفری از دوک و یخ و قرقه و کاری که شب و روز نمی‌شناخت و عجیب‌تر از آن است. و نویسنده شدن هر دوی آنان است.

شهری همواره از جعفری به نیکی یاد می‌کرد، جعفری هم به همین گونه و آن وقت که آب‌گودال را یافت شهری نویسنده شد و جعفری نشر و شکر طبع برای آخرین بار در امیرکبیر به چاپ رسید و شکل اول اثر جلوه‌نده شهری «تقدیم» که بعدها توسط یکی از شاگردان جعفری، لیما آراسری، در معین به چاپ رسید و آن کار ناتمام، سرانجام در مکتب امیرکبیر و جعفری سامان یافت.

امروز عبدالرحیم جعفری، به‌رغم ربع قرن دوری اجباری از نشر و کتابت، در نهمین دهه عمر، همچنان امیدوار به کار و تلاش است و هرگز از خستگی و ناامیدی نمی‌گوید و این رسم مردان خوش‌ساخته در روزگار ماست. امری که اگر غریب و بعید نباشد، به یقین کمیاب و نادر است.

جعفری ابزار گاهل خرده‌اش است و به‌رغم گذشت ربع قرن گوشه‌نشینی و عزلت، بزرگداشت او آن هم از سوی یک مؤسسه رسمی و خوشنام مستق از نظام جمهوری اسلامی ایران، بیانگر این است که نام او را همواره به خوشنامی برده‌اند و نباید دیگری است بر این نکته که پایدربزرگ را در زمان حیاتش بزرگ‌داشت و فردا که او خاک شده، او افسوس سزاده و ثابت کرد که این گفته خلافت، مردم ایران حلقه طارخی ندانند و مرده‌پرست هستند.

برپای این رسم خوشایند را به مسؤلان دایرةالمعارف بزرگ اسلامی باید تبریک گفت و چشم به راه بود تا این کار بیا باز هم متادوم یابد. و سرانجام اشک‌های جعفری در این جلسه آبی کسی هست پررسد، چرا این بزرگ، در فراق کتاب اشک ریخت؟

چه کتابی خوانده‌اید؟

مهری بفر: پژوهشگر و منتقد



خاتم بفر شما حین کارهای تألیفی و پژوهشی آیا مطالعات دیگری هم دارید؟

بله تا حد کتابی که در زمینه ادبیات معاصر منتشر می‌شود، پژوهش‌ها و داستان، چه ایرانی و چه خارجی سعی دارم بخوانم.

بهترین کتابی که طی ماه‌های اخیر مطالعه کرده‌اید، چه بود؟

جدیدترین کاری که اخیراً خواند‌ان آن را تمام کرده ام ایچه کسی باور می‌کند، رستم؛ نوشته روح‌انگیز شریفیان بود که از آن خواندم. آمد. فکر می‌کنم این کتاب ارزش این را دارد که حتی راجع به آن نقدی نویسیم. من در واقع با گروه نقد چهارسوی همکاری دارم و یکی از اعضای آنجا هستم که من به همراه آن سرد، خاتم‌ها پایه‌گذار این گروه بودیم. جعفری تا سال تقد داستان و زمان است. گروه نقد چهارسوی گذشته یک کتاب فراهم آورد که هنوز جدید شده‌ غیر از این کتاب، زمان «شال باموه» در یاد لاشایی را در میان زمان‌هایی که سال گذشته خواندم، هم خیلی سنجیده‌ام. این کتاب‌هایی نقد هم کتابت آن را ادبیات بود که خاتم نسترن مومنی به همراه دو خاتم شگر فرام گرفتند و نشر چشمه آن را منتشر کرده بود، که خواندم این کتاب مجموعه‌ای از مقالات درباره زن و ادبیات و نقدهای فمینیستی است که جمع آوری و ترجمه کرده‌اند و یک بخش به عنوان ضمیمه دارد که خیلی خوب است. کتابی است که نشان می‌دهد، گردآوردن کتابش واقعی است موضوع کار کرده‌اند و به فکر کتابسازی نوده‌اند. حالا فکر می‌کنم معروف شدن و نامی شدن از عرصه‌های مختلف اجتماعی به سمت ادبیات و انتشار کتاب گسیل شده است. این موضوع طبیعتاً آسیب‌شناسی‌هایی به همراه می‌آورد که باید جامعه‌شناسان در موردش تحقیق کنند.

در حوزه زمان غیر از «شال باموه» دیگر چه رمانی خوانده‌اید.

غیر از کتاب ایچه کسی باور می‌کند، رستم؛ لاشایی؛ هیچ کتاب دیگری نظم را نگرفت. در «اشای» که می‌تونه فهرست کتاب‌هایی را که خواندم ام بگیریم، مثلاً آذاری مثل «آدم‌خان عالی» سینه‌ش از شیوا ارسطویی را خواندم. کتاب آبی ماوراء بهار از منادی پور را خواندم. ام، ویران می‌آی» از سنایور را خواندم.

آیا «شال باموه» به دلیل نوستالژی نسل گذشته و با فضای سیاسی‌اش شما را تحت تأثیر قرار داده است؟

دلیل بسندن من همین چیزهایی بود که شما گفتید و در این زمان است. ولی آن چیزی که مرا تحت تأثیر قرار داده ادیبت متن و نحوه ارائه موضوع بود. آن چه شما گفتید محتواست، ولی این که این محتوا چگونه بیان شود، چیزی بود که خاتم لاشایی به خوبی از عهده‌اش برآمد. طوری که محتوا در انطاق و هماهنگی و نوستالژی کامل با حسات درون متن و نوستالژی مطرح شده، قرار داشت. خیلی آواز نوستالژیک داشتیم؛ در «کافه نادری» هم بوده، این که نوستالژی چگونه بیان شود، خیلی مهم است.

از شکردهای ادیب متن خیلی خوشم آمد. زبان بسیار خوبی داشت و سخن‌هایی که می‌شد، به بهترین شکل گفته شود، در این اثر گفته شد. «تولان» خاتم قریبا **وفی** را هم خوانده‌اید؟ «تولان» خاتم وفی را خریدم. هر چند که «ایده‌مند من» از این نویسنده نماند که بود، ولی ختماً «تولان» را خواهم خواند.



«کشاورزی»

آرش افرازگ

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

«کشاورزی»

ا(س ۵۱۷)دقتاً چنین کاری کرده‌ام. یعنی زنی را دیده که دستش شکسته شده بود، من فقط اثر یک زخم را دیدم و ولی در گزارش به لحظه شکافته شدن دست پرداختم و برای تأثیرگذارتر بودن توصیف خون دست آن زن را بر همه جای اینبار موزاً پاشیدم تا شما آن را بهتر ببینید.من به عنوان یک روزنامه‌نگار باید به واقعیت رنگ بزنم تا شما آن را ببینید.مهاظفرد که اینبار موز را رنگ زده‌ام.

تخیل یا قضا سازی

توضیحات قندی بیشتر داستان گوئی بر اساس واقعیت یا قضا سازی را به ذهن میآورد می‌کند؛ خود معادل انگلیسی action به معنی، افسانه، قصه و داستان است، در فرهنگ روزنامه‌نگاری در آمریکا و انگلستان نوشتن خبر (News) یا گزارش (Report)از یک رویداد را



کاش آقای صدیقی،قاضی زاده من و دیگران با هم کتابی بنویسیم تا هر کدام از منتظری به موضوع تخیل در روزنامه نگاری پرباخته و یکدیگری را کامل کنیم

ماجرا با داستان (story) هم می‌گویند، به همین دلیل، ساختن و پردازش یک خبر یا گزارش، شکل زوای و ماجرا(story)دار.

این داستان (fiction)مورد نظر بحث این کتاب است.

(همان، ص ۳۰)

و می‌افزاید: نام کتاب را تصویر یا تصویرسازی در روزنامه‌نگاری هم می‌شد گذاشت. ولی آه وقت ممکن بود محتضیان فکر کنند کتاب رایج به کدام است.

داستان‌گوئی و قضا سازی هم کتاب را به دایه دیگر می‌برد.

البته در هر کار نویی‌حی‌ی بحث فراوان است و قطعاً این را کاش می‌شود دارد، بخصوص که این موضوع ممکن است محققان زیادی هم داشته باشد و سر و صدا کند.

عین و ذهن

«تفاوت دو مکتب اصلی روزنامه نگاری یعنی

روزنامه نگاری فرانسه و روزنامه نگاری انگلیسی».

آمریکایی در نوع نگاه به موضوع های خبری است.

نوشتن رویداد خبری یا گزارش در قالب داستان (story) و توصیف و تصویرسازی رکن اصلی روزنامه نگاری (فرانسوی است. اصلی که تخیل جعه جعلی و بیخا

(خبرشدهی) روزنامه نگاران ارای آن را از فرانسویان او مستخدم و در ایران آموزش داده(داده، همان، ص ۳۰)

یا توجه به اینکه قبل از انقلاب ما بیشتر متشکل به مکتب توصیفی فرانسوی بودیم باید پرسید، چرا بعد از

دیدار با حسین قندی، روزنامه نگار نویسنده

تخیل؛ رنگین کردن واقعیت

اگر «تخیل در روزنامه نگاری...» حتی یک درصد از روزنامه نگاران جوان ما را اادار به بیگیری این سبک نگارشی کند، من به مقصود خود رسیده‌ام

انقلاب عصرانه به عینی گرایی پرداخته؟
قندی اینکه بنی‌بنی پاسخ می‌گوید:به چند دلیل اول اینکه بعد از انقلاب، خیلی از روزنامه نگاران به دلایل مختلف کار نکردند. و بنابراین خرمه در اختیار کسانی قرار گرفت که در عمل فقط روزنامه نگاری عینی گرا را امواخته بودند؛ دوم، بعد از انقلاب متأسفانه تا سال‌ها در رشته روزنامه نگاری و کلاژ و تصاویر و عیلاق مناد وجود نداشت. جایی برای آموزش جوانان و عیلاق مناد وجود نداشت. بعد از بازگشایی این رشته هم تا مدتی، کسانی به تدریس پرداختند که اصلاً کار روزنامه نگاری نگروه بودند و تنها منبع آشنایی آنها در تدریس، تئوری هایشان بود.

وضعیت امروز

قندی که با وجود جهود، همیشه خنداناش دل بسیار

پوی از وضعیت، رشته خود یاد داده، می‌دهد:مدتی که

گذشت از آقایان قزاقی،قاضی زاده و من صورت شده که تدریس کنیم اول که شروع کردیم، حتی یک مثال هم نمی‌نوشتیم برنیم، یعنی نمی‌نوشتیم بگیریم بپسند این کار را بخوانید تا بفهمید چه می‌گویی. روزنامه‌ها حتی

یک مطلب هم به شیوه ما نمی‌نوشتند. امروز هم که آقای قزاقی به دلیل بدرفتاری سوزنیت ریاست دانشکده علوم اجتماعی علامه و من و آقای قاضی زاده به دلایل دیگر تدریس نمی‌کنیم، وضع دانشکاهها به گونه ای شده

که اگر در همه گروههای روزنامه نگاری نگردد، بیشتر از سه، چهار روزنامه نگاری که کار روزنامه نگاری کرده باشند پیدا نمی‌کنند ما هفته همین سه چهار استاد هم

با این سبک آشنا نیستند. این تازه وضعیت امروز ما است و وفادای بدتری در انتظار ما خواهد بود، چون دانشجوی

فراغ تحصیل فردا اصلاً با موضوع ما آشنا شده، بعد می‌خواهد تدریس هم بکنند که خوب باشد. عجم

از قندی می‌پرسیم، به هر حال شما چند دوره درس داده‌اید، نه تنها شما که آقای قزاقی و قاضی زاده و هم

درس داده‌اند، پس چرا به بچه‌های همان دوره‌ها این

مباحث را انتقال ندادید؟

می‌گوید: ما انتقال دادیم، ولی برای تأثیر مگهی باید در کارنامه استمرار وجود می‌داشت.مدت مین در طول دوره

سیاسی فقط دو واحد درس داشتیم وادر نهایت ۱۰ واحد،

عصب جطر می‌شود، این بود. واحد، ما حتی کار نمی‌کردیم

و دانشجو صبح کار این کار یک استمرار چندساله نمی‌خواهد.

قندی می‌افزاید: شما اگر کارنامه من و همکارانم را در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ما دیده باشید متوجه می‌شوید که استمرار چه تأثیری می‌تواند

باشد. البته همین روزنامه خرد حدوده نظر از اعضایش مربوط به یک دوره مرکز است که من، آقای صدیقی، قاضی زاده و... به آنها درس دادیم.

راهی دیگر

استاد روزنامه نگاری با وجود تمام مشکلات، همچنان می‌خواهد تأثیر خود را بر نسل بعد نگارد. او چند ماه پیش به گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه علامه، درس مسیاتی خلیل ارائه کرده است. او می‌گوید: بعد از اینکه آقای قزاقی ریاست دانشکده

رای پذیرفتند، واحد درس را با نام ادبیات و روزنامه نگاری و برمیانی تخیل پیشنهاد کردم، چون مطلب یکی از مباحث اصلی مورد توجه در روزنامه نگاری ادبیات است.

قندی برای توضیح صحبت هایش به پایگاههای اینترنتی اشاره می‌کند که در این مبحث پرباخته اند و می‌گوید: در حلال تحقیقات ملی «تخیل».

سایت های بسیاری را از جمله Email:info@peshveghesh.apem.edu

در روزنامه نگاری می‌پردازند. آنها به نویسندگانی چون فکار، مومام، مازکورد، آرشه و... می‌کنند که وقتی روزنامه نگار بودند تا به این مسئله تأثیر ادبیات و روزنامه نگاری را

نشان دهند. علاوه بر این، رساله درسی تحت عنوان Literature and Journalism تدریس می‌شود که به مباحثی

چون دکار روزنامه نگاری چه تأثیری بر نویسندگان

ادبیات داستانی داشته است؟ «تخیل روزنامه نگاری در ادبیات داستانی چگونه است؟» «چه چیزی ایستاد و

تخیل را از روزنامه نگاری متمایز می‌کند. و... می‌پردازد. در کتاب هفته پیش از این می‌توان به موضوع های

مطرح در این واحد درسی اشاره کرد. بنابراین به تلاش اصلی قندی، یعنی کتاب «تخیل در روزنامه نگاری، می‌پردازم. او می‌گوید: می‌خواستم موضوع تخیل در

روزنامه نگاری یک متن مکتوب باشد و امپدوار بود که روی آن بحث و جدل شود؛ اما خیلی کم است

امروز خیلی‌ها این موضوع را قبول ندارند باشند و از کتاب اتفاق‌گندگی می‌گمان می‌کنم که این موضوع مقبول خواهد افتاد.

چند نکته

یکی از کمبودهای کتاب شاید نداشتن منبع و مآخذ به اندازه کافی است. قندی می‌گوید: وقت نشتد. مابرای

این کتاب جالب است. من اول کتاب را به ناشری دادم که همه کارهایش هم انجام شد ولی با تغییر مدیریت

کتاب در انتظار ماند و من چون می‌خواستم سریع منتشر شود آن را به ناشر دیگری دادم، البته قبول دارم که باید

بیشتر از اینها ماخذ معرفی می‌کردم، اما فکر می‌کنم اگر کسی علاقه مند باشد به راحتی می‌تواند جست‌وجو در اینترنت دهها مقاله درباره این موضوع پیدا کند.

استاد سرپرستی دلیل دیگری هم دارد: من با وجود

کنک گزارش از دستاورد و مزایای کشور و جست‌وجو در اینترنت هیچ کتابی را که بازنگشته، عقین تخیل در

روزنامه نگاری باشد پیدا نکردم.

یک مشکل دیگر هم به نظر می‌رسد: در بخش سوم و چهارم که کُشش گزارش و یک سفرنامه را در خود

نگه‌اندازد است. قندی به صورت منظم و علمی به توضیح

گزارش‌ها نیز داده است. خیلی طولانی می‌شد. حجم

کتاب برای من مهم بود. کتاب روزنامه نگاری نویسن ۴۰۰

صفحه ای است و باینکه به چاپ رسیده خریدش

برای دانشجو دشوار است. به همین دلیل کتاب یکم

حجم می‌ماند. در ضمن می‌توان مطالعه‌های دوم و سوم

هم برای تکمیل کتاب در نظر گرفت.

شاید حرف آخر

قندی یک از روزه هم دارد: او می‌خواهد استناداتی که

از نسل روزنامه نگاران تفصیلاً و بصورت پرریز باقی مستند

در کنار هم کشی در این باره بنویسد، اما قول نداشته

شده است. کاش آقای صدیقی،قاضی زاده، من و دیگران

با هم کتابی بنویسیم تا هر کدام از منتظر به این موضوع

پرداخته و یکدیگر را کامل کنیم. من باور دارم که اگر

اینگونه نوشتن در روزنامه های ما جا بیفتد وضعیت

روزنامه نگاری را اینگونه باقی نخواهد ماند.

موهای قندی دیگر چون گندمی هم نیست. به

سفیدی می‌زند. معظوظ طرفیب چهوه این دارد و پرترنگ

می‌شود. اما هنوز می‌خندد و امیدش با پیرجاست او در

آخرین مصاحبه من به ما می‌گوید: اگر تخیل در

روزنامه نگاری...» بنویاند. حتی یک درصد از

روزنامه نگاران جوان ما را وارد این پیگیری این سبک

نگارشی کند، من به آن چیزی که باید رسیده‌ام»

بی‌نوشته:

۱- «پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران»، سال ۸ شماره ۱۲۳۶، ص ۸۷۲.

۲- تخیل در روزنامه نگاری، کُشش گزارش و یک

سفرنامه، حسین قندی، مرکز مطالعات و تحقیقات

رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ۶۰ ص ۱۲۳.

منظور دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه

طباطبایی است. اگر به قندی در دانشکده رابطی بین الملل و

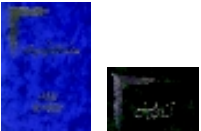
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها مشغول به تدریس است.



درباره عبدالرفیع حقیقت (رفیع) پژوهشگر

۸۵ اثر از یک زندگی مؤثر

ا‌ز نظر کفوی هیچ وقت مغلوب نشده است. بنابراین تحقیق نهفت‌های فکری ایران را هم انجام داده». حقیقت در بین حرف‌هایش چنین‌بار بار تاریخ تحلیلی تأکید می‌کند. و می‌گوید: «تاریخ، دیگر وقایع نگاری نیست و آنچه به نام تاریخ به مردم ایران ارائه می‌دهند، تاریخ نیست؛ تاریخ تحلیلی است که می‌تواند راهگشا باشد». تاریخ را بر چهار دسته تقسیم کرده است: تحلیلی، تحقیری، تحلیری و تحلیلی. حقیقت تاریخ نهفت‌های فکری ایرانیان را مادر تألیفاتش می‌داند که سرچشمه تحقیقات و آثار دیگری شده است. تاریخ هنرهای ملی از مانی تا کمال‌الملک و تاریخ جنبش‌های مذهبی در پنج مجلد شامل زرتشت تا امروز از جمله آثاری است که از دل تاریخ نهفت‌های فکری بیرون آمده‌اند.
نگین سخن از جمله آثار حقیقت است که او در آنها شعرهای رایج‌ه‌فوق خود را شعران ایرانی در گذشته



و معاصر بر کزیده است. نگین سخن قرار است یک مجموعه ۱۲جلدی باشد که تاکنون ۱۱مجلد آن انتشار یافته است.

حقیقت در زمینه شعر علاوه بر این اثر فرهنگ شعران زبان فارسی «رایز» منتشر کرده که قصد دارد آن را تکمیل کند.

همچنین دو مجموعه شعر به نام «ارغنون حقیقت» و «ترانه‌های رفیع»رایز منتشر کرده و جلسات شعرخوانی انجمن آفتاب حقیقت را هم دوشنبه‌ها در دفترش برپا می‌کند. حقیقت به نقل از ایرانیان و فرهنگ ایرانی نیز پرداخته که نقل از ایرانیان در تاریخ تمدن جهان یکی از آثار او در این زمینه است. او اشاره به افتخارات ایران در گذشته می‌گوید: «اما افتخارات جهانی داریم. ۲۸ نفر از دانشمندان درجه اول دنیا از ایران برخاسته‌اند، و حتی اولین انسان بر کره ماه نشست سه هفته آن راه به نام ابویحان و این سیاق و سبب نامگذاری کردند. اما ۲۰۰ سال است که یک نفر ندانیم تا در دایرةالمعارف دنیا

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی

مجید ثرونی



حقیقت ۱۵۲ سالگی

عاشق کتاب بوده

و حالا هم دور و برش

پراکن کتاب است که به گفته خودش

به بیش از ۱۷ هزار جلد می‌رسد

دست تألیف دارد و فرهنگ هنرمندان ایرانی از قدیم‌ترین زمان تا امروز شامل خطاطان، نقاشان، تذهیب‌کاران، موسیقیدانان و… همچنین از او در ۲ هزار صفحه به صورت انجمنی تدوین شده و در حال حروفچینی است. حقیقت از ۱۵ سالگی عاشق کتاب بوده و در جوانی هزار جلد کتاب در کتابخانه‌اش داشته است. حالا دور و برش پراکن کتاب است که به گفته خودش بیش از ۱۰ هزار جلد است. در حال حاضر حقیقت ۷۰ سال دارد و ۸۶ جلد کتاب تألیف کرده است.

کتاب شناسی عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

تاریخ سمنان(رفیع)
تاریخ قوم(تاریخ نهفت‌های ملی ایران (جلد۱)،عقده و روشنگی عمیق ایرانیان به این کهن ملی‌نگین سخن (۱۱جلد)که خلد۱۲در دست نهفته است)،تاریخ نهفت‌های فکری ایرانیان (۱۱جلد)عقلم‌شرق‌الغرب و آثار و آثار و آثار ملامه محمدتقی‌الاعرابی۹چهل مجلسی شیخ عبدالله لاریه سمنانی، جنبش زبده در ایران،تقی‌قام سرداران؛ مجموعه کامل نورالعلوم شیخ ابوالحسن خراسانی؛ آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران، تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری، سلطان‌الاعرابین یارید، بسطامی دیوان کامل شیخ علاءالدوله مستنزی، کتاب آفتاب، ایران از دیدگاه ملامه محمدتقی‌الاعرابی، مجموعه کامل قرآنی‌های سعیدی، مجموعه کامل قرآنی‌های بسطامی، فرهنگ شعران ایران (جلد۱)،تجلی تاریخ ایران؛ عرفان و عارفان ایرانی (جلد۱)،تجلی تاریخ ایران؛ عرفان و فلسفه ایرانی، تاریخ نهفت‌های سعیدی در ایران (جلد۱)،حقیقت کج کوشش پنجاه سال دستنی؛ دوزبان ایرانی، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران، نقل ایرانیان در تاریخ تمدن جهان، باسوادان غیر فرهنگ یا روشنگرانیان در ارتباط، تاریخ گمان‌کاران بی‌گناه، پژوهشی پرمون‌ارینام سعیدی کا مولوی و هنرگردانان ایرانی؛ سه‌روزدی، شهید فرهنگ ملی ایران، شهیدان قلم و اندیشه، شناسنامه آثار تاریخی گوشه‌سیر اندیشه عرفان ایران از دیدگاه دیگران بسیار مهم است، بنابراین عرفان بزرگ ایرانی در بنیادی فکر انسانی» را نوشته که در آن اندیشه‌های گویه‌نیمه‌انگلس، آن ماری شیبیل و… منعکس شده است. حقیقت در حال حاضر چند اثر در دست تألیف دارد: «خرافات سبزی در ادبیات فارسی»؛ از آن جمله است که در آن مسائل گسترده‌ای که احرفات فکری آورده و اجتماع را محط کرده و اندیشه‌های آگاهان و بزرگان که در برابر آنها بیان شده، منعکس کرده‌است؛ مثلاً عصیانگری با عبادت خیم در مقال همین خرافات نمونه‌ای از آنهاست. او کتاب «جهان‌مآه‌رث ایرانیان به خارج از کشور» را نیز در حال نگارش دارد. حقیقت، «جهوه واقعی رضا شاه پهلوی» را نیز در

درجه اول باشد. در واقع ۲۰۰سال است که از نظر علمی بیخ زده‌ام و جهانی نبوده‌ام؛ من عاال این ۲۰۰سال عقب‌ماندگی را در کتابی می‌نویسم. ما از قرن دوم تا نهم هجری فکری ۸۰۰سال داشتیم. دره اول داشتیم و به این خاطر کتاب نقل ایرانیان در تاریخ تمدن جهان نوشته‌ام تا جهانیان بدانند که ایران چه خدمتی به دنیا کرده است.»
اعتمادات ایرانیان به اسلام، کتاب دیگر حقیقت است که درباره آن می‌گوید: «خدمات ایرانیان به جهان در درجه اول به اسلام بوده و این خدمات بی‌نهایت است. دستور زبان عربی را فردی ایرانی به نام سبویه نوشته است. بیشتر احادیث اسلام را ایرانیان نوشته‌اند؛ انتقال علوم هم از جنبه‌ی شاپور به بغداد صورت گرفته؛ سال هجری فکری را هرمان، اسیر ایرانی نوشت و تمام دیوان‌های محاسبات اسلامی تا سال ۸۵هجری فکری به خط و زبان فارسی بوده است.»

تاریخ جنبش سرداران از دیگر حقیقت‌است که سال‌ها قبل سربال به یاد ماندنی سرداران با تغییراتی بر اساس آن ساخته شد و از تلویزیون پخش شد. حقیقت درباره سربالان می‌گوید: «از قرن اول تا هشتم، حکومت شیعه در ایران وجود نداشت و سرداران نخستین حکومت شیعه ۱۲امامی در ایران بودند که ضمن تحقیق تاریخ قومس بر آن برخوردیم و بعد قیام سرداران نوشته شد.»

«آزاداندیشی و مردم‌گرایی» و شهیدان قلم و اندیشه؛ دو اثر دیگر حقیقت تاریخ اندیشه در ایران را بیان می‌کند. جلد اول، شهیدان قلم و اندیشه، از زرتشت تا قرنی بزوی را در بر می‌گیرد و از زرتشت به عنوان اولین شهید اندیشه نام می‌برد. حقیقت جلد دوم این کتاب را به شهیدان قلم معاصر اختصاص داده است. حقیقت در کتاب «آزاداندیشی و مردم‌گرایی» سوان‌دخمی مردم سالاری را در ایران بیان می‌کند. عبدالرفیع حقیقت وقتی تاریخ قومس را می‌نویشت، متوجه شد که نسخه منحصربه‌فردی از نورالعلوم شیخ ابوالحسن خراسانی در موزه بریتانیا وجود دارد و پس از مکاتبه با موزه این نسخه را به دست آورد و آن را تصحیح و منتشر کرد. حقیقت از اینجا به تحقیق در حوزه عرفان و عارفان ایرانی پرداخت و پس از آن سلطان‌الاعرابین یارید بسطامی، نخستین عارف اشراقی ایران و تاریخ عرفان و عارفان ایرانی را از زاویه‌ی تائو، طریقه‌ی گنادیای منتشر ساخت. او درباره تحقیقات و آثار عرفانی اش می‌گوید: «در تاریخ عرفان، شرح حال عرفا و آثار ارزنده آنها و عرفان در غروب تمدنهای برپسی شده است. سوانی اولین بار در آن کتاب دو جنبه منفی و مثبت عرفان را بیان کردم. جنبه منفی همان عقاقل نشینی و نکستی است و جنبه مثبت همان عرفان فعال است. مثلاً یارید و ابوالحسن خراسانی زارعت می‌کردند و با عارفان که از قیام کنندگان نهفت سربالان بودند. در ضمن سخنرانی‌هایی هم که در قزوین، اوپه، آمریکا و الجزایر درباره مولانا داشتیم، به این نکته پی بردم که اندیشه‌های عرفان ایران از دیدگاه دیگران بسیار مهم است، بنابراین کتاب «عارفان بزرگ ایرانی در بنیادی فکر انسانی» را نوشتم که در آن اندیشه‌های گویه‌نیمه‌انگلس، آن ماری شیبیل و… منعکس شده است.»

حقیقت در حال حاضر چند اثر در دست تألیف دارد: «خرافات سبزی در ادبیات فارسی»؛ از آن جمله است که در آن مسائل گسترده‌ای که احرفات فکری آورده و اجتماع را محط کرده و اندیشه‌های آگاهان و بزرگان که در برابر آنها بیان شده، منعکس کرده‌است؛ مثلاً عصیانگری با عبادت خیم در مقال همین خرافات نمونه‌ای از آنهاست. او کتاب «جهان‌مآه‌رث ایرانیان به خارج از کشور» را نیز در حال نگارش دارد. حقیقت، «جهوه واقعی رضا شاه پهلوی» را نیز در



یادداشت

مehdi al-arabi

تحصیل کردگان بی سواد



روزی یکی از آشنایان خواهرش کرد که چند ساعت به فرزندش فیزیکی یادبدهم و او را در حل مسائل آن کمک کنم. نزدیک امتحانات بود و او بسیار عصبی (پدرش را می گویم، خودش که اصلاً در این فکرها نبود) با اینکه مدت ها بود از درس و کتاب دور بودم با امانت گرفتن یک کتاب خود را برای روزموجودمانه کردم. بعد از چند بار همگامی

با شاگرد و چندساعته تمام و با توجه به اینکه ایشان وقتشان کاملاً پر بود، بالاخره شش بیست یک مرتبه و من از اینکه می توانستم کمکی بکنم کمی جوخه‌ل شدم. کتاب را باز کردم و در اولین مجلد شروع کردم، کمی که جلورفتم حبابه‌ها و با تکان دادن‌ها و جیره‌شدن به در و دیوار شروع شد. اساساً کردم خسته شده است و از او پرسیدم که آیا مطالب قابل استفاده است یا نه؟ گفت اینها را می‌دانم بهر سالیه حل کن، سراغ مسائل زقیم و آنجا بود که فهمیدم شاگردم بی‌سیاست اطلاعاتی که برای کوفتی در دوره راهنمایی لازم است را هم نمی‌داند. کمی با هم گفتار رفتم و در حالی که من از ناامیدی به مرز صصابت رسیده بودم، او پیش‌دستی کرد و از پشت میز بلند شد و گفت من به یادگرفته بودم که مرا به کتاب‌های تخصصی بفرستد. ولی او سپس بازی کرده و پشت ما را مغرورانه عملیات ریاضی ساده را نامزد در دو سی موقف شروع جتی به دانشگاه راه پدیدام. ما زبانهای نادر سیستم آموزش و تربیتی آموزش هم، همطور، ولی آن چیزی که مرا به فکر درآورد است نگاهش است که دانش آموز به دانش و درس وارد امروز اکتیو فریب به اتفاق دانش آموزان و والدین به موقتیت درسی ورود به دانشگاه چشم دوخته‌اند و هیچکس غم این نادران که آن چیزی که تدریس می‌شود فهمیده هم نشود. همین که ترفتی با استفاده از قواعد ساده از چهار گزینه یک انتخاب درست داشته باشی، کافی است. هر گونه زمان با مکتبی فقط باید در این راستا هزینه نمود و غیر از این نقطه زدن به آینده دانش آموز خواهد بود. به دانشگاه هم چندان نمی‌توان گذشت. چون آنجا هم باید بازی یک امتحان چهارگزینه‌ای دیگر انجام شده. حاصل آن یک نود و نوسه تحصیل کردگان بی سواد است که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و ملنگار فرست‌های شفاهی و اطلاعاتی که در تالی انجامش دارند و اگر هم به کاری جنبش تولید فرآور درسی و مدرسی که اخذ کرده‌اند، نخواهد بود.

این تنها مشکل کشور ما نیست و کشورهای پیشرفته هم با چنین مشکلی روبه‌رو هستند. البته مشکل آنها ربطی به سیستم سخت آموزش آنها ندارد و دلایل دیگری در کار است که باعث پدید آمدن تحصیل کردگان بی‌سواد می‌شود. آنها برای رفع این مشکل تلاش‌های زیادی کرده‌اند، از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، «لابه‌تاب» گرفته تا طرح‌های صرفی کوتاه مدت، یکی از این روش‌ها درگیر کردن دانش آموزان با برنامه‌های علمی و تحقیقاتی است و از این میان رشته‌هایی مانند زیست‌شناسی و مهندسی با نجوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. تحقیقات ساده و معالقات کاربردی و معالقات جسمی در این رشته‌ها باعث می‌شود که دانش آموز با معانی واقعی علم آشنا شود و تأثیر آن را در زندگی روزمره خود مشاهده‌اند. شاید کمترین سنسورده چنین کارهایی حساسیت آنها به محیط زیستشان باشد که آن را در کشورمان نمی‌بینیم.

در سال‌هایی به چندان دور به این مسأله در کشورمان هم اهمیت داده می‌شد و در کنار دروس اصلی، درس‌هایی که فقط باعث افزایش دانش عمومی فرد می‌شد، وجود داشت. برای مثال در دهه پنجاه و در نظام قدیم آموزشی در سال پنجم ریاضی کتابی تدریس می‌شد به نام هیت که پس از تغییر نظام آموزشی از زمانه درسی حذف شد.

سال‌ها بعد در نظمی که برای چندین بار تغییر کرده بود کتابی تهیه شده به نام آشنایی با نجوم که به عنوان یک درس انتخابی در دبیرستان‌ها عرضه شد ولی در ظرف کمتر از یک سال به فراموشی سپرده شد و دیگر کسی سراغ آن را نگرفت. ماجرای این کتاب و درس منحصر به فرد نیست و با یک نگاه به دوران گذشته نمونه‌های زیادی را می‌توان به عنوان شاهد مطرح کرد. استقبال دانش آموزان و مسئولان آموزشی از چنین برنامه‌هایی به نگاه برنامه‌ریزان کلان و مسئولان ارشد آموزش وابسته است. اگر آنها اهمیت چنین آموزش‌هایی را درک کنند به طور خودکار نظیر رده‌های پیشتر از خود را جلب خواهند کرد و آنها را به این سمت خواهند کشید. در غیر این صورت دیدن چنین پدیده‌هایی عجیب نیست.

اگر امروز (دروغ یا راست) بعضی به دنبال خرید و فروش سوالات امتحان‌های مختلف هستند، به غیر از عوامل اجتماعی دیگر باید دنبال ریزدای ناگامی علم‌گریزی دانش آموزان باشیم. اینکه فقط از کمبود کتابهای علمی عامه فهم حرف بزنیم و از رواج حرفه و علم شک به نالیتم کاری است بی‌بوده؛ باید دید که چه عواملی باعث می‌شوند که تقریباً هیچ کتاب کمک آموزشی که مفاهیم علمی را آموزش دهد وجود نداشته باشد و در عوض هزاران عنوان کتاب علم و تجرب و روش‌های سنت‌زنی در هر سال منتشر و فروخته می‌شوند.

باید دید که آیا وقتی درس هفت از برنامه درسی حذف شد چیزی شبیه به آن جایگزین شد یا نه و اگر آشنایی با نجوم، شروع نشده، شکست خورده علت آن چیست؟ من از اینکه وقت آن دوست جوان را بخیورده تلف کردم، متأسفم ولی تأسفم هم برای وقت او بلکه برای آینده‌ای است. آینده‌ای که او می‌خواهد بسازد.

فیوچر نام انشائاری است که در سال ۱۹۷۰ توسط استیون کورن و ژاک استراس تأسیس شده است. حوزه فعالیت این ناشر شامل رشته‌های مختلف پزشکی مثل نورولوژی، بیماری‌های داخلی و جراحی است و عمده تولیدات این ناشر درباره قلب و عروق و بیماری‌های آن است.

فیوچرا حدود دو سال پیش به انتشارات بلک ول ملحق شد. بلک ول که یک ناشر معتبر علمی است در کشورهای آمریکا، انگلیس، دانمارک، استرالیا، آلمان و فرانسه شعبه دارد. این ناشر در حال حاضر بیش از ۷۰۰ عنوان ژورنال تخصصی را با همکاری ۵۵۰ مؤسسه علمی تحقیقاتی منتشر می‌کند و فقط در سال گذشته چاپ بیش از ۶۰۰ کتاب درسی و مرجع علمی و دانشگاهی را در کارنامه کاری خود داشته است.

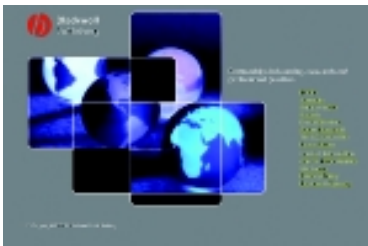
در حقیقت بلک ول با پذیرش فیوچرا موفق شده که بخش پزشکی انتشارات خود را به نحو قابل توجهی مطرح کند چرا که بسیاری کتاب‌ها و ژورنال‌های تخصصی قلب و بیماری‌های مرتبط با آن به نام بلک ول فیوچرا وارد بازار می‌شوند و از طرفی هم فیوچرا از امکانات گسترده مثل نماینگاههای کتاب و کتاب فروشهای online و انتشارات بزرگتری مثل بلک‌ول استفاده می‌کند تا بتواند آثار خود را در سطح وسیع تری معرفی کند. پس یک ارتباط کاملاً دو طرفه به وجود آمده و فرصت‌های ویژه‌ای را برای هر کدام از آنها فراهم کرده است که به نظر می‌رسد هر دو ناشر از آن راضی هستند چرا که در یک مصاحبه مطبوعاتی نظرانشان را چنین اعلام کرده‌اند:

ناجیل بلک ول (رئیس انتشارات بلک‌ول) «امیدواریم با همکاری فیوچرا و به وسیله یک برنامه‌ریزی دقیق روز به روز به اهداف انتشارات نزدیک‌تر شویم».

یا ناشران

مehdi al-arabi

ناشر تخصصی پزشکی



ژاک استراس (رئیس‌انگاداران فیوچرا)

«ما ۳۰ سال است که بصورت تخصصی در زمینه نشر اطلاعات پزشکی فعالیت می‌کنیم و مسلماً با همکاری می‌توانیم ادامه راهمان را بهتر طی کنیم»

استیون کورن (رئیس انتشارات فیوچرا) «همکاران ما از جمله پزشکان، سازمان‌های پزشکی و انجمن‌های علمی و پژوهشی پزشکی کلید موفقیت ما در ۳۰ سال گذشته بوده‌اند. هدف ما در این سال‌ها همواره نشر اطلاعات به روز پزشکی بود که امیدواریم با کمک بلک‌ول آنرا با موفقیت بیشتری انجام دهیم».

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

در بخش کتاب‌های مربوط به فیوچرا در این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، اکوکاردیوگرافی، الکتروفیزیولوژی، بیماری‌های

قلب کودکان و کاربوئوزی هسته‌ای، با کلیک بر روی هر کدام از این موضوعات فهرستی از کتاب‌های مرتبط با آن به شما معرفی می‌شود که تمام اطلاعات از قیمت، تعداد صفحات و نام نویسنده و چند پاراگراف از آن را نیز می‌توانید ببخواید.

در ضمن این ناشر در بخش رسانه‌های الکترونیکی (مادیا) نیز بسیار فعال است. در بخش Multimedia می‌توانید این نمونه از تولیدات ناشر آشنا شوید. مثلاً یک نرم افزار، محتوی دوره کامل از صداهای قلب با یک CD اصلی پزشکی شامل بیماری‌های قلب و عروق، بیماری‌های داخلی، نوروزها و بیماری‌های

ریوی. پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

این سایت موضوعات زیر قابل مشاهده‌اند: این کاربوئوزی (دانش قلب شناسی)، تماس گیرباید.

پس از این شرکت، طبیعی است که فهرست محصولات فیوچرا را در وب سایت بلک‌ول www.Blackwellpublishing.com ببینید.

گنجینه‌های کم شده در گذر زمان

تربیا پاپرتو ثابت

تک سخنرانی گرانبها

از این دانشمند حدود هشت کتاب در زمینه ریاضیات به جامانده است که هر کدام از آنها در نوع خود بی‌نظیر است. شهرت این آثار بیشتر به سبب مقالات پیشرفته‌ای است که در آنها تهیه کار گرفته است. کتاب‌های المنازل السبع، «کتاب فی ما يحتاج الصانع من اعمال الهندسة» که شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده است، همچنین رساله‌ای در باب عدد الورق فی المربعات... و بالاخره رساله کمبات اوبه نام «جمع الارباع المکعبات» سبک و سیاق این رساله کوتاه علمی بسیار جذاب است و نسبت به بقیه کتاب‌های بوزجانی کمتر شناخته شده است. این نسخه از دانشمند نخست در هندوستان و کتابخانه سلطنتی تیموری نگهداری می‌شد. این‌گاه به مدرسه فاضلیه آمد و سپس به شکل کنونی به مجموعه نسخ خطی آستان قدس ری بویست.

ما تا به حال تنها به همین یک نسخه از کتاب «جمع الارباع المکعبات» برخورد کرده‌ایم که در برگ و جزو مجموعه‌ای شامل

ابوالوفا محدثین بجمی بن اسماعیل بن عباس بوزجانی نیشابوری که مورخان معرب زمین او را «ابوالوفا» و گاهی نیز «الووزجانی» می‌نامند، ریاضیدان و منجم معروف ایران و از بزرگترین ریاضیدانان دوره اسلامی است. (۳۸۸-۳۲۸ هجری).

بوزجانی، علم عدد و هندسه را زده‌عمو و دای خود اومت، وی در بیست سالگی به بغداد مهاجرت کرد و تا پایان عمر در همانجا زندگی کرد. تاریخ درگذشت این دانشمند بزرگ به‌درستی معلوم نیست. اما طبق گفته قطعی، وی در سوم ماه رجب سال ۳۸۸ هجری درگذشت است. ابوالوفا هم‌دوره ابویرحان بیرونی بوده و در بسیاری از مسائل علمی با وی مکاتبه داشته است. وی بدون تردید یکی از مشهورترین ریاضیدانان و منجمان زمان خود بوده است؛ به طوری که سه قرن پس از بوزجانی، ابن شکان، در کتاب مشاهیر خود از ابوالوفا به‌عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان در علم هندسه نام برده است.



روی شما و وجود خود را یاد ببر
خرمن سوخکان را همه گری یاد ببر
ما چو دایم دل و دیده به دیده بلا
گویا بیل هم و خانه ز بنیاد ببر

ادیب پیشاوری: سید احمد

رزوی معروف به ادیب هندی. یک شخصیت بزرگ فرهنگی

در نیمه دوم سده سیزده و نیمه اول سده چهارده هجری قمری.

و همین نام، من و دوستم اسماعیل اسیلی را کشاند به

لجنم آتاز و مفاخر فرهنگی سرآبل امیر مهاجر. همان خانه قدیمی امیر بهادر، در یک عصر تقریباً گرام اواخر خردادماه و آن امیر بعد از گذر از خیابان‌های شلوغ و سرسام‌آور و بزرگنواران سالان لجنم تقریباً بر بود. و هر یک از سخنران‌ها از دیدگاهی درباره او به گفت وگو پرداختند. و اگرچه توقع حضور بیشتر دانشم از اهالی قلم و تحقیق و دبلیوردگان آزادی، دفاعی برای گریز از گرمای سالان آمدم به روی تراس ساختمان مشرف به حیاط. و همانجا مجال آشنایی با مرفد قریب‌افه‌اند ساله‌ای متین، یکی از قدیمی‌ترین صحافتان امروز ما در عرصه نشر، با چهروای دانشتین.

کتابی آرام و دلفزایر با رفتار، و سر صحبت درباره صحافتی باشد که این فن در فرهنگ ما یک هنر بوده. فراهم از روزمرگی و تاریخ مصرف‌های

روزگار. جنبان متین از سابقه دوستی‌اش با دکتر محقق گفت که در جوانی به تحصیل علوم دینی در تهران مشغول بوده‌اند. و دکتر محقق به تحصیل ادامه می‌دهد. و او به کار می‌پردازد و حالا فرزندانش، ادامه دهندگان کار او. و یکی از پسران، شهاب، که پارسل در جور می‌خامان نشر او تقبل شد. و صاحب این قلم سید میرزا ام حلیجی بود. به روی صحنه. یادآوری می‌کنم که سال گذشته شهاب متین به همراه گروهی از هنرمندان عرصه صنایع دستی ایران، پاریس رفتند. و مهم و دعوت صادق خزازی، سفیر ایران، که سخت‌کوش است و دفعه‌های جدی سفر کرده‌اند در آن دیار. و بزرگان عرصه هنر و بازیافت‌کنندگان در آن سامان، توجه بسیاری کرده‌اند به اثر شهاب متین. و شوپنها و تفکرهای، و من در همان حال فکر می‌کردم، که بر و بچه‌های ما، چه می‌کشند از دست این رسانه‌های گوناگون جهانی که آنها را احاطه کرده‌اند. سیدما و معاویه و فتویوزین و اینترنت و این جور چیزها. که فکر می‌کنند هرمند و آدم بزرگ یعنی همان سوره‌های روی جلد مجله‌ها و



یادداشت

رامتین هوسینی

سرگازر
Sohil_mahmoud@yahoo.com
عین محوری

بی مزد بود و منت

نشريات زياد، هم در اين ديار، و هم در هر كجاي ديگر، و اينكه تعريف ما از آدم بزرگ و هنرمند بزرگ، چهار خنده‌شده به سطح رسیده‌ایم. بر روی پسته می‌نغزیم، که آن ادا و اطراهای پسته‌بند درتا آدم روی جلد این نشريات زياد كجا، و اين سازندگان جدی فرهنگ كجا، متر و گز و معیار را که باید به دست جامعه بدهد؟ یکی باقاشی و خط، و یکی با سینما و تئاتر و ادبیات، با رادیو و فتویوزین، و یکی هم مثل من، با برنامه‌های دانشگاهی رادیو پیام، و همین سر گذار و برنامه با کاروان شعر و موسیقی، این خوب است. اما بس نیست، دیگران هم هر چه می‌کنند، ارزنده است. دستشان درد نکند، اما چقدر توان ارائه افکار و فکر و معیار جدي خود ما، یا خوب ما مست؟ که در عرصهٔ تشخیص‌ها و تشخیص‌های فردی، صحت دیاربزرگ‌ایم، و رسانه‌های جهانی هم، فقط آرستند و فرتالیست به رخ ما می‌کشند. آن هم در این ایام و ژانلی، که کشور پرترغاب در سابقه‌های روز ۲۰۰۴، نقطه لغت و علم است. و محل عشوه و عرضه ذرایی انواع و اقسام مردان مسلح چمن سبز، و حالا، این ماییم و همین توان ما، برای ارائه گز و اندازه و معیارهای خود، و درباره هنرمند بزرگ، انسان بزرگ، و دفعه‌ها و دانشمونی‌های بزرگ، به قول آن متفکر بزرگ، در آخرین مصاحبه‌اش که آن هم پس از مرگش چاپ شده- فقط خطایی ما در نجات انسان کمک کند.

با دوست بسیار تلاش و کم دیدار، محمدرضا ظاهری «حسرت» فراری گذاشته بودیم. در همین کتاب، معیار، که با آنکه سال‌هاست یک‌دیگر را می‌شناسیم، کمتر شناسیم و آنگی و درد دلی، و من به تلاش یکپار سال‌های سال او می‌اندیشیم. و امان او، که او نشسته و هفت نظیم احمد امین رازی را تصحیحی بسامان کرده، و دیوان نظیری تیشاوری را و دیوان‌نظرانی را، و تیرتیب بخشیدن به دیوان‌شادروان جوواد افرا را می‌خواهد شروع کند. و کارهای دیگر، آدم‌های مثل او، انسان که پیشینان، خادمان می‌بود و منت فرهنگ و انلیشه ما، که سال‌ها خون دل خوردن و نسخته و دست آوردن و تطبیق و تصحیح و مقابله و اینچور کارها، جوانی‌شان را با خود برده است. می‌اندیشد قول تالم و پارت‌تالم و فرصت مطالعاتی و حق التدریس و حق الزحمه و... یعنی حتی از کمترین پشتوانه‌ای هم که یک استاد بزرگوار شایسته در جایگاهی آکادمیک دارد، بی‌بهره بودن. من از این دست دستا، بسیار دارم. همین الان بدون هر گونه تأمل و لیست دادن و اینچور کارها، از برخی‌شان می‌توانم به سرعت یاد کنم. استاد محمد فهیمان، با آن تصحیح‌های جداگانه‌اش، از دیوان صحاب و دیگرانی از سده پانزده و پانزده هجری قمری، با استاد محمد گلین، یا جناب مهدی صدری کاشانی، که دیوان

کلیمش در دسترس است. با استاد ما جناب کریم زمانی، با شرح جامع شتوی معنوی، که بالاخره به پایان رسید. و چه گنجینه بازشی است، و فرید فاسمی، با آن سال‌های جوانی که گذاشته برای آشنایی ما با کتاب و مطبوعات و لرستان. او حسانی‌الان تاراضی است از صاحب این قلم که در کتاب هفته از او یاد می‌کند. و من این حق‌گزاری را وظیفه خود می‌دانم، و توخام گذاشت که او اعمال نظر کند. و این سطرها را از سر تواضع و قلندری، حذف کند. که تا موعظی که سر گذار هست، اختیار این حرف‌ها ما خود است. از شیخ رسول جعفریان، با آن کارهای جدی‌اش درباره تاریخ اسلام، که یک بار به مسامت صحف‌ری‌شان در محج، در همین سفر گذر، از او یاد کرده‌ام) و استاد عبدالرحمد آیتلی، با آن تلاش‌های شبانه‌روزی در تحقیق و ترجمه، و حضرت به‌الدین خوشمهری، که گل سرسید بسیاری از اهل تحقیق در قرآن پژوهی و حافظ پژوهی و کارهای جدی دیگر است. بخش مهمی از فرهنگسازان بزرگ ما در این نگاه‌های سبزه تکنولوژی بی‌رحم رسانه‌ای جهان صحاب، در همین بزرگوارانتد، باز هم بگویید؟ احمد مزوی، عبدالحسن حازری، منوچهر صدری (شهاب) جناب صدری افشار، در گذشتگان این قوم و نثار هم که سپارند، استاد دانش پژوه، استاد مدرس رزوی، استاد سهیلی خواتساری، استاد گلچین معانی، و...

اینها، غمرو جوانی و بینایی و صلابت و توان خود را بر ترویج فرهنگی گذاشته‌اند که خود باید، در تهران آن بوده‌اند. بی هر گونه چشمداشتی، و حتی بی توجه به کافی، به عنوان مدرک، ملاً که از فوق لیسانس است، دکتر است. دانشیار است، استاد ممتاز است، معنی فقط عشق است و علاقه و ارادت، و فکر نکنیم که آدم‌هایی با این استعداد از عهد، کارهای دیگر برنی‌آمده‌اند. که با این هوش و قلبیت می‌توانستند، تالیف می‌یافتند، و موعظی و تمایز می‌دادی و دستگیری، و سیاستمداری، کاسی اهل زیربسی، مدوی، زویی، و کیلی و... و حالا چه هندسهٔ عطاظان صادق، و خادمان بی‌بهره و منت،

و چه باید کرد در سبایل و تکریم ایشان؟ و که باید وظیفه بشناسید؟ دیدن این فرهنگ و اهالی این فرهنگ را در این روزگار، نسبت به آنها ادا کنید؟ خیلی‌ها را تا بوده، قدر نداشتیم. رفتند و افسوسی از ناپسایمی، وجدان جامعه را غلب می‌بعد، و ایان نداشتند؛ یاد بزرگی و شان و منزلتشان راستود. هر که در هر کجا اقدام کند، ادای دینی کرده است به فرهنگ این مرز و بوم. غلام همت آن ناگزیم

که کار خیر بی‌زوی و ریا کرد

یا علی مدد

تنهااستاداست که استادمی سازد

و با اینکه موضوع آن محدود به هارمونی قرن نوزدهم است، همچنان از کتاب‌های مهم علوم آهنگسازی برای هنرجویان موسیقی است. چراکه کتاب را نه یک تئورسین بلکه آهنگسازی اخلاق و هوشمند، نوشته و تنها استاد است که استادمی سازده و بنا به یک ضرب‌المثل روسی درمزموقبت را کسان می‌دانند که خود به آن رسیده‌اند. گورساکف در مقدمه این کتاب برای اولین چاپ به زبان روسی می‌نویسد: «من سعی کردم کتاب حالت خودآموز داشته باشد. مثال‌های فراوانی که در کتاب ارائه داده‌ام برای این است که هنرجو بتواند خودش آنها را انجام دهد و زنجیوار پیش برود. شاگردانی که تئوری کمپوزسیون را در سطح تخصصی یاد می‌گیرند باید این دوره را طی هشت ماه طی کنند. شرایط لازم برای این دوره، دانش تئوری پایه موسیقی، شنوایی خوب، دانستن سلفژ، قدرت تشخیص صدا با گوش و تئاتر و پایناوست، اگر آموزش هارمونی را به عنوان یک دوره در تحصیلات عمومی موسیقی در نظر بگیرند این دوره کوتاهتر طی خواهد شد. مترجم کتاب، آقای وارطان ساهاکیان که از معجزترین استادان آموزش کمپوزسیون در دانشگاه‌های ایران است، اضافه می‌کند: «این کتاب برای هنرجویان مقطع لیسانس و فوق لیسانس موسیقی ارشد آهنگسازی می‌تواند مفید باشد. در عورتی که در کتاب آن با علوم موسیقی و تئوزاندگی پیانو آشنا باشند.»

«هارمونی کاربردی» خوش چاپ و چشم‌نواز تهیه شده است.

چهره‌ها و کتاب‌ها

علامه حسن حسن زاده آملی

علامه حسن حسن زاده



آملی عزیزما ۱۳۰۷ در شهر آمل به دنیا آمد. در دوران کودکی قرآن و حروانت و روشن باری و چندباری برهنه‌کار گرفت پس از طی دوران کودکی برای ادامه تحصیل او به علت شیونگی به علوم دینی در حوزه شهر خود مشغول تحصیل شد و در آنجا دروس و کتب دینی را فراگرفت. از جمله این دروس، باید به مفقدها، نصاب العسیان، سیوطی، حاشیه و شرایع و حقن و مطول اشاره کرد. علامه حسن زاده از آن تبحر همت دوران خوشنویسی رایتز یادگار است. و در آن تبحر یافت.

علامه حسن زاده آملی در سال ۱۳۲۹ به تهران آمد و در جلسات درس اصلاح هیئت محمد تقی آملی و آقا سید احمد لوسانی حضور یافت و لمعه و مباحث دروس را در نزد این بزرگواران آموخت. تهران نیز، محضر علمای دیگری از هیئت‌های آشتیانی، مطهری و تهری و شعرانی بهره برد و دروس، مکاتب، کتایه و اشارات شیخ مرتضی انزلی، آیت‌الله اشراقی و علامه حسین زاده آملی پس از مدتی اقامت در تهران تبحر خاصی کسب کرد. علامه حسن زاده آملی در تمام کتاب‌ها، بر فلسفه، عرفان و معارف اسلامی به کسبی سبیده است و بهترین مدرک بر این مدعا، تأالیفات ارزشند ایشان است.

از علامه حسن حسن زاده آملی، تاکنون تألیفات، تحقیقات و توضحات ارزشندی به چاپ رسیده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.
صحیح تنیخ‌الاشارات کتلفردوس اساسیه در سال ۱۳۴۶ با یاد منیاج‌البراهه فی شرح معنی الاخلافت منتشر کرد. تألیف کتاب قرآن و انسان که «البراهه» در سال ۱۳۶۰ به بازار عرضه کرد. کتاب انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، کتاب دیگری بود که از ایشان در سال ۱۳۶۱ توسط انتشارات بنیاد نهج البلاغه چاپ شد. و در همین سال کتاب معرفت نفس توسط مرکز انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد. علامه حسن زاده آملی تنها از راه ۷۰ سال ۲۰ توسط انتشارات پیام، در دسترس علامه بدان قرار داد.

او دیگر آثار علامه حسن زاده آملی باید به صحیح کامل دوره حکمت متعالیه، ملامت‌الاشرا و که در سامان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۰ منتشر کرد. از ایشان همچنین شرح مفروض فصری در سال ۷۵ از طرف شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به بازار آمد و کتاب تهیة القواعد صحاح الدین را نشر قلم لام بیم در سال ۸۱ به چاپ رسانید.

علامه حسن حسن زاده آملی در سوین هاشان چهره‌های ماندگار که در سال ۸۲ برگزار شد در رشته تخصصی فلسفه، عرفان و معارف اسلامی، برگزیده شد.

صاحب امتیاز:

خانان کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجدجامعی

سردبیر: علی اصغر رفشانپور

اوپرف: کارگزار گرانیک

لیتوگرافی و چاپ: ایران‌نیاج

نشانی: خیابان قائم مقام، فرامانی

اول فجر اجام، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۱۳۳۵۰۳۱۳

تلفن: ۸۳۷۵۷۴۴ / ۸۳۷۸۶۵۹

نشانی اینترنتی:

<http://www.ketabehafteh.ir>



فریبون مجلسی مترجم

یک کارآفرین از نام‌های نو و روی دیسکت ریخته. جلا باید به سراغ موسسان ناشر بروم و ببینم کدام‌یک از ناشران این کتاب را برای چاپ انتخاب می‌کند.

این کتاب آخرین اثر فیلیپ رات است. راجع به فیلیپ رات در ایران زیاد مقاله می‌نویسند، اما وی به عنوان نویسنده در اینجا شناخته نمی‌شود. هر چه بروم در ایران بیشتر متوجه ادبیات آمریکایی لاین موجه و فرج توت و تالیسم جادویی هستم. اما این کتاب فیلیپ رات یک رمان است که من هوشیار را به فرنگار بشره ترجمه کرده‌ام. فیلیپ که بر اساس این رمان ساخته شده اخیراً برنده جایزه فستیوال لوگان شده بود. در حالی که این اثر را، نسبتاً سنگین است و از آثار مهم بیست مدرن در آمریکا است. به نظر من کتاب جالبی آموذگ برای ادبیات تحلیلی است، اما اینکه این رمان در مکتب بیست مدرن جای می‌گیرد، ما به یاد ادبیات قرن نوزدهم روسیه می‌اندازد. اما به یاد معمرلی و کفای خلی قلدیرمان آماج به وقت هالی است که موجد دادار آماج گونه منگن است. بر عی یادی روشن کامل‌تر اقتصاد در برایش چشمه بگیرد. مثلاً در اینجا یک وضعیت تراژیک برای یک جامعه‌شناس می‌زند و این کار یک عمر دیگران هوبت می‌شود و رنج می‌برد. گذشته از جنبه موضوعی، ارزش ادبی این اثر هم بسیار بالاست. می‌تواند که فیلیپ رات چنان بار بارنده جایزه و لاترین وین فلتر آمریکا را برنده جایزه ملی کتاب و… شده باشد. یک کار دیگر هم در دست ترجمه دارم. با اینکه حدود یک سوم از کار او بیش برده، ناشرش را پیدا کرده‌ام. این کتاب تحلیل جابزیت از ارسطو دانسته. نام دارد نویسنده این کتاب بوث استاد دانشگاه سیلیسالیاست. یک کتاب عمومی در زمینه فلسفه سیاسی است. شاید بیشتر یک کتاب درسی محسوب شود. ناشر این کتاب انتشارات مروارید خواهد بود.

ویرانی

ابوالقاسم فرهنگ نویسنده، یک رمان دارم به اسم «ویرانی» که هنوز هیچ ناشری نداده‌ام. موضوع این رمان فریاشی آسان‌ها و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی است. غیر از این رمان، یک مجموعه قصه هم آماده کرده‌ام که در واقع مایه اولیه این اثر جویانات هستند. اصم از جویانات بسیار ریز و کوچک ناشر نلقفی از تاریخ فلسفه اقتصاد و سیاست به همراه خصوصیات و عملکردهای جویانات است به شکل بسیار کوتاه. نام این مجموعه را «مکتوبت» انتخاب کرده‌ام و برای چاپ آن هم هنوز با هیچ ناشری وارد مذاکره نشده‌ام.

عبدالחסین نیک کبر: مترجم

الان یک کتاب بسیار برجیح و مهم در زمینه جامعه‌شناسی ترجمه کرده‌ام. به نام فرهنگ نظامی جامعه‌شناسی که توسط نشر فرهنگ معاصر به بازار می‌آید. این کتاب که ۱۴۰۰ صفحه دارد حدود شش سال وقت صرف ترجمه آن کرده‌ام. نویسنده این کتاب ریمن یرون است. استاد جامعه‌شناسی در دانشگاههای فرانسه است

و جامعه‌شناس بسیار مهمی است و نل‌ام هم کتاب مطلق اجتماعی را از وی ترجمه و منتشر کرده بودم که با تجدید نظر کلی تحت عنوان «مطلق کش اجتماعی» در حال تجدید چاپ است. البته این کتاب را انتشارات توتیا تجدید چاپ می‌کند و طی یکی دو ماه آینده به بازار می‌آید.

تاریخ جهان باستان

ناذر مریم‌معمادی مترجم کتابی که الان در دست ترجمه دارم، یک مجموعه از کسرج به نام تاریخ جهان باستان است. این مجموعه چند جلدی است و با گروهی از ترجمان مشغول ترجمه آن برای انتشارات اساطیر هستیم. یکی از مترجمان این گروه مثلاً فریبون هستیم. یکی از جلد دوم این مجموعه را در دست ترجمه دارم که در در بخش تدوین شده که هر بخش یک جلد خواهد شد. ترجمه بخش اول را انجام داده و تحویل ناشر شده. الان هم در حال ترجمه بخش دوم هستم. البته هنوز معلوم نیست که این مجموعه کی منتشر می‌شود. این مجموعه زیر نظر آقای کامران قالی است و به عنوان



ابوالقاسم فرهنگ



نادر میرسعیدی

سرور استار فعالیت می‌کند.

کتاب دیگری به اسم سلوکیان و اشکانیان نوشته‌ام که انتشارات قفوس منتشر می‌کند. این کتاب از سری کتاب‌های تاریخ ایران محسوب می‌شود و الان هم زیر چاپ است. کتاب بعدی تمدن یونان باستان است که در دست چاپ دارم و ناشرش هم انتشارات رشد است. این کتاب در مجموعه تاریخ بخوابیم این انتشاراتی جای می‌گیرد و ویژه نوجوانان است.

کاظم فرهادی: نویسنده

الان بیشتر وقت را صرف کارهای ویرایشی می‌کنم. در زمینه کتاب هم چند کار در دست دارم. اما ترجیح می‌دهم که کار را به یک جایی برسانم تا بعد در مورد آن اطلاع‌رسانی بشود. اگر فرضی پیدا کنم و بتوانم آنها را جمع و جور کنم، سعی می‌کنم این کتاب‌ها زودتر آماده چاپ بشوند. البته اخیراً کتاب اقتصاد و فرهنگ را توسط نشر نی منتشر کرده‌ام. این کتاب، نویسنده‌اش یک استرالیایی است که پرفسور دویلد تراسلی نام دارد.

الان مجموعه مقالاتی از سانیا جیت رای در دست دارم که در واقع شامل سخنرانی هایش و یادداشت‌های آن دوران است که دربار سینما نوشته بود و تحت عنوان «آموخته‌های یک فیلسازه» منتشر کرد. این کتاب را دارم آماده می‌کنم تا هر چه زودتر منتشر بشود. این کتاب در واقع نظرات و دانسته‌های جیت رای از سینما است که مکتوب شده است. نمی‌شود

گفت کتابی صرفاً تئوریک است اما رجه تئوریک هم دارد. یک مجموعه شامل سه نمایشنامه کوتاه از آمریکایی لاین هم آماده کرده‌ام که طی همین روزها تحویل ناشر می‌شود. نویسندگان این نمایشنامه‌ها مربوط به دهه ۱۹۴۰ میلادی هستند. وقتی که تاتر در آمریکا لاین در اوج خودش بود. این نمایشنامه نویسان در ایران زیاد شناخته شده نیستند. اما در سطح جهان مطرح هستند. نمایشنامه‌های بسیار کوتاه است. در واقع نمایشنامه‌های یک‌پرده‌ای هستند. برای اسم این کتاب هنوز هیچ تصمیمی گرفته‌ام و برای چاپ آنها هم تصمیم دارم با چند ناشر صحبت کنم.

عرفان یابانی: مترجم

الان سه کتاب آماده چاپ دارم که یکی «معنای زندگی» از لُک فُری است. این کتاب راجع به این است که چگونه از رنسانس به این طرف غیبت استعلا و مابعدالطبیعه از زندگی آسان‌یافت‌شده که معنای معانه‌ها و علم مابراه، باشد. از زندگی آسان‌ها حذف شده و دیگر هیچ معنایی وجود ندارد و همه چیز در نزد آسان بر می‌مناشده است. کتاب بعدی «عدالت‌مپناهه» تصادف است که متعلق به جان رات است. نویسنده در این کتاب می‌خواهد بنیاده جامعه‌ای را بگذارد که مبتنی بر عدالت باشد. یک کتاب هندسی مابینه است. یعنی در تمام کتاب با گذاره و قضیه و روبرویی. چون جان رات فیلسوف تحلیلی بوده است. نویسنده در این کتاب جامعه‌ای عدالت محور را پیشنهاد می‌کند. بعد در اصل کلی رایان می‌کند. در یک موفتیمی به اسم موفتیت اولیه می‌گرداند. البته‌ها برای اینکه در تدوین قرئین عادلانه بکوشند. باید در موفت اولیه قرار بگیرند. در چنین موفتیمی آسان‌ها نمی‌اندند. باید ساهند. تیره‌وشناسها می‌هورش و در راجع به خوشان آگاهی ندارند. در چنین وضعیت هر قانونی عادلانه خواهد بود.

کتاب سوم با عنوان «اچگونه فیلسوف شوی» از کالین مک‌گین است. که یکی از فیلسوفان معروف در حوزه فلسفه تحلیلی است. این کتاب در اصل داستان زندگی خودنویسنده است. اینکه چگونه به فلسفه علاقه مند شد. در عین حال این کتاب در فصل بندی‌های مشخصی مثلاً به وینگشتاین، فرگه، راسل و… می‌پردازد. در اصل داستان تحولات فلسفه تحلیلی قرن بیستم را در این کتاب می‌خوانید. این کتاب در واقع طوری نوشته شده که برای همه مردم جذاب و خواندنی باشد. راجع به زندگی فیلسوفان هم می‌نویسد. یک کتاب دیگر هم دارم که الان ترجمه‌اش نیمه تمام است. قرار دوش را هم بیستم به اسم «عشق سیاه» و عنوان فرعی‌اش هم این است: «در باب ناپایداری روابط انسانی». این کتاب از جامعه‌شناس معروف زگموند باسمن است که آقای فولاوند ونوژی هم مقالاتی از وی ترجمه کرده‌اند. اما این اولین کتابی است که از وی در ایران ترجمه و منتشر می‌شود. این کتاب در باب ناپایداری عشق و صمیمیت در جهان مدرن سیال است.

پرویز عباسی: ناگاتی شاعر، پژوهشگر
الان سه چهار تا کار دارم که دست‌نشان است و معلوم نیست کدام یک زودتر به بازار بیاید.

این کتاب‌ها، یکی «اربعات پند» است که آن را تصحیح کردم و دیگری شرح گلشن راز» سزورای است. کتاب بعدی گروه‌ای از فلسفه سه‌پورده‌ی است. کتاب چهارم هم راجع به آلدیته سیاسی در ایران خواهد بود. اسم کتاب «آلدیته سیاسی در نزد متفکران ایرانی» است. البته این کتاب‌ها هر کدام تحویل یک ناشر شده است و احتمال می‌دهم که تا چندی دیگر چاپ و منتشر شوند.

کتاب‌ها

- تصویر کلی از دین و علم و عقل** تصویر کلی از دین و علم و عقل عنوان کتابی به قلم جمال مهاجر درباره معرفی دین و علم و عقل مطابق با واقعیت و به دور از هرگونه افراط و تعصب و به نسل جوان و تحصیل کرده است که توسط انتشارات آسمان در دست چاپ است.
- نقدشعر** نقد آثار شامله و نقد آثار فروغ فرخزاده در عنوان کتاب تازه و پرین سلاجقه است که انتشارات مروارید در تارک چاپ آنهاست.
- یک جای امن** ایک جای امن مجموعه هفت داستان کوتاه از مرجان شرمحمدی این کتاب بعد از آن شبیه شده بود.

- مستاره پیرپیر** انتشارات مرکز دشت منتشر می‌شود از فیروزمحمدی پیش از این کتاب بعد از آن شبیه شده بود.
- مستاره پیرپیر** انتشارات مروارید عنوان اثری از نوشین کریم‌پور است که برودی توسط انتشارات علم چاپ خواهد شد.
- دستی پیر آسمان** «دستی بر آسمان» مجموعه داستانی از محمد علی کردینی با مضمون دفاع مقدس است که توسط انتشارات هزاره قفوس منتشر خواهد شد.
- کتابخانه‌ان بی‌کناه** «کتابخانه‌ان بی‌کناه» عنوان کتاب آمان الله سلیمان است که نگارشش بر پلتر شخصیت و مفاحمی از زندگی سه نسل در طول یک قرن است و انتشارات رسان را در دست انتشار دارد.
- مومیایی در صحرایکامبیا** «مومیایی در صحرایکامبیا» عنوان کتابی از مریم‌پوب آیزرن با ترجمه محمد قضا است که به زمینه‌های علمی، ادبی و تحلیلی-آموزشی می‌پردازد و توسط انتشارات پنگان در دست چاپ است.
- جهانی سازی قتل عام اقتصادی** «جهانی سازی قتل عام اقتصادی» عنوان کتابی از فریوز رئیس دانا و آناهیتی سزای که به جنبه‌های اقتصادی بین‌المللی این پدیده است که توسط انتشارات بگاه در دست چاپ است.

- فرمول موفتیت** «فرمول موفتیت (کلیه پروزی)» عنوان کتابی تألیف علیرضا ساج‌آبادی است که به مباحثی چون زندگی افراد موفق در راه و رسم زندگی، روشنی و اعتماد به نفس پرداخته است و انتشارات گنج‌آب به چاپ آن کرده است.
- سوز ولایت نسل جوان مسلمان** «سوز ولایت نسل جوان مسلمان» مسوز ولایت نسل جوان مسلمان، عنوان کتابی یوسف فرسانی است که در وصف و مسوز ولایت‌های جوان در عصر حاضر و اشلی و شناخت و فهم صحیح اسلام می‌پردازد انتشارات آسمان برودی این کتاب را منتشر خواهد کرد.



این مقاله در ویکی‌سفر، ویکی‌سفر همسفری و راهنمای سفر است. لطفاً به این صفحه در ویکی‌سفر، ویکی‌سفر همسفری و راهنمای سفر کمک کنید.